

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ویژه نامه

شهید خدمت و اصحاب علوم انسانی

به کوشش:

معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی



دانشگاه علامه طباطبائی
معاونت فرهنگی و اجتماعی

* شناسنامه کتاب:

نام: ویژه‌نامه شهید خدمت و اصحاب علوم انسانی
به کوشش: معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی
گردآورنده: دکتر زهره قربانی مادوانی؛ مدیر اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی
تیراژ: ۵۰ نسخه
نوبت چاپ: اول / بهار ۱۴۰۳
چاپخانه: چاپ روز
قیمت: ۱۲۵ هزار تومان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انا لله وانا اليه راجعون

با اندوه و تاسف فراوان خبر تلخ درگذشت شهادت گونه‌ی عالم مجاهد، رئیس‌جمهور مردمی و با کفایت و پرتلاش، خادم‌الرضا علیه‌السلام جناب حجّة الاسلام و المسلمین آقای حاج سیدابراهیم رئیسی و همراهان گرامی ایشان رضوان الله علیهم را دریافت کردم. این حادثه‌ی ناگوار در اثنای یک تلاش خدمت‌رسانی اتفاق افتاد؛ همه‌ی مدت مسئولیت این انسان بزرگوار و فداکار چه در دوران کوتاه ریاست جمهوری و چه پیش از آن، یکسره به تلاش بی‌وقفه در خدمت به مردم و به کشور و به اسلام سپری شد. رئیسی عزیز خستگی نمی‌شناخت. در این حادثه‌ی تلخ، ملت ایران، خدمتگزار صمیمی و مخلص و با ارزشی را از دست داد. برای او صلاح و رضایت مردم که حاکی از

ب ویژه‌نامه شهید خدمت و اصحاب علوم انسانی

رضایت الهی است بر همه چیز ترجیح داشت، از این رو آزرده‌گی هایش از ناسپاسی و طعن برخی بدخواهان، مانع تلاش شبانه‌روزی‌اش برای پیشرفت و اصلاح امور نمی‌شد.
در این حادثه‌ی سنگین شخصیت‌های برجسته‌ای مانند حجة الاسلام آل هاشم امام جمعه‌ی محبوب و معتبر تبریز، جناب آقای امیر عبداللہیان وزیر خارجه‌ی مجاهد و فعال، جناب آقای مالک رحمتی استاندار انقلابی و متدین آذربایجان شرقی و گروه پروازی و دیگر همراهان نیز به رحمت الهی پیوستند.

سیدعلی خامنه‌ای

۳۱/۲/۴۰۳





محمد علی زلفی گل

وزیر علوم، تحقیقات و فناوری

آیت الله رئیسی در دوران حدود سه سال رئیس جمهوری یک پهلوان واقعی بود، مفهوم پهلوان با قهرمان تفاوت دارد؛ چرا که پهلوان در فرهنگ ما به کسی گفته می شود که در رقابت ها همواره اخلاق، ایمان، ادب، انصاف و تقوای سیاسی را ملاک قرار می دهد و به هیچ عنوان مرزهای اخلاقی را زیر پا نمی گذارد و شهادت می دهد برای ایشان برای خدمت به مردم سر از پا نمی شناخت و صادقانه و بی منت برای مردم خدمت کردند.

رئیس جمهور شهیدمان آیت الله رئیسی در تصمیم گیری ها به هیچ عنوان منافع ملی و مردم را فدای منافع دولت نمی کرد، یک بار برای تصمیم گیری در خصوص موضوعی خدمت ایشان رسیدم و گفتم اگر حمایت کنید این تصمیم گرفته شود؛ چرا که هم به نفع دولت و هم به نفع شما خواهد بود که در مقابل رئیس جمهور گفتند دیگر این حرف را نزنید، ما در تصمیم گیری های خود فقط باید منافع مردم را مهم بدانیم و این تذکر ایشان درس مهمی برای بنده بود. به همین جهت وقتی مسئولیت های اجرایی بر عهده می گیریم، نباید به جز منافع مردم به چیزی دیگر فکر کنیم.



عبدالحسین کلانتری
معاون فرهنگی و اجتماعی
وزیر علوم، تحقیقات و فناوری

آیت‌الله دکتر رئیسی در چند دهه خدمت در همه عرصه‌های مختلف علمی، فقهی، قضایی و اجرایی، رجایی وار، نمونه بی‌بدیلی از حکمرانی مردم پایه، صفای باطن و تواضع، خدمت و تلاش جهادی، بی‌وقفه و شبانه روزی، مبارزه مستمر با فساد و بی‌عدالتی، پیگیری مجدانه حل مسائل و مشکلات جامعه و دانشگاهیان و همچون شهید سلیمانی خار چشم دشمنان به‌ویژه صهیونیسم بوده است.

صفا و خلوص، عبور از تنگ نظری‌های حزبی و جناحی، بلند نظری، نگاه وصلی و نه نگاه فصلی، مروت و جوانمردی سیاسی، مردمی بودن، ولی نعمت دانستن مردم به‌ویژه کوخ‌نشینان و مراعات اخلاق و تقوای سیاسی را از ویژگی‌های بارز آیت‌الله رئیسی بود و رفتار، منش و عملکرد مجاهدانه ایشان در چند دهه خدمت، الگوی مناسبی برای مدیران و نظام مدیریتی کشور می‌باشد.



عبدالله معتمدی
رئیس دانشگاه علامه طباطبائی

«وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (نساء / ۱۰۰)

هر کس از خانه خود به عنوان مهاجرت به سوی خدا و پیامبر او خارج شود سپس مرگش فرا رسد پاداش او برخداست و خداوند آمرزنده و مهربان است.

بدون شک حادثه به شهادت رسیدن رئیس جمهور محترم شهید رئیسی آن انسان وارسته خودساخته، مجاهد خستگی ناپذیر، مخلص، پرتلاش، ولایتمدار، محبوب، صادق، انقلابی و ارزشمدار در جریان سقوط بالگردشان در یک مأموریت کاری حادثه تلخی بود که هیچ گاه خاطره آن از اذهان نخواهد رفت و داغ و حسرت آن برای آحاد مردم ایران و همچنین آزادگان جهان همچنان در قلبشان باقی مانده است.

آن شهید بزرگوار با ارائه الگویی بی نظیر از یک خدمت خالصانه و مجاهدانه برای همیشه تاریخ جاویدان شد و چراغ پرفروغی را برای همه مسئولان و مدیران در مسیر خدمت رسانی روشن کرد تا راه گم نکنند و بدانند که در عصر حاضر نیز علی رغم تمام حجابها و القانات و پیچیدگی هایی که پستها، مقامها و موقعیتها را همچون طعمه ای معرفی می کنند که صاحبان آن پستها بهره برداری شخصی و گروهی و جبهه همت خود قرار می دهند، می توان به تماشای یک انسان فرهیخته و بزرگواری نشست که همچون اولیاء خود هیچ اجر و مزدی را از دیگران طلب نمی کند و با خدای خویش معامله می کند.

شهید رئیسی الگوی خدمت صادقانه ای شد و یک ملت در فراق او سوخت، برایش اشک ریخت، افسوس خورد و سنگینی غم خود را با دریافت پیام رهبری معظم،

د ویژه‌نامه شهید خدمت و اصحاب علوم انسانی

نایب امام عصر (عج) تسلی داد تا توانست در مسیر آرمان‌های انقلاب اسلامی و اهداف انقلابی و اجرایی شهید رئیسی همچنان با عزم و اراده‌ای راسخ قدردان مجاهدت‌های شهید رئیسی و همراهان متعهدشان شهید امیر عبدالهیان، شهید آل هاشم، شهید رحمتی، شهید موسوی، شهید مصطفوی، شهید دریانوش و شهید قدیمی باشد. آنان در مسیر خدمت بودند و جان خود را در خدمت‌گزاری به مردم فدا کردند. قرآن کریم وعده داده است که اجر و پاداش آنان با خداوند است. از خداوند منان برای آن شهدای خدمت‌علو درجات و برای مردم قدرشناس کشورمان عزت، عظمت و عافیت‌طلب کرده و برای رهبر فرزانه و معظم انقلاب سلامتی، طول عمر و عزت روزافزون مسئلت داریم. از اهتمام معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه به مکتوب کردن بخشی از دیدگاه‌های استادان بزرگوار دانشگاه در معرفی هر چه بیشتر شهدای خدمت و شهید رئیسی سپاسگزارم.



محمد علی اسلامی

معاون فرهنگی و اجتماعی،

دانشگاه علامه طباطبائی

یکی از مهم ترین ویژگی های شهید جمهور، حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر رئیسی ویژگی های شخصیتی، منشی و اخلاقی بالای او بود. صبر و تاب آوری، حسن خلق، تواضع، مردم داری، انصاف، عدالت در قضاوت، ساده زیستی، مبارزه با فساد و روحیه جهادی ایشان از مهم ترین وجوه تمایز ایشان بود. به جرأت می توان گفت که ایشان نمره اخلاق سیاسی در ایران را به طور معناداری افزایش دادند و علی رغم اینکه مدت کوتاهی به عنوان رئیس جمهور مسئولیت قوه مجریه را بر عهده داشتند اما توانستند الگویی از یک شخصیت تربیت یافته و در تراز نظام جمهوری اسلامی را در سطح ملی و جهانی ارائه نمایند. انتخاب شهید رئیسی به عنوان هشتمین رئیس جمهور در دهه پنجم انقلاب اسلامی بیانگر این موضوع است که آرمان های انقلاب اسلامی در طول زمان امتداد یافته و ریشه های گفتمان انقلاب اسلامی علی رغم حمله های شدید نظام سلطه، در قلوب مردم مؤمن، آزادی خواه و عدالت طلب ایران اسلامی جای گرفته است. منش سیاسی و تربیتی شهید امیر عبداللهیان در معیت شهید جمهور نیز در عرصه منطقه ای و بین المللی نشان داد که میدان و دیپلماسی مقوم یکدیگر هستند و می توان در عین ایستادگی بر آرمان های انقلاب اسلامی تعامل اثربخشی با کشورهای جهان برقرار نمود و منافع ملی را به طور حداکثری حفظ کرد. عضویت در سازمان همکاری های شانگهای و گروه بریکس نشانگر حضور مؤثر جمهوری اسلامی ایران در قطب ها و بلوک های بین المللی است. همه این نقش آفرینی ها در حالی است که ایران کانون محور جبهه مقاومت در سطح جهان است، جبهه ای که اکنون آن قدر گسترده شده است که علاوه بر کشورهایمانند عراق، فلسطین، سوریه، یمن، لبنان بسیاری از ملت ها به ویژه دانشجویان آمریکایی و اروپایی ضد

و ویژه‌نامه شهید خدمت و اصحاب علوم انسانی

صهیونیست را در خود جای داده است. به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران با الگونمایی مشی و منشی سیاسی و تربیتی شهدای خدمت در گام دوم انقلاب اسلامی ایران می‌تواند نقش مؤثری در کارآمدسازی انقلاب اسلامی ایفا نماید. از این منظر نقش دانشگاهیان و اصحاب علوم انسانی به‌عنوان نخبگان نظریه‌پرداز و نظام‌ساز جهت حکمرانی مطلوب و حل چالش‌های ملی و بین‌المللی بسیار کلیدی است. امیدواریم به‌عنوان عضوی از جامعه دانشگاهی ایران اسلامی در حوزه علوم انسانی بتوانیم در راستای اهداف پیش‌گفته، رسالت تاریخی خود را به‌درستی ایفا نماییم.

فهرست مطالب

- أ..... محمد علی زلفی گل؛ وزیر علوم، تحقیقات و فناوری
- ب..... عبدالحسین کلانتری؛ معاون فرهنگی و اجتماعی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری
- ج..... عبدالله معتمدی؛ رئیس دانشگاه علامه طباطبائی
- ه..... محمدعلی اسلامی، معاون فرهنگی و اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی
- ۱..... شهید خدمت: منبع تولید فرهنگ.....
حسن ملکی
- ۳..... تبلور صفات الهی در شهید خدمت.....
عباسعلی وفائی
- ۷..... شهید جمهور آیت الله دکتر رئیسی از منظر مدیریت.....
داود حسین پور
- ۹..... شاخص های رئیس جمهور در تراز شهید جمهور.....
ابوالقاسم فاتحی
- ۱۵..... حکمرانی عارفانه رمز خدمت ماندگار.....
حسام الدین خلعتبری

ح ویژه‌نامه شهید خدمت و اصحاب علوم انسانی

شهید جمهور احیاکننده آرمان‌های انقلاب اسلامی و سرمایه‌های اجتماعی در ساحت قوه مجریه ۲۳
علی انتظاری

سیاست خارجی انقلابی شهید جمهور ۲۹
مجید عباسی

تلور مراتب «ولایت» در شخصیت رئیس جمهور شهید سید ابراهیم رئیسی ۳۳
محسن حبیبی

شهید خدمت و عشق به مردم ۴۱
قادر پرنیز

دیپلمات مجاهد شهید در عرصه خدمت ۴۵
عباسعلی رهبر

عقل ایرانی-اسلامی در برابر عقل ابزاری در زیست جهان ایرانی ۵۱
حسین میرزائی

شهید جمهور و خدمت خالصانه ۵۷
زهره قربانی مادوانی

امید و انگیزش، محتوای شناختی کلام رئیس جمهور شهید ۵۹
کامبیز بنی‌هاشمی

شهید خدمت و سرمایه اجتماعی ۶۵
سیدعلی مزینانی

عشق به مردم سرمایه اجتماعی است ۶۹
ابوالقاسم عیسی مراد

فهرست مطالب ط

- ۷۳ شهید خدمت و سبک زندگی
مریم برهمن
- ۷۹ شهید جمهور و ندای هویت‌سازی حریت‌بخش و امیدمدار
سودابه شکراله‌زاده
- ۸۵ شهید رئیسی الگوی مردم‌داری و عدالت‌گرایی
شیرین رشیدی
- ۸۹ خدمت اعداد به ساحت خدمت: بودن یا نبودن؟
زری سعیدی طلب
- ۹۳ مرگ آگاهی و ثمرات آن با نگرش حکمت‌متعالیه
حوران اکبرزاده

شهید خدمت: منبع تولید فرهنگ

حسن ملکی

استاد تمام گروه مطالعات برنامه درسی، دانشگاه علامه طباطبائی؛

maleki@atu.ac.ir

فرهنگ بشری زائیده زمان است و تراکم ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای فرد و جامعه در طول زمان سرمایه‌ای به نام فرهنگ به وجود می‌آورند. علاوه بر زایش زمان، آموزه‌های وحی، به‌عنوان منبع بی‌بدیل و معتبر، فرهنگ توحیدی را خلق می‌کند و انسان‌ها را در مسیر عبودیت و در راستای نیل به کمالات رهبری می‌نماید.

انسان‌های بزرگ تاریخ که قدر وحی را می‌دانند و حد فرهنگ ملی را نیز می‌شناسند به خدمات متقابل اسلام و فرآورده‌های ملی تکیه می‌کنند و به بندگان خدا با اشتیاق و صف‌ناپذیر خدمت می‌نمایند و این خدمت همان ندای وحی است که در قالب گره‌گشایی صادقانه از مصائب مردم تجلی می‌یابد. این تجلی به‌قدری پرنور و زیباست که هر انسان ولو ضعیف‌الایمان و مخالف را نیز شیفته خود می‌سازد و از کار برای مردم معبدی برای پرستش خدای یکتا می‌سازد.

شهید خدمت و فدایی رضایت‌مندی خدا و مردم یعنی شهید، آیت‌الله رئیسی مصداق بارز این شیفتگان خدمت بود. به‌قدری عیار خدمت‌گزاری را بالا برد که بعید است به این زودی‌ها این عیار جز رئیسی مصداقی داشته باشد. این عزیز آن‌چنان اخلاص را با اصرار به خدمت درآمیخته بود که نه صرفاً جامعه ایمانی بلکه انسان‌های مسئله‌دار با نظام جمهوری اسلامی ایران نیز جذب این منبع عظیم شدند درواقع عمل این شهید منبع بی‌نظیر و

الهام‌بخش فرهنگ‌سازی اسلامی - مردمی بود. به‌نحوی که گفتار و کردارش به‌طور خواسته و ناخواسته به علائم منصوب در راه زندگی اقشار گوناگون تبدیل شد و همچنان به‌تصریح راه و تعلیم رهرو پرداخته و به صف‌های استوار در صراط حقیقت‌طلبان می‌افزاید. بی‌حکمت نیست که حاکم نظام اسلامی باید از حکمت و معارف عمیق، سهم تمام‌نشدنی داشته باشد تا بتواند در جاده انسان‌سازی توحیدی به توسعه ارزش‌های الهی و انسانی بپردازد. خلق فرهنگ در چنین مداری تحقق می‌یابد و اصلاح و تکمیل آن نیز در همین صراط رخ می‌دهد و انصافاً گفتار و کردار شهید خدمت فرهنگ‌ساز بود. آنگاه که با تمام وجود خطاب به مردم با قدرت بیان بالا اعلام می‌نمود که: ما شأنی جز خدمت به مردم نداریم و این معنا را در اغلب دیدارهای مردمی تکرار می‌کرد، در حقیقت تولید فرهنگ می‌نمود. فرهنگ در هر زمینه‌ای یک‌مرتبه ظاهر نمی‌شود بلکه تراکم ارزش‌ها و تبدیل آن‌ها به هنجارها و رفتارهاست که به فرهنگ منجر می‌شود. در نظام اسلامی، مدیران در سطوح مختلف باید قرابت با گوهر دین داشته باشند نه صرفاً با صورت دین. شهید خدمت آیت‌الله رئیسی با گوهر باطن دین پیوند خورده بود و به همین دلیل در قلوب مردم جای محکم برای خود ساخت و عکس‌العمل‌های معرفتی و ارزشی در زمان شهادت ایشان از این جای محکم و مطمئن حکایت می‌کرد. حقیقتاً جمهوریت نظام توسط این شهید عزیز به طریق جدید نمایان شد. در میدان عمل جمهوریت را نشان داد جمهوریتی که با اسلامیت موازی و یا معارض نیست بلکه ملازم و متحد است. خدمت به مردم و تأمین نیازهای اساسی جامعه در اسلامیت نظام جای رفیع دارد و مدیری که به این مهم بپردازد در بستر دین حرکت می‌کند. او بود که در حرف و عمل نشان داد نظام اسلامی قوت و غنای لازم برای حکمرانی آبرومند در عصر حاضر را دارد.

تبلور صفات الهی در شهید خدمت

عباسعلی وفائی

استاد تمام گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی؛

a.vafaie@atu.ac.ir

« مِنْ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا » (آیه ۲۳ سوره احزاب)

روزی که خدای مهربان از انسان به پروردگاری خویش اقرار گرفت و در برابر پرسش «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ» «قالوا بلی» شنید تکلیف انسان نمایان شد و عهد آدمی در برابر خالق هستی ظاهر آمد. در مسیر انجام تعهد آدمی، سوگند اغوای شیطان «فبعزتك لاغوينهم اجمعین» به گوش فرا آمد تا تاریکی و تیرگی زاید و نور حرکت این مسیر نورانی را زایل دارد در نتیجه یا ضعیف نماید و یا درجا زند و یا تسلیم آید و به فرود و پستی گراید یا قوی نماید و صعود گیرد. این است سرنوشت آدمی در حرکت از مبدأ به مقصد رجوع. گوش جان انسان‌های بیدار همواره با خطاب «یا ایها الإنسان إنک کادح إلی ربک کدحا فملاقیه» به جنبش می‌آید و اوج می‌گیرد. بر آنم که شهید عزیزمان دکتر رئیسی در شمار آنانی بود که صدای رحمان همواره گوش جان وجود ایشان را می‌نواخت و بر همین اساس خصایصی و ویژگی‌هایی الهی بر وی مترتب بود که به اختصار بدان‌ها اشاره می‌رود:

۱- خلوص

امام سجاد علیه‌السلام در فرازی از دعای خمسه عشر می‌فرماید که: «اللهم أخلصنی بخالصه توحیدک».

خدایا مرا در اقرار به توحید و وحدانیت خود خالص کن تا هرچه در نظر آید و یا در ذهن گذرد تنها و تنها تو را باشم و لا غیر.

رسیدن به خلوص در نیت و فعل نیاز به ریاضت و معاملات درونی فراوان دارد و بی مجاهده رسیدن به این ویژگی ممکن نیست. با نگاه به رفتار و منش شهید بزرگوار دکتر رئیسی این ویژگی نیکو برجسته می‌نماید. مصاحبان ایشان به این صفت زبان گشوده‌اند. چنانچه آدمی متّصف به این صفت حمیده شود نیروی غیبی وی را به مدد می‌آید و به فرموده رهبر معظم انقلاب «خستگی را خسته می‌کند» و برای خدمت به مخلوق روز و شب نمی‌شناسد تا رضایت مخلوق را که خشنودی خالق از آن می‌گذرد به دست آید.

۲- اخلاق انسانی و اسلامی

هدف اصلی بعثت رسول مکرم اسلام (ص) اتمام کرامت اخلاقی است «بعثتُ لأتمم مکارم الأخلاق» به این موضوع اشارت دارد. شهید رئیسی متّصف به این صفت پسندیده بود. تواضع و فروتنی و گذشت و ایثار و نفی مرادهای نفسانی از این خصیصه محمود ناشی می‌شود. شهید جمهور ما در مناظرات تبلیغات ریاست جمهوری چه مرارت‌ها دید و چه الفاظ نابجا شنید لیکن به جهت داشتن این ویژگی دم فرو بست و با رفتار اخلاقی، مقابل را شرم‌نده کرد تا پس از سال‌ها از خلق نیکوی ایشان سخن رود و زبان تحسین گشوده آید. نگارنده به یاد دارد که در سفر شهید جمهور به چین وقتی دانشجویانی که از سایر استان‌ها به سخنرانی مجلس دیدار آمده بودند فرصت نیافتند، رئیس جمهور شهید پس از اطلاع از این موضوع آنان را شخصاً فراخواند و به سخنان آنان در مجلس خصوصی گوش فرا داد. رفتار اخلاقی و انسانی و اسلامی ایشان موجب تحسین بسیاری شد.

آری سیادت و ملبس بودن به لباس پیامبری و خادمی حضرت رضا علیه‌السلام این ویژگی را در رئیس جمهور شهید به کمال نهاده بود.

۳- انقطاع

به یاد دارم امام راحل عظیم‌الشأن این دعای مولا علی علیه‌السلام را بر زبان جاری

تبلور صفات الهی در شهید خدمت؛ عباسعلی وفائی ۵

می‌فرمودند که: «الهی هب لی کمال الانقطاع الیک و أنر ابصار قلوبنا...» غایت انقطاع حضور در محضر حضرت باری است و وقوف به آیه «ألم يعلم بأن الله یری» است. رسیدن به این مقام بدون مجاهدت نفسانی ممکن نمی‌شود خوف از خدا و عدم ترس از غیر خدا به دلیل توجه شایسته‌ی دل به حضرت رحمانی از مصادیق بارز این مقام است. شهید رئیسی در این خصوص مورد توجه الهی بود تصمیم‌های خداپسندانه در برابر خلق‌پسندانه از نشانه‌های غایب شدن از غیر خدا و توجه به اوست. این ویژگی آدمی را بر صدر اکرام می‌نشانند زیرا «مَنْ كَانَ لِلَّهِ كَانَ لِلَّهِ له». هرگاه تهی‌دست و مظلوم و فقیری، دوستی خویش را به مسئول و کارگزاری نشانه رود خدای مهربان اعزاز و اکرام خود را بدو نثار می‌دارد.

۴- ذکر سایر و ماندگاری در تاریخ

هر فعل و قولی که برای خدا باشد متّصف به صفت بقا می‌شود و صعود آسمانی می‌یابد. فعل نیک موجب یاد کرد نیک از سوی دیگران می‌شود این ویژگی تنها در انسان‌های باورمند و نیکوکار بروز می‌یابد. شهید رئیسی محبوب مظلوم و روستایی محروم از امکانات بود آن چنانکه دشمنان وی نیز گواهی دادند انسانی شایسته و نیکوکاری بود. بدرقه و مشایعت بی‌مانند چند میلیونی مردم در شهرهای تبریز، قم، تهران، بیرجند و مشهد خود گواه صادقی از این صفت است. پس از سال‌ها شخصیت مردمی و اسلامی شهید رجایی در وجود شهید رئیسی پدیدار شد. یقین دارم روزه‌روز یاد کرد نیک این عالم ربانی بیشتر از گذشته خواهد بود و وی همانند شهید رجایی به رئیس‌جمهور مردمی و محبوب و دلسوز مشتهر خواهد شد.

۵- تفسیر عملی از توأمانی دین و سیاست

شهید رئیسی رفتاری از خویش نمود و اندیشه‌ای از خود بروز داد که تفسیر عملی از سیاست عین دیانت و دیانت عین سیاست بود. هرگز ریاست جمهوری، تدین و روحانیت وی را بازنشانند و کم‌رنگ نکرد. هر دو را توأمان به کار داشت. مهر و غضب رئیس‌جمهور شهید نه برای خود بود بلکه در راستای عمل به احکام الهی و نیز تأدیه امانت

۶ ویژه‌نامه شهید خدمت و اصحاب علوم انسانی

ریاست جمهوری بود. توجه به محور مقاومت و مظلومان جهان و نمایش اقتدار ایران اسلامی با نشان دادن تصویر حاج قاسم عزیز و نیز بالا بردن قرآن کریم در سازمان ملل، تفسیر عملی از توأمانی دین و سیاست بود.

تاریخ گواهی خواهد داد که سالی چند چه انسان بزرگ و شایسته و الهی و ایثارگری مسئولیت اجرایی کشور را به دست داشت، شخصی که به دلیل تخلق به اخلاق الهی و شایستگی‌های معنوی کمتر کسی را می‌توان با او برابر نهاد. خدایش در اعلا درجه‌ی جنت و هم‌جواری با ائمه اطهار بر آن رحیل الهی مقرر دارد. آمین یا رب العالمین.

شهید جمهور آیت الله دکتر رئیسی از منظر مدیریت

داود حسین پور

دانشیار گروه مدیریت دولتی، دانشگاه علامه طباطبائی؛

hosseinpour@atu.ac.ir

در این نوشته کوتاه، نگاهی به سبک رهبری و مدیریت رئیس جمهور فقید می پردازم. دکتر رئیسی عزیز سبک رهبری خودش را مبتنی برای ارتباطات انسانی قرار داده بود که نگرشها و رفتارهای دیگران را برای تحقق اهداف عالی نظام تغییر می داد. دکتر رئیسی مجموعه مدیران خود را به انجام کارهای بیشتر به چالش می کشید و سعی می کرد آنها را برای فرصت سازی و تصمیم گیری توانمند کند. در مقایسه با برخی مدیران عالی قبلی، آنچه در سبک آنها مشاهده می شود ثبات وضع موجود و تحمیل دستورالعملها است. منتها وی چون سبک رهبری را به جای مدیریت داشت مردم با انتخاب خود از وی پیروی می کردند.

نگاه به عملکرد گذشته وی به ویژه در دوره ریاست جمهوری آنچه مشاهده می شود رویکرد عملکردی، رابطه ای و تحول آفرین است. به هر طریق سعی می کرد کانال ارتباطی با مردم ایجاد و آن را حفظ کند (مثل سفرهای استانی و مناطق محروم). رهبری بود که هم سبک وظیفه مداری در حد عالی داشت و هم سبک رابطه مداری، انسان محور و توجه به کرامت و منزلت مردم داشت. رویکرد و کار وی تحول آفرین بود، بدین معنی که مشارکت مردم و ایجاد ارتباط با دیگران سطح انگیزه و اخلاق را افزایش داده بود. به

عبارتی جاذبه شخصی، کاریزماتیک و الهام‌بخش بود و به تحول فکری و ذهنی مردم و حتی توجه فردی اهتمام می‌ورزید. ایجاد تحول و آینده‌نگری و امیدآفرینی باعث تشویق مدیران و وزیران برای تحقق اهداف مقدس نظام شده بود. باور به اعتقاد عمیق او به ارزش‌های انقلاب اسلامی باعث شده بود که اصول راهنمای روشن در مسیر هدایت قوه مجریه شکل بگیرد.

در ادامه به یک ویژگی شناخته‌شده وی اشاره می‌کنم که **رئیس جمهور خدمتگزار** بود. معمولاً رهبران مؤثر و اخلاقی کسانی هستند که از موضع خدمتگزاری نسبت به سازمان، کشور و مردم به‌طور کلی، نگاه و کار را شروع می‌کنند. این گونه رهبران نقش خود را نقشی می‌بینند که به آن‌ها اعطا و سپرده شده تا فردایی بهتر برای مردم خلق و ارزش‌آفرینی نمایند. رئیس‌جمهور شهید از این بابت بیشتر یک ویژگی شخصیتی داشت. در این فرصت فقط فهرست وار به ویژگی‌های خدمتگزاری وی اشاره می‌کنم:

- شنود مؤثر داشت و صدای مردم را استماع می‌کرد.
- التیام‌بخش آسیب‌های عاطفی و روحی مردم بود.
- به‌جای قدرت، خدمت و اقناع دیگران نسبت به یک موقعیت یا مسئله داشت.
- تعهد به خدمت و مباشرت با مردم، تعهد به ساخت جامعه داشت.
- اعتمادسازی، صداقت و تقویت رفتارهای شهروندی سازمانی منجر به افزایش اعتماد و رضایت داخلی و بین‌المللی شده بود.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته؛ خداوند درجات او را متعالی و در جوار رحمت خویش قرار دهد. روحش شاد.

شاخص‌های رئیس‌جمهور در تراز شهید

جمهور

ابوالقاسم فاتحی

دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی؛

fatehi.ab@atu.ac.ir

در طول ۴۵ سال گذشته تاکنون افرادی سکان قوه مجریه را در دست داشتند که هر کدام ویژگی‌های شخصیتی و سیاسی خاص خود را داشتند، آمدند و رفتند و نتایجی را برای کشور و جامعه در چهار حوزه کلان اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و جهانی برجای گذاشتند. در میان روسای جمهور گذشته کسانی بودند که با بدفرجامی و فرار مخفیانه از کشور و درغلتیدن در آغوش سازمان تروریستی منافقین خلق سرانجام در نهایت غربت و بی‌کسی در خارج از کشور مردند و اکنون نامی از آنان نیست و جایگاه ارزشمندی در تاریخ ایران ندارند. کسانی هم بودند که با فرجام و عاقبتی نیکو با مدال شهادت در خاک وطن آرام گرفتند و دولت آنان به دولت مردمی شهید رجایی برای همیشه با نیکنامی در تاریخ ایران ماندگار شد. در میان روسای جمهور گذشته، یکی از آنان پس از رحلت امام خمینی (ره) به جانشینی ایشان و به رهبری برگزیده شد که هم‌اکنون سکان‌دار رهبری انقلاب هستند. برخی هم با شعار سازندگی، تعدیل اقتصادی و توسعه اقتصادی و تعامل با جهان آمدند، اما موفق نشدند، برخی هم با شعار توسعه سیاسی و گفت‌وگوی تمدن‌ها آمدند، اما به اهداف خود نرسیدند و سبب نوعی ولنگاری سیاسی و

ناهنجاری‌های فرهنگی و اباحه‌گری و سکولاریسم مذهبی و دین‌ستیزی شدند. برخی از روسای جمهور گذشته نیز با شعارهایی بالابند آمدند و با دستی خالی و کارنامه‌ای تهی و خزان‌های خالی رفتند. برخی هم با شعارهای اصول‌گرایی آمدند، خوب شروع کردند و بد تمام کردند؛ و متأسفانه هنوز در توهم‌های سیاسی خود دست‌وپا می‌زنند؛ اما آخرین آنان شهید جمهور، سید ابراهیم رئیسی بود که در فضای رقابتی خاصی آمد، پیروز انتخابات شد و پس از ۳۳ ماه خدمت صادقانه غریبانه و مظلومانه درحالی که در حال خدمت به مردم و کشور خود بود، شهادت گونه با ما خداحافظی کردند و الحق و انصاف مردم هم در تکریم ایشان در مراسم به خاک‌سپاری پیکرهای آنان سنگ تمام گذاشتند. می‌توان گفت آمدن و پیروزی هر کدام از روسای جمهور گذشته تا حدود زیادی تحت تأثیر شرایط غالب بر فضای سیاسی جامعه، گفتمان غالب روز جامعه و بخصوص فضای سنگین رسانه‌ای و بساخت‌سازی‌هایی بود که قدرت رسانه تولید می‌کرد.

شهید جمهور آیت‌الله دکتر رئیسی در مدت ۳۳ ماه خدمت خود منزلت اجتماعی و سیاسی جایگاه رئیس‌جمهوری را ارتقاء بخشید. او با روحیه مردمی، تواضع، اخلاص، سعه‌صدر، پرکاری، پاک‌دستی، پرهیز از دوقطبی‌سازی، پرهیز از حاشیه‌سازی و در کمال صداقت، خدمت به مردم را در چهارچوب گفتمان انقلاب اسلامی، تقویت نظام اسلامی و ولایتمداری را همیشه مورد توجه قرار داد و بدون ظاهرسازی دست به اصلاح زیرساخت‌هایی زد که در دولت‌های گذشته آسیب‌دیده بود. طبعاً منظور از شاخص‌های رئیس‌جمهور در تراز شهید جمهور، این‌همانی دو شخصیت نیست. منظور این است که کارنامه و عملکرد و مواضع رئیس‌جمهور آینده و جایگزین ایشان باید در مجموع و به صورت میانگین در سطحی باشد که بتواند بیشترین شباهت‌ها را با رئیس‌جمهور فقید و شهید داشته باشد. این شباهت باید در کارنامه شخص داوطلب وجود داشته باشد. کارنامه ۳۳ ماهه هشتمین رئیس‌جمهور فقید کشورمان و نیز ویژگی‌های شخصیتی، سلوک سیاسی و خاصه سبک و الگوی مدیریتی ایشان در همین مدت کوتاه تراز جایگاه ریاست جمهوری را برای فرد بعدی بسیار ارتقاء داده است.

شاخص‌های رئیس‌جمهور در تراز

۱- شاخص‌های روان‌شناختی

صفا، صمیمیت، صداقت، یکی بودن زبان سر با زبان دل، عشق‌ورزی، تواضع، بخشندگی، زبان بدن مردمی، عزت‌نفس، خودباوری، از مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیتی شاخص جایگزین رئیس‌جمهور فقید و شهید است. طبعاً کسانی که در پست‌های پیشین خود، رفتار و گفتارهایی داشته‌اند که نشان می‌دهد از شخصیت‌های اشرافی منش، از بالا به پایین، خودخواه، دو رنگ، غیر مردمی، ابهام‌آمیز و غیر شفاف و چندپهلوی بودن و نوعی خاص بودگی برخوردارند، قطعاً نمی‌توانند، جانشین مناسبی برای شهید‌جمهور باشند. ریشه اصلی تمام رفتار و گفتار انسان به هویت و شاکله شخصیتی انسان برمی‌گردد.

۲- شاخص‌های جامعه‌شناختی

توانایی در برقراری کنش‌های اجتماعی آسان، روان، امیدآفرین، آگاهی‌بخش و مؤثر با تمامی لایه‌های اجتماعی و خاصه طبقات محروم و نیازمند بدون تکلف توانایی انسجام‌بخشی و ایجاد وحدت و همدلی و وفاق اجتماعی و پرهیز از دامن زدن به اختلافات اجتماعی و سیاسی در میان اقوام، مذاهب و خرده‌فرهنگ‌ها توانایی فهم و درک جامعه‌شناختی از مسائل مهم اجتماعی، از فرایندها و رویه‌های پدیده‌های اجتماعی و از نهادهای اجتماعی بر اساس زیست‌بوم فرهنگ ایرانی اسلامی و گفتمان انقلاب اسلامی

۳- شاخص‌های مدیریتی

رئیس‌جمهور باید در مدیریت خود، نوعی نگاه کلان، راهبردی، درازمدت و آینده‌نگرانه مبتنی بر تلفیق آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی داشته باشد. از توان هماهنگ‌سازی قوه مجریه با دو قوه مقننه و قضاییه برخوردار باشد، توان هماهنگ‌سازی دولت، وزارتخانه‌ها و سازمان‌های ملی را داشته باشد. دچار روزمرگی نشود. اسیر ساختارهای موجود نشود و روحیه تحولی داشته باشد. نه رسیدگی به مشکلات مردم او را از مدیریت‌های کلان باز دارد و نه آن‌چنان غرق بروکراسی و دیوانسالاری سازمان‌ها شود که واقعیت‌های روزمره و

سفره مردم را نبیند.

۴- شاخص‌های سیاسی و فرهنگی

اگرچه همه‌ی شاخص‌ها مهم‌اند، اما دو شاخص سیاسی و فرهنگی رئیس‌جمهور جایگزین تعیین‌کننده‌ترین شاخص‌ها به شمار می‌آید. درک سیاسی درست از جهان، از غرب، از آمریکا، از اروپا به گونه‌ای که مرعوب نشود، دلداده نشود، غرب‌گرا نشود و توسعه اقتصادی کشور را در دستان غرب نبیند، اما درعین حال با عزت، با قدرت و با واقع‌گرایی هوشمندانه سیاست خارجی کشور را در مسیر استقلال کشور قرار دهد. از نظر فرهنگی از دانش و بینش عمیق فرهنگ انقلاب اسلامی که بر پایه‌های فرهنگ دینی، فرهنگ ایرانی و فرهنگ انقلاب اسلامی و اسلام ناب محمدی استوار است برخوردار باشد و عمیقاً بدان باور قلبی و درونی داشته باشد.

معنای در تراز بودن رئیس‌جمهور

۱. معنای در تراز بودن رئیس‌جمهور طبعاً دوری و نزدیکی مکانی یا سببی و یا نسبی فرد با شهید جمهور نیست. همان‌گونه که بودن و نبودن در هیئت دولت شهید جمهور هم نیست.

۲. در تراز بودن رئیس‌جمهور منتخب، بی‌شک در معدل نمره‌ای است که فرد داوطلب و مدعی نزدیکی و هم‌ترازی با آیت‌الله شهید دکتر رئیسی دارد. دکتر رئیسی صفات برجسته زیادی داشت که بسیاری از این صفات پس از شهادت ایشان نمایان، اجتماعی و عمومی شد؛ و این یکی از ویژگی‌های مردان خداست که تا هستند، قدرشان نامعلوم و وقتی می‌روند، ارزششان معلوم می‌شود.

۳. مهم‌ترین صفات شهید جمهور که از ابتدای ورود ایشان به دنیای سیاست تا زمان شهادت ایشان، در رفتارهای سیاسی ایشان برجسته بود و او را نماد «ناصرح امین» ساخت مجموعه صفاتی بود که به صورت منظومه‌ای و یکپارچه در شخصیت ایشان درونی و پایدار شده بود و هویت سیاسی، اخلاقی و الگویی مدیریت کلان وی را در راهبری قوه مهم مجریه تشکیل داده بود. «ناصرح امین» یک صفتی است که خداوند در آیه ۶۷ سوره اعراف

شاخص‌های رئیس‌جمهور در تراز شهید جمهور؛ ابوالقاسم فاتحی ۱۳

«أَبْلَغُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ» به‌عنوان مهم‌ترین برجستگی برای سلسله‌ای از پیامبران در قرآن آورده است.

۴. «ناصر امین» یعنی راهنما، منجی و کاربلدی که هدفش از نصیحت و خیرخواهی عمومی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه که به دست گرفتن سکان قوم مجریه، امروزه یکی از مهم‌ترین مصادیق ناصر امین است، به کسی می‌گویند که کارنامه، رفتار و کردارش و بخصوص انگیزه و گفتارش از فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی گذشته‌اش به‌وضوح نشان دهد برای خدا و نه خود و جناح و باند خود آمده است. به‌قول معروف صداقت، خیرخواهی، امانت‌داری از سر و رویش می‌بارد.

۵. اخلاص، صفای باطن، آراستگی در گفتار، آرامش در درون، پرهیز جدی از تخریب رقیب، لجن‌پراکنی نکردن، مهارت و تخصص کاری، درد مردم داشتن، یکرنگی و ثبات قدم و پایداری در کارنامه سیاسی خود، مردم‌داری، دشمن‌ستیزی عاقلانه و قاطعانه، ولایت‌پذیری پیوسته و بی‌سروصدا، ساده زیستی، بی‌حاشیه بودن، پاک‌دستی خود و بستگان، اخلاق سیاسی، برنامه داشتن، تلاش گری‌شبان‌روزی، هوچی‌گر نبودن در رسانه و تبلیغات که می‌توان همه‌ی این برجستگی‌ها را در تقوای و خداترسی در سیاست‌ورزی، تقوای در کنش‌گری‌های سیاسی و اجتماعی، در تعاملات کاری، در قضاوت نسبت به رقیب خود خلاصه کرد. این شاخص‌ها و برجستگی‌ها از مهم‌ترین برجستگی‌های رئیس‌جمهوری است که «ناصر امین» است و می‌تواند در تراز شهید جمهور باشد.

از آنجایی که از یک سو می‌توان سبک و سلوک زیست فردی و اجتماعی شهید جمهور را در مسیر تحقق اهداف پیامبران الهی و تحقق اهداف انقلاب اسلامی که هم‌راستا با تحقق پیامبران الهی است، صورت‌بندی کرد و از سوی دیگر وقتی سیره و سنت (روش) ایشان را از آغاز ورود به مبارزات انتخاباتی ریاست‌جمهوری تا زمان شهادت در مواجهه با گونه‌های متفاوت از دوستان تا دشمنان و تا مخالفان بی‌انصاف و عقده‌ای بررسی و تحلیل می‌کنیم، می‌توان نتیجه گرفت که واژه و مفهوم عمیق «ناصر امین» برآزنده شهید جمهور است.

در آخر میانگین مؤلفه‌های مدیریتی، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، مردمی بودن، ساده زیستی و ... آیت‌الله رئیسی از ایشان یک شخصیت متوازن، متعادل، مردمی، یکپارچه و باثبات و پایداری ساخته بود که اکنون ما از آن به‌عنوان تراز و معیار سنجش یاد می‌کنیم.

حکمرانی عارفانه رمز خدمت ماندگار

حسام‌الدین خلعتبری

دانشیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی؛

hkhalat@atu.ac.ir

در وانفسای زمانی سخت و دیجور ستاره‌هایی خورشید فام درخشید تا صبح انقلاب را بعد از افت و خیزهای شب پرستان نوید نو دهند. این درخشش همچون درخشش اخترانی بود که بارقه امید در قلب‌ها ایجاد نموده برخی از آن رادمردان به دست کوردلانی که طاقت دیدن نور پرفروغشان را نداشتند شهد شهادت نوشیدند انسان‌های خردمند و منوری چون رجایی باهنر بهشتی و ۷۲ یار باوفایش حاج قاسم عزیز آن سردار سرافرازی که در بیرون از این مرزوبوم نامش و کارش عیان و در نزد خدای بزرگ نیز تابان،

«مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَجْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا» (احزاب: ۲۳).

«در میان مؤمنان مردانی هستند که بر سر عهده‌ی که با خدا بستند صادقانه ایستاده‌اند؛ بعضی پیمان خود را به آخر بردند (و در راه او شربت شهادت نوشیدند) و بعضی دیگر در انتظارند؛ و هیچ‌گونه تغییری در پیمان خود ندادند.»

شهید خدمت و یارانش مردانی از همین تبار بوده است که در فترت سرمایه اجتماعی انقلاب پرفتح اسلامی ایران؛ با هدایت داهیانۀ فرزانه امت و همت مردمی بزرگ، سگان جامعه اسلامی را به دست گرفت و با حدود سه سال خدمت بی‌بدیل خود در مسند خادم جمهور، برگ‌هایی زرینی از کارهای بزرگ و خالصانه را به جامعه ایران و آزادگان جهان

تقدیم کردند، سیدی خدمتگزار و با صفا و عاشق مردم که خدمت به خلق و عیال الله با وجودش عجین گشته و پیش از این کارهایی سترگ چون قضاوت و نظارت بر امور تا خادمی حضرت ثامن الحجج با نصب رهبر فرزانه، به سرانجام رسانده،

خادم الرضا بودن کیمیایی است که جان را ترنم می‌بخشد، روشن است دیدار هر روزه آستان قدس رضوی و استفاده از فرصت مجاورت، کدورت‌های دل را زدوده و زائر خادم را خالص و آماده برای صحنه‌های خدمت می‌کند صحنه‌های سنگین و سهمگین، در جامعه‌ای که با حکمرانی جاهلانه، روح امید را باخته و سرمایه اجتماعی را در نهایت حقیض خود رسانده بود، بله این مصلح بت‌شکن با انگیزه عظیم با دخل و خزانه خالی ولی با قلبی مطمئن به یاری حق به اصلاح بنیان‌های آسیب‌دیده رفت تا بار دیگر آب از جوی رفته را در مسیر خود بازگرداند؛ و حضور چند ده‌میلیونی پرواز گواه بر وفای عهد با مردم بود و این چنین بود که شهید خدمت هنر نیکو زیستن و خدمت صادقانه را به مدعیان آموخت.

باید دانست اگر انسان جایگاه خود را در هستی دریابد و دیدی ویژه یابد و بی‌شک جهان با همه بزرگی‌اش برای خدمت، کوچک خواهد دید زیرا این شناخت و ایمان و عقل و شاید فراتر از آن‌ها عشق، او را وامی‌دارد که یک لحظه قرار و آرام نگیرد. به حق اینان الگوهای شایسته برای بشریت هستند اینان‌اند که واژه‌ها را معنا می‌بخشند.

واژه خدمت برای انسان عاشق حق معنایی دیگر دارد، همچون زلال آب، چونان آینه، «آینه باش تا پاک بمانی» این پاکان انقلابی، طالب عدالت بودند «عدالت که در جهان لفظی فریباست» بله درست شنیدیم دنبال عدالت؛ عدالت و آه عدالت که واژه‌ای مظلوم‌تر از آن نبوده و نیست به تعبیر امیر بیان؛ «عدالت جولان سخن بسیار دارد ولی در مقام انصاف بسیار تنگ میدان»؛ و تنها دل صافی خورده خواهان آن است، از این رو کوه و صحرا دره و دشت را می‌گردد تا پهنه عدل را بگستراند تا انسان آوا در گلو شکسته و خار غم بر چشم بسته را بیابد و مرهم بر دل رنجور و زخم تن او نهد. تا انسان نشوی، اهل انس نگردی؛ تا عاشق نشوی، پراکندن بذر عدالت در سرزمین عشق بی‌معناست.

حکمرانی عارفانه رمز خدمت ماندگار؛ حسام‌الدین خلعتبری ۱۷

بله شیوه دنیاداران بدسگال است که از بهترین واژه‌ها برای خود متاعی ساز می‌کنند ولی خدای بصیر را نمی‌توان فریفت و روزی فریبای واقعی، چشم در چشم، انسان را به مصاف خود می‌خواند «یوم تبلی السرائر» (طارق: ۹) آن وقت است که کاسب متاع از حافظ آن نمایان گردد.

سخن گفتن از رادمردان تاریخ آسان نیست، سخت‌تر آنکه بین توصیف‌کننده و توصیف‌شونده مشابهتی نباشد. در هر حال نمی‌توان به قله‌ها نگاه نکرد و منظر جمع را بی‌بهره از نظر کرد.

در فلسفه تاریخ نیروی محرکه تاریخ را اموری دانسته‌اند عقیده بر آن است که قهرمانان و اراده‌های قوی مهم‌ترین عامل تحول‌اند. اراده شأنی در تمام انسان‌هاست ولی عده‌ای این اراده را به فعلیت می‌رسانند و در پرتو آن کارهای بزرگی را در اندک زمان انجام می‌دهند نشانه‌های این ادعا را می‌توان در زندگی آنان یافت در زندگی رئیس‌جمهور بهتر بگوییم خادم ملت؛ زندگی‌ای که همچون جدش با یتیمی آغاز شد و دردمندی نیز در دردمندان را از ابتدا در وجودش احساس کرد؛ احساسی عمیق، احساسی که سراسر وجودش را فراگرفت «من با یتیمی بزرگ شدم درد فقر را نشنیدم بلکه لمس کردم» این لمس و چشیدن‌ها و معاینه انسان با مشکلات است که او را آبدیده می‌کند در این شرایط فقر، مادری بزرگ، از تبار مادرانی که با «یک دست گهواره را حرکت می‌دهند و با دست دیگر جهان را» از فقر پیش‌آمده فرصتی برای رشد کودک می‌سازد، رشدی به‌سوی دریافت بهترین‌ها و آموزش عملی صداقت، امانت، قناعت، عزت و عدالت و در یک کلام طهارت نفسانی؛ این نقطه عزیمت انسان به‌سوی جهان‌پیش‌روی اوست جهانی که ارزش انسان را در حد حیوان و اشیا و حتی کمتر از آن دانسته است. این شخصیت خود ساخته است که درک عمیق از روابط انسان‌ها دارد و راهی را می‌رود که این طهارت درونی را با داشته‌های اخلاقی و علمی بیشتر پیوند زند. این شهید خدمت؛ آینده‌ای به بلندای تاریخ اعصار و امصار پیش می‌نهد آینده‌ای پیچیده در درس‌ها و عبرت‌ها.

در حوزه علمیه وارد می‌شود درس می‌خواند و تقوا می‌اندوزد با ذخیره تربیتی مادر

زنده‌دل، آشنایی با علمای بزرگ و پیر عارف و معمار بزرگ انقلاب امام امت نیز ناخدای امروز امت و تلقی مسیر نورانی انقلاب اسلامی از این مناره‌های ایمان؛ روح اجتماعی‌اش صیقل و چشمش به نقشه‌های استکبار روشن می‌گردد او دلداده این مسیر انقلابی می‌شود و به‌مرور با تجارب علمی و عملی جنس او را به پختگی نزدیک‌تر می‌شود، به‌گونه‌ای که در توصیف این مجاهد خدمت و این شخصیت رشد یافته یکی از دوستان او بیان می‌کند که شهید رئیسی «جنس خوبی داشت» شاید تمام سخن در همین کلام خوابیده است «جنس خوبی داشت» البته این سخن بعد فلسفی عمیقی دارد که در این مقال نمی‌گنجد ولی یک بعد و لایه معنایی نازل‌تر دارد که حکایتی است از انسانی که در پرتو تربیت و وجودش را در مسیر درست هدایت کرده و این بذر در این وجود تبدیل به خوشه‌هایی بارور گشته؛ چنین انسانی مانند همه پاک‌باختگان آگاه؛ نمی‌تواند در خود بماند. او شیفته خدمت است مانند سیدالشهدای انقلاب اسلامی شهید بهشتی که در برابر منافقان کوردل و غرب‌گدایان گفته بود: «ما شیفتگان خدمتیم نه تشنگان قدرت»، این شهید فقید تمام دوران حیاتش را در خدمت اهداف انقلاب مردمی ایران بود در بیانی چنین گفت: «تعطیلی در مدت عمرم نداشتم» بله خادم ملت و همراهان شهیدش یافته بودند که اگر کسی به دیگران خدمت می‌کند از جهتی تم وجودش را دریایی می‌کند و روح خود را که امانتی الهی است تعالی می‌بخشد و از جانبی دیگر رضایت حق را طلب می‌کند. این قانون عمل و عکس‌العمل است اگر انسان عمل کند عمل درست، عکس‌العمل آن را در درون خود با بهجت نفسانی عمیق می‌یابد این شادابی نفسانی از خدمت، سوخت و مایه تورین اراده انسان برای کار و تلاش بیشتر در مسیر حق است و این تبادل عمیق و روح‌افزا دائماً گسترش می‌یابد به‌گونه‌ای که شخص در جوش و خروش دائمی در تحقق مسیر الهی سر از پا نمی‌شناسد

وقتی انسان به این مرحله می‌رسد غوغایی در جاننش تحقق می‌یابد این غوغا همان است که رئیسی شهید خدمت را با تمام طعن معاندان جاهلان سست نمی‌کند؛ دل را خسته می‌کند لیک غوغای شناخت حقایق عالی دل را لبریز از مستی خم یار می‌نماید این صاحب دلان هستند که خلق را عیال الهی می‌بینند و خدمت به آنان را فرصتی برای خود، فرصتی

که شاید تکرار نشود. شهید خدمت به این مقام می‌رسد که سر از پای نمی‌شناسد لذا بستر گرم و صندلی نرم را که برخی برای رسیدن به آن تمام همت خود را صرف می‌کنند؛ از خود دور می‌کند. می‌داند که اینان رهن راه و حربه شیطان است و آن‌گونه با سرعت اوج می‌گیرد که شیاطین انسی و جنی را جا می‌گذارد و تن و جانش ذوب در نشئه دیگر می‌گردد و عاشقی خلق، پیشه او می‌شود و با حق در خلق سیر ملکوتی می‌کند و در این ظرف هستی، دیدی جمعی می‌یابد و فاصله آسمان و زمین کوتاه می‌شود از این رو با عشق و علاقه به همه نگاه می‌کند او بدی‌ها را خوب و لطف به خود می‌بیند و حیرت سرگشتگی و بن‌بست از چنین وجودی رخت بر بندد به گونه‌ای که اهل دلان همراه، مسیر این ملکوت وجودی را احساس می‌کنند به قول مخبر دولت انقلابی: «هیچ وقت شهید رئیسی را در بن‌بست ندیدم» چرا بن‌بست؟ در منطق اهل دل، تنها دیوان و دیو سیرت‌اند که به بن‌بست می‌رسند از این رو بیراهه را راه می‌نمایانند و با تسویل و تزین، خود و دیگران را فریب می‌دهند.

اگر انسان به این نقطه از انجذاب رسید یقیناً خدای بزرگ واله و عاشق و شیدای او می‌شود کسی که خدا عاشقش شد دعایش را مستجاب و او را به نهایت آرزویش یعنی دیدار یار مدد می‌کند؛ بله عارفان معمولی با خودسازی و دوری از جامعه و کنج عزلت می‌خواهند به این رتبه عرفانی و عظیم بار یابند ولی عارفان ربانی؛ آنان که در مکتب نبوی و علوی تربیت یافته‌اند این مقام را در مقام جمع‌الجمعی و حضور در جامعه و تلاش مصلحانه خود می‌یابند. لذا هیچ مصلح صادقی را نمی‌شناسیم که در غار وجود خود به اصلاح پرداخته باشد و ستوده یارو به حضرت دوست بار یافته باشد بلکه مصلحانی که درد هدایت انسان و کار برای انسان و سامان دادن زندگی انسان را داشته‌اند با خلق زیستند و با خلق هم‌نفس شدند و به خلق پیوستند طعن‌ها و دردها چشیدند در برابر طاغوت‌ها و اخلاق‌های ناپسند صبر و بردباری کردند نامشان برای همیشه تاریخ ماندگار گشت. اینان الگوهای پایدار و پایداری برای جهان خسته امروز هستند که فریادرسی از جنسی دیگر را طالب‌اند و الگویی شایسته در تراز حکمرانان راستین؛ آنانی که به تعبیر فرزانه امت «در

خدمت‌گذاری به کشور و ملت نصاب جدیدی را ایجاد کردند» بله، سرمانایی انسان، این شیوه از زیست فردی و جمعی است.

خانواده و نیز دوستان صدیق آن شهید خدمت بیان داشتند هر قدر مسئولیت اجتماعی این شهید راه خدمت زیاد می‌شد بر ذکر و مناجاتش در دل شب افزوده می‌شد. شاید آن بزرگ‌مرد در مناجات خود فرافراز بلند مناجات شعبانیه امیر مؤمنان علیه‌السلام را با سوز و گداز زمزمه می‌کرد و کمال انقطاع و اتصال به عالم قرب و مقعد صدق را طلب می‌کرد، «إِلَهِي هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ وَأَنْرْ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا بِضِيَاءِ نَظَرِهَا إِلَيْكَ، حَتَّى تَخْرِقَ أَبْصَارَ الْقُلُوبِ حُجُبَ النُّورِ فَتَصِلَ إِلَى مَعْدِنِ الْعَظْمَةِ، وَتَصِيرَ أَرْوَاحَنَا مَعْلُوقَةً بِعِزِّ قُدْسِكَ» (بحار الانوار: ج ۹۱ ص ۹۹) و خدای بزرگ این مناجات قلبی را و در خواست انقطاع را مستجاب و او را به نهایت آرزو «دیدار یار» رساند؛ و او را در غربی‌ترین نقطه این سرزمین جهاد و شهادت و در پرواز خدمت آسمانی نمود.

شهید خدمت و یاران باوفایش برای همیشه الگویی پایدار برای خادمان خدمت و قوای مختلف جامعه اسلامی شدند و طنین سخن این خادم ملت آن است که اگر بخواهید خدمت خداپسند داشته باشند باید مظلومان را دریابند همان‌ها که امام خمینی آنان را ولی‌نعمتان انقلاب اسلامی نامبردار نمود و شهید رئیسی و یارانش این درس را از مرشدشان آموختند از این رو در جریده تاریخ ماندگار شدند؛ که لسان‌الغیب شیراز سرود:

هرگز نمیرد آن‌که دلش زنده شد به عشق

ثبت است بر جریده عالم دوام ما

این واگویی دلی جان‌نگارنده را روشن و سرشک اشک را بر گونه‌اش جاری نمود از بی‌شناختی خود و فقدان دُرَدانه احمدی که امیدی راستین برای آینده این انقلاب پرفتح بود فرزانه انقلاب راه را هموار ولی، خدای بزرگ طرحی دیگر داشت شاید انقلاب نیازمند این شهادت در بستر خدمت بود تا وجدان‌ها بیدار گردد و شکوه انقلاب با تشیع رجال شهیدش بر جهانیان روشن گردد و همه دریابند که مسیر خمینی کبیر همچنان زنده و

حکمرانی عارفانه رمز خدمت ماندگار؛ حسام‌الدین خلعتبری ۲۱

پویاست و به قول شاعر شیرین سخن ما پروین: «هربلایی کز تو آید رحمتی است».

اما این سخن آخر در رثای شهید جمهور و خادم الرضا؛

شهید رئیسی عزیز با رفتنت قلب‌ها را پر از غم و اندوه و چشم‌ها را بارانی و گام‌ها را

استوارتر کردی، به ما محبت و خدمت و تواضع را آموختی، به ما سعه صدر در مقابل

توهین‌ها و تحقیرها را آموزش دادی

تو خستگی را، کار را، بیداری را، تلاش را از پا در آوردی و این گونه بودی که خدا

خریدار تو شد و نبودنت را در کنار خود برنتافت و عاشقانه ترا به آغوش کشید و شربت

شیرین شهادت را به تو نوشاند و چقدر لیاقت این مقام آخر را داشتی، چقدر این نشان

جدید برازنده‌ی تو بود خادم الرضای شهید، خادم ملت؛ ردای سرخ شهادت بر قامت چون

سروت مبارک باد.

شهید جمهور احیاکننده آرمان‌های انقلاب اسلامی و سرمایه‌های اجتماعی در ساحت قوه مجریه

علی انتظاری

دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی؛

entezari@atu.ac.ir

انقلاب اسلامی در شرایطی که جهان در حال فراملی شدن بود در منطقه آسیای غربی به وقوع پیوست. خیلی‌ها معتقدند که اساساً انقلاب اسلامی انقلابی فراملی متولد شد و از اساس نه فقط هژمونی نظام پهلوی بلکه نظام سلطه جهانی را به چالش کشید. یکی از شعارهای مردم در جریان انقلاب اسلامی علاوه بر «مرگ بر شاه»، «مرگ بر سه مفسدین؛ کارتر و سادات و بگین» بود. به همین سبب بود که از آغازین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) نیز «صدور انقلاب» را به عنوان یکی از آرمان‌های مهم انقلاب اسلامی معرفی کردند. آرمانی که مورد بی‌مهری بعضی از مسئولان قرار گرفت. کم‌توجهی به این آرمان مهم انقلاب اسلامی عوامل و دلایل گوناگونی داشت؛ جنگ تحمیلی، دغدغه تأمین معاش مردم و اهتمام در جهت مدیریت دفاع مقدس شرایطی را رقم زد که امکان پرداختن به آرمان‌ها را از اذهان بعضی از مسئولان دور می‌کرد.

علاوه بر مسائل فوق‌گفتمان جدیدی از ملی‌گرایی نضیح گرفت که بر اساس آن این باور قوت گرفت که برای صدور انقلاب اسلامی لازم است در مرحله اول ایران را از نظر

اقتصادی به نقطه‌ای برسانیم که الگویی باشد برای کشورها دیگر؛ به عبارت دیگر، برای صدور انقلاب لازم است اول شما در داخل قدرت پیدا کنید و بعد خودبه‌خود کشوری که قدرتمند است الگوی جهانیان خواهد شد. این رویکرد موجب شد تا گرایش‌های متمرکز بر منافع ملی در میان مسئولان جمهوری اسلامی قدرت بگیرد. بعد از دفاع مقدس نیز با نوساناتی این آرمان مهم انقلاب اسلامی دچار تحریف و کنار گذاری شد: اول به بهانه سازندگی، بعد تحت تأثیر تطور انقلابیون، اصلاح‌طلبی و پذیرش هژمونی گفتمان غرب‌گرا، سپس تحت تأثیر خود شگفت‌زدگی و غیراخلاقی عمل کردن و نهایتاً به سبب اتخاذ رویکردهایی مبتنی بر پذیرش الگوهای به ظاهر جهانی و پیروی از شعار مسخره «جهانی‌بیاندیشیم و بومی عمل کنیم».

ناگفته نماند که آرمان صدور انقلاب اسلامی بدون حامی نماند و علیرغم ممانعت و بی‌توجهی بعضی از دولت‌ها توسط بعضی از مسئولان به رهبری مقام معظم رهبری از ابتدای انقلاب اسلامی پی‌جویی شد و می‌توان وضعیت کنونی حزب‌الله لبنان، حماس و انصارالله یمن و بعضی از گروه‌های مقاومت دیگر در منطقه و حتی جهان را محصول این اهتمام جهادی دانست. در شرایط کنونی نیک می‌دانیم که اگر گفتمان انقلاب اسلامی در منطقه تا این اندازه توسعه‌نیافته بود کشور ما و بلکه آسیای غربی در چه وضعیتی به سر می‌برد. تلاش‌های شهید قاسم سلیمانی ذیل منویات رهبر معظم انقلاب نقشی کلیدی در بقای گفتمان انقلاب اسلامی و گروه‌های مقاومت داشته است. ضمن اینکه امنیت و ثبات ملی تا حدود زیادی مرهون فضایی است که در خارج از مرزها در ساحت فراملی فراهم شده بود.

به عبارتی در پی‌جویی آرمان‌های انقلاب اسلامی سه جریان قابل‌شناسایی هستند: اول جریان خارجی هژمونی غربی که تلاش کرده‌اند انقلاب اسلامی را از آرمان‌های اصیل آن دور کنند؛ کاری که با اکثر انقلاب‌ها کرده‌اند که در جای خود قابلیت تشریح دارد. به‌طور خلاصه می‌توان گفت قطب غالب غرب لزوماً با هر جنبش و حرکت انقلابی مقابل خود تقابل جدی نمی‌کند. بلکه هنگامی احساس خطر جدی می‌کند که وجاهت تمدنی پیدا

شهید جمهور احیاکننده آرمان‌های انقلاب اسلامی و ...؛ علی‌انتظاری ۲۵

کند؛ به عبارت دیگر، در شرایطی که امکان ارائه بدیل‌های جهانی برای هر یک از الگوهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی شبه جهانی در هر یک از بسترها تمدنی ایجاد شود، قطب غالب غرب با تمام توان در جهت خنثی کردن و بی‌اثر کردن آن اهتمام می‌ورزد. و گرنه قدرت پیدا کردن اقتصادی در چهارچوب رویکردهای سرمایه‌داری، دموکراسی از نوع مردم‌فریبی غربی و هژمونی سبک زندگی سکولار نه تنها مسئله‌ای برای قدرت‌های شبه جهانی نیست بلکه خودشان را به نوعی شریک آن می‌کنند. نظیر آنچه در چین رخ داده است می‌تواند راهنمای خوبی باشد بر اینکه قطب غالب غرب از چنین ظرفیت‌هایی نه تنها هراسی ندارد بلکه با استفاده از ابزارها و سازوکارهایی که در اختیار دارد از آن‌ها بهره‌مند می‌شود. در این زمینه نشانی‌های غلطی که امثال مکرون رئیس‌جمهوری فرانسه تحت عنوان قطب‌های جدید در حال ظهور می‌دهد نباید موجب شود که از قطب‌های واقعی در حال وقوع غفلت بورزیم.

جریان دوم مقابله‌کننده با آرمان‌های انقلاب اسلامی، جریان داخلی است که هژمونی قطب غالب غرب را بومی‌سازی و تئوریزه کرده است و در قالب‌های سازندگی ایران مقتدر، تبدیل جامعه مدنی به مدینه‌النبی و بستن با کدخدا به خورد مردم داده است. سوم، جریان ناب و خالصی است که در این فراز و نشیب‌ها و از میان سنگلاخ‌ها و موانع فراهم شده توسط گفتمان‌های غربی و غرب‌گرا، از پی‌جویی این آرمان کوتاه نیامد و تحقق آن‌ها را دنبال کرده است.

شبه آنچه برای آرمان‌ صدور انقلاب اسلامی رخ داده است با تفاوت‌هایی برای سایر آرمان‌های انقلاب اسلامی پیش آمده است. مدیریت جهادی و مردمی شدن سیاست، اقتصاد و فرهنگ یکی دیگر از این آرمان‌هاست که با تحریف‌های قرین به تحریف فوق مواجه شده است؛ علیرغم شعارهای مردمی شدن و پرهیز از الگوهای ضد مردمی، از طریق توسعه هیمنه دولت و بزرگ کردن حجم دیوانسالاری در کنار پی‌جویی سیاست‌های تمرکزگرایانه عملاً مردم حاضر در صحنه در آغاز انقلاب را به بهانه عقلانیت و انتظام بخشی از صحنه مسئولیت‌شناسی رانده و مردم مسئول و صاحب کار را به مردمی تماشاجی

و متوقع تبدیل کرده است. فرایندی که پیش‌تر در برنامه نظام سازی پهلوی آغاز شده بود و انتظار می‌رفت انقلاب اسلامی تدبیری برای آن بکند.

شهید جمهور مرحوم دکتر ابراهیم رئیسی در زمانه‌ای عنان قوه مجریه را در دست گرفت که دولت‌های پیشین ذیل گفتمان‌های گوناگون لیبرال و نهادی متفاوت علیرغم برنامه‌های توسعه و سیاست‌های ابلاغی، کمابیش انحرافات از بعضی از آرمان‌های انقلاب اسلامی را رقم زده‌اند. اقدامات شهید رئیسی در پیگیری جهادی حل مسائل مردم را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ انقلاب اسلامی نامید. نقطه‌ای که جریان ناب انقلاب اسلامی که تحقق آرمان‌های حضرت امام خمینی (ره) را پی‌جویی می‌کند به مسند قدرت می‌نشیند و کارآمدی صدور انقلاب اسلامی، مدیریت جهادی و اخلاقی را به رخ می‌کشانند.

درواقع می‌توان گفت شهید رئیسی در طول کمتر از سه سال حکمرانی تلاش کرد ریل‌های خدمت را به تنظیمات کارخانه انقلاب اسلامی برگرداند و علیرغم نفرت پراکنی‌های رایج در رسانه‌های معاند و فضای مجازی توسط دشمنان و حتی دوست‌نماها، این مهم توسط مردم ادراک شد. حضور اقشار گوناگون مردم در مراسم تشییع شهدای خدمت در شهرهای مختلف نشان از وقوف و قدرشناسی مردم دارد. مردم علیرغم آنکه هنوز اقدامات دولت خدمتگزار به تغییر قابل توجهی در سفره‌شان نیانجامیده است ولی نیک فهمیدند که وی برای خدمت به مردم از جان‌مایه گذاشت و نه با نگاهی منفعلانه، بلکه با رویکردی جهادی مشتاقانه حل مسائل مردم را دنبال می‌کرد. مردمی که در مراسم تشییع شرکت کرده بودند این احساس را داشتند که رئیسی و همراهانش اسیر جوسازی‌های صورت گرفته برای عدول از آرمان‌های انقلاب اسلام نشده‌اند و همانند رجائی و باهنر خالصانه برای آباد کردن ایران تلاش کردند.

می‌توان گفت که جهت‌گیری اصلی حکمرانی دولت شهید رئیسی، تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی در عرصه مدیریت اجرایی کشور بود. از یک‌سو در جهت تحقق اجرایی آرمان صدور انقلاب اسلامی به‌جای اینکه صرفاً با کشورهای غربی ارتباط برقرار کند ارتباط با سایر کشورهای منطقه را در دستور کار خود قرارداد و ایران را به عضویت چند

شهید جمهور احیاکننده آرمان‌های انقلاب اسلامی و ...؛ علی انتظاری ۲۷

گروه و کنوانسیون مهم منطقه در آورد. سبک مدیریت شهید جمهور نشان داد که بقای کشور در گروی ارتباط با چند سلطه‌جوی غربی نیست. قوت گرفتن نهضت‌ها و گروه‌های مقاومت در منطقه محصول این تغییر رویکرد به شمار می‌رود. همراهی شهید حسین امیر عبداللہیان در این جهت حائز اهمیت است. وزیر خارجه شهید ما از همه توان خود برای ارتقای عزت ایران و صدور گفتمان انقلاب اسلامی و تقویت جبهه مقاومت در منطقه بهره گرفت و حاضر نشد برای دستیابی به موفقیت‌های کاذب چشم‌نواز از عزت ایران عزیز بگذرد.

نکته مهمی که وجود دارد این است که کشور ایران در شرایط عادی قرار ندارد که رئیس‌جمهور از مرکز همه فعالیت‌ها را طبق برنامه راهبری کند. ما در کشوری زیست می‌کنیم که مدیر باید از زیردستان خود نسبت به جزئیات کار مسلط‌تر باشد و گرنه به راحتی مدیر را دور می‌زنند و تحقق اهداف و برنامه‌ها را با ارائه آمارهای صوری عملاً با شکست مواجه می‌سازند. شهید جمهور این مهم را به نیکی دریافته بود به جای اتکا بر مسند ریاست، کنترل از راه دور و پیروی از سبک مدیریت اشرافی، همه توان خود و دولت همراه را بر پیگیری مجدانه حل مسائل مردم متمرکز کرد. برای مثال احیای کارخانه‌هایی که در دولت‌های قبلی به زوال رفته بودند جز از طریق چنین کار جهادی و مجدانه ممکن نبود.

اساساً الگوی مدیریت جهادی در مقابل الگوی مدیریت بوروکراتیک قرار دارد. به نظر می‌رسد الگو مدیریت جهادی نه تنها با شرایط کشور به خصوص در وضعیتی که مصدوم تحریم‌ها و خیانت نفوذی‌های غربی‌هاست، تناسب بیشتری دارد، بلکه الگوی مدیریت جهادی بیش از الگوی مدیریت بوروکراتیک با عقلانیت اسلامی ایرانی تناسب دارد. به عبارتی می‌توان گفت الگوی مدیریت جهادی پیش‌تاز عقلانیت جدیدی است که کاربرد آن در سازمان اجتماعی نوع جدیدی از مدیریت را رقم خواهد زد. موضوعی که باید در دستور کار دانشگاه‌های ما برای حل مسائل بوروکراسی قرار گیرد.

با عنایت به مباحث فوق می‌توان گفت که شهید رئیسی عزیز و همراهانش در طول

سه سالی که سکان‌دار قوه مجریه بودند، خالصانه تلاش کردند بدون بهره‌برداری از هرگونه رانتی مجدانه رؤیای انقلاب اسلامی را زنده کنند و بر این تصور که گفتمان انقلاب اسلامی در عصر کنونی کاربردی ندارد خط بطلان بکشند. این امر به نوبه خود نه تنها مشروعیت بیشتری برای دولت شهید رئیسی بلکه برای نظام اسلامی فراهم ساخت و آغازی شد بر فرایند احیای بسیاری از سرمایه‌های اجتماعی ازدست‌رفته ناشی از انحرافات پیشین و فضاسازی‌های دشمنان. مشاهده کردیم که چگونه مردمی که قرار بود بر اساس محاسبات دشمن به سبب ناآرامی‌های پائیز ۱۴۰۱ در مقابل نظام اسلامی قرار گیرند در مراسم تشییع پیکرهای مطهر شهدای خدمت، آن‌هم در شرایط اقتصادی نه‌چندان مطلوب حضور یافتند و با حضور خود اعلام کردند که قدرت الهی بالاترین قدرت‌هاست. تغییرات رخ داده در سرمایه‌های اجتماعی نظام را به خوبی می‌توان در مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۳ مشاهده کرد. علیرغم آنکه دشمنان خارجی از طریق جنگ ترکیبی و مدیریت شناختی و دوست‌نماهای داخلی از طریق رانت‌خواری و اتخاذ روش‌های غیرمردمی اهتمام گسترده‌ای در جهت دور کردن مردم از پشتیبانی نظام اسلامی داشتند، در سایه توجهات حضرت ولی عصر (عج)، شهید جمهور و همراهانشان کاری کردند که نه تنها در عرصه ملی روند احیای سرمایه‌های اجتماعی ملی آغاز شد بلکه سرمایه‌های اجتماعی جدید در ساحت فراملی شکوفا شده است که تاریخ دیگری را برای مردم ایران و جهان رقم خواهد زد.

سیاست خارجی انقلابی شهید جمهور

مجید عباسی

دانشیار گروه روابط بین الملل، دانشگاه علامه طباطبائی؛

abbasi@atu.ac.ir

هدف اصلی این یادداشت این است که مهم ترین ویژگی ها و امتیازات دولت شهید رئیسی در حوزه سیاست خارجی مرور شود. زمانی که ایشان زمام دولت و به خصوص دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران را تحویل گرفتند نیاز بود که ریل گذاری جدیدی در سیاست خارجی انجام شود و تغییراتی در آن صورت گیرد. ما قصد داریم، در این نوشته مختصر برخی از تغییرات صورت گرفته در حوزه سیاست خارجی و گرایش آن به اصول و مبانی انقلاب را شرح دهیم.

۱. در سیاست خارجی شهید رئیسی ارتباط بسیار خوبی بین دیپلماسی و میدان برقرار شد. این هماهنگی در دولت قبل از شهید رئیسی مشاهده نمی شود. بازگشت اقتدار، عزت و منزلت به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران یکی از ویژگی های مهم سیاست خارجی انقلابی دولت سیزدهم است. ما در سیاست خارجی سه اصل عزت، حکمت و مصلحت را داریم. در دولت شهید رئیسی این سه اصل به بهترین وجه ممکن در سیاست خارجی ایران اجرایی شدند.

۲. عضویت ایران در سازمان های مهم بین المللی از جمله سازمان همکاری شانگهای و گروه بریکس در این دوران اتفاق افتاد. دو سازمانی که در صحنه بین المللی می توانند در آینده برای جمهوری اسلامی ایران بسیار مفید و تأثیرگذار باشند.

۳. عادی‌سازی روابط با کشورهای مهم اسلامی از جمله با عربستان سعودی یکی دیگر از دستاوردهای مهم سیاست خارجی دولت شهید رئیسی است. عربستان سعودی یکی از قدرت‌های مهم منطقه محسوب می‌شود و طبیعتاً روابط نامناسب ما با عربستان می‌توانست برای منطقه ضررهای زیادی داشته باشد. عادی‌سازی روابط با مصر نیز در دستور کار و در حال انجام بود. نشانه آن نیز، حضور وزیر خارجه این کشور در مراسم تشییع‌جنازه شهدای خدمت بود.

۴. توجه و توسعه سیاست همسایگی از جمله اقدامات بسیار مهم دیگری بود که در دوره شهید رئیسی انجام گرفت. چراکه ما در دولت اعتدال از همسایگان غفلت کرده بودیم. چون دولت وقت معتقد بود که اگر با آمریکا و غرب رابطه خوبی داشته باشد همسایگان نیز همراهی خواهند کرد.

۵. خروج کشور از بن‌بست برجام در دولت شهید رئیسی انجام شد؛ زیرا همه چیز در دولت اعتدال به برجام گره خورده بود. در حالی که در دولت جدید هم فروش نفت انجام گرفت هم جذب سرمایه‌گذاری خارجی انجام شد و هم واکسن ضد کرونا وارد و تولید شد و کشور از بحران کرونا خارج گردید.

۶. از جمله ویژگی‌های مهم سیاست خارجی دولت شهید رئیسی، اتخاذ سیاست خارجی متوازن به معنای توجه هم‌زمان به شرق و غرب یا به عبارتی توجه هم‌زمان به اروپا، آمریکا و آسیا بود و ما دیگر تمام منافع خود را در گرو برجام و ارتباط با آمریکا و غرب تعریف نکردیم. بلکه تلاش کردیم از تمام ظرفیت‌های بین‌المللی برای تأمین منافع ملی بهره بگیریم.

۷. همبستگی با موضوع فلسطین بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفت. تأکید بر این نکته که مقاومت و حق تعیین سرنوشت از حقوق ملت فلسطین است و می‌بایست هم به لحاظ انسانی، هم اسلامی و هم قانونی از آرمان‌های ملت فلسطین و محور مقاومت حمایت کرد.

۸. گفتگو و تعامل با همه کشورها با توجه به منافع و مصالح کشور (به‌غیر از رژیم صهیونیستی) در دستور کار سیاست خارجی بود. سفرهایی که رئیس‌جمهور محترم به

کشورهای مختلف داشتند، سخنرانی‌هایی که در سازمان‌های بین‌المللی و از جمله در سازمان ملل متحد انجام دادند این مسئله را تأیید می‌کند.

۹. توجه به ظرفیت‌های سیاست خارجی در حل مشکلات اقتصادی در این دوران مورد توجه ویژه قرار گرفت و یکی از دستور کارهای مهم سفارتخانه‌های ایران در خارج از کشور بر توسعه و گسترش روابط اقتصادی و تجاری با کشور میزبان قرار داده شد.

۱۰. سیاست خارجی انقلابی ضمن اینکه کشور را از بن‌بست برجام رها کرد، فرصت‌های جدیدی را برای ایران اسلامی در حوزه‌های مختلف برقرار نمود و نشان داد که جامعه بین‌المللی فقط کشورهای اروپایی و غربی نیستند. بلکه جامعه بین‌المللی جامعه‌ای است که همه بیش از ۲۰۰ کشور دنیا را شامل می‌شود.

تبلور مراتب «ولایت» در شخصیت رئیس‌جمهور شهید سید ابراهیم رئیسی

محسن حبیبی

دانشیار گروه فلسفه، دانشگاه علامه طباطبائی؛

ولایت اصطلاحی است قرآنی که در آن به دفعات و در اشکال مختلف مورد استفاده قرار گرفته است. «ولی» از اسماء خداوند باری تعالی است: «فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ» (۴۲ شوری) و خداوند «ولی» افراد مؤمن است «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا» (۲۵۵ بقره) و همه مؤمنان به مراتب مختلف نسبت به یکدیگر از این ولایت برخوردارند «بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» (۷۱ توبه). ولایت در آیات و روایات در معانی مختلفی بکار رفته است اما از نظر واژگانی ریشه «ولی» در کتاب‌های لغت به معنای قرب است (وَلِيٌّ أَيْ قَرِيبٌ) به همین دلیل اصل ولایت در نزدیک بودن و نزدیک شدن است. انبیاء و اولیاء الهی که از ولایت برخوردار است یعنی هم از بیشترین قرب به حضرت حق برخوردار است، هم به این معنا که خلیفه اسم ولی هستند، هم اینکه افرادی که در تحت این ولایت قرار دارند سعی دارند تا حد ممکن به ولی نزدیک شوند تا از ولایت الهی بیشتری برخوردار شوند.

در حرکت عظیم مردم ایران ذیل انقلاب اسلامی با جلوات مختلف این اسم الهی مواجهه پیدا کرده‌ایم. اولین مرتبه از جلوه‌های این مفهوم را در حقیقت «انسان انقلابی» مشاهده می‌کنیم. آن قدر این حرکت مردم ایران از عمق و عظمت برخوردار است که امام خمینی (ره) در بخشی از وصیت‌نامه سیاسی - الهی خود مردم ولایت مدار و شریف ایران را این گونه ستوده است: «من با جرأت مدعی هستم که ملت ایران و توده میلیونی آن در عصر حاضر بهتر از ملت حجاز در عهد رسول الله - صلی الله علیه و آله - و کوفه و عراق

در عهد امیرالمؤمنین و حسین بن علی - صلوات الله و سلامه علیهم - می‌باشند. آن حجاز که در عهد رسول الله - صلی الله علیه و آله - مسلمانان نیز اطاعت از ایشان نمی‌کردند و با بهانه‌هایی به جبهه نمی‌رفتند که خداوند تعالی در سوره «توبه» با آیاتی آن‌ها را توبیخ فرموده و وعده عذاب داده است؛ و آن قدر به ایشان دروغ بستند که به حسب نقل، در منبر به آنان نفرین فرمودند؛ و آن اهل عراق و کوفه که با امیرالمؤمنین آن قدر بدرفتاری کردند و از اطاعتش سرباز زدند که شکایات آن حضرت از آنان در کتب نقل و تاریخ معروف است؛ و آن مسلمانان عراق و کوفه که با سیدالشهدا - علیه السلام - آن شد که شد؛ و آنان که در شهادت دست آلوده نکردند، یا گریختند از معرکه و یا نشستند تا آن جنایت تاریخ واقع شد؛ اما امروز می‌بینیم که ملت ایران از قوای مسلح نظامی و انتظامی و سپاه و بسیج تا قوای مردمی از عشایر و داوطلبان و از قوای در جبهه‌ها و مردم پشت جبهه‌ها، با کمال شوق و اشتیاق چه فدکاری‌ها می‌کنند و چه حماسه‌ها می‌آفرینند؛ و می‌بینیم که مردم محترم سراسر کشور چه کمک‌های ارزنده می‌کنند.

و می‌بینیم که بازماندگان شهدا و آسیب دیدگان جنگ و متعلقان آنان با چهره‌های حماسه آفرین و گفتار و کرداری مشتاقانه و اطمینان‌بخش با ما و شما روبه‌رو می‌شوند؛ و این‌ها همه از عشق و علاقه و ایمان سرشار آنان است به خداوند متعال و اسلام و حیات جاویدان. در صورتی که نه در محضر مبارک رسول اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - هستند و نه در محضر امام معصوم - صلوات الله علیه؛ و انگیزه آنان ایمان و اطمینان به غیب است؛ و این رمز موفقیت و پیروزی در ابعاد مختلف است؛ و اسلام باید افتخار کند که چنین فرزندان تربیت نموده و ما همه مفتخریم که در چنین عصری و در پیشگاه چنین ملتی می‌باشیم» (صحیفه امام خمینی - جلد ۲۱ - صفحه ۴۱۰).

به‌راستی بزرگی مردم ایران در عصر حاضر جلوه‌ای مهم از تجلی اسم ولی الهی در کالبد امتی است که سرپرستی طاغوت را پس زد و در تحت ولایت الله قرار گرفت و مفهوم «حرکت» به سوی خدا (فی سبیل الله)، سلوک در جهت جامعه الهی و یا قرار گرفتن در راه تحقق عینی الهیات اجتماعی را متبلور ساختند. «حرکت الی الله» در واقع جلوه

کششی است که ولی در متولی علیه ایجاد می کند و متولی علیه با نزدیک شدن و ارتباط باطنی از طریق کلام و قرب مکانی و صفاتی سعی می نماید به ابراز ارادت و عشق به شخص ولی بپردازد. در انقلاب اسلامی ایران شاهد والاترین جلوه های این حرکت الهی هستیم. مردم ایران در تاریخ انقلاب اسلامی با هر رنگ و زبان، با هر آداب و رسوم و از هر قشر و گرایش و از همه نقاط دور و نزدیک برای ادای وظیفه نیست به ولی الهی سعی کردند خود را به ارزش های کربلای معاصر برسانند و سیل بی انتهای جمعیت امت آخرالزمان شوند. مردمی که چنین عزمی نشان می دهند و با استقامت در برابر سخت ترین شرایط و نامایمات ولایت را تنها نگذارند، خود به نوعی به تجلی اسم ولی تبدیل شده و شایسته تقدیر مردی روشن ضمیر و واصل به حق قرار می گیرند. حال هر آن کس که در خیلی این مردمان باشد نیز در این مرتبه از مراتب مسیر ولایت قرار گرفتن و ستودنی می شود و تا مادام که در ولایت ثابت قدم باشد، مشمول همه ویژگی های اسم «ولی» در این مرتبه است. سید ابراهیم رئیسی از جمله افرادی بود که تا آخرین لحظه عمر خویش خود را جزء امت ایران اسلامی می دانست و با تمام وجود به این مسیر افتخار می کرد و از این رو مشمول همه افتخاراتی است که در وصیت نامه الهی امام خمینی (ره) ذکر شده است. اما مرتبه دیگر از ولایت قابل تصور است و آن خدمتگزاری به چنین مردمی است. در روایات معتبر اندر احوالات حضرت سیدالسادین امام زین العابدین علیه السلام مذکور است:

قافله ای از مسلمانان که آهنگ مکّه داشت، همین که به مدینه رسید چند روزی توقف و استراحت کرد و بعد، از مدینه به مقصد مکّه به راه افتاد. در بین راه مکّه و مدینه، در یکی از منازل، اهل قافله با مردی مصادف شدند که با آنها آشنا بود. آن مرد در ضمن صحبت با آنها متوجه شخصی در میان آنها شد که سیمای صالحین داشت و با چابکی و نشاط مشغول خدمت و رسیدگی به کارها و حوائج اهل قافله بود. در لحظه ی اول او را شناخت. با کمال تعجب از اهل قافله پرسید: این شخصی را که مشغول خدمت و انجام کارهای شماست می شناسید.

- نه، او را نمی‌شناسیم. این مرد در مدینه به قافله‌ی ما ملحق شد. مردی صالح و متقی و پرهیزگار است. ما از او تقاضا نکرده‌ایم که برای ما کاری انجام دهد، ولی او خودش مایل است که در کارهای دیگران شرکت کند و به آن‌ها کمک بدهد.
- معلوم است که نمی‌شناسید، اگر می‌شناختید این‌طور گستاخ نبودید، هرگز حاضر نمی‌شدید مانند یک خادم به کارهای شما رسیدگی کند.

- مگر این شخص کیست؟

- این، علی بن الحسین زین العابدین است.

جمعیت، آشفته بپا خاستند و خواستند برای معذرت دست و پای امام را بیوسند. آنگاه به عنوان گله گفتند: «این چه کاری بود که شما با ما کردید؟! ممکن بود خدای ناخواسته ما جسارتی نسبت به شما بکنیم و مرتکب گناهی بزرگ بشویم.» امام: «من عمداً شما را که مرا نمی‌شناختید برای هم‌سفری انتخاب کردم، زیرا گاهی با کسانی که مرا می‌شناسند مسافرت می‌کنم، آن‌ها به خاطر رسول خدا زیاد به من عظوفت و مهربانی می‌کنند، نمی‌گذارند که من عهده‌دار کار و خدمتی بشوم، از این‌رو مایل‌م هم‌سفرانی انتخاب کنم که مرا نمی‌شناسند و از معرفی خودم هم خودداری می‌کنم تا بتوانم به سعادت خدمت رفقا نائل شوم» (بحارالانوار، جلد ۱۱، چاپ کمپانی ص ۲۱).

این روایت حاکی از مرتبه‌ای بالاتر از ولایت نسبت به سالک الی الله است و آن مرتبه «خادم» است. خدمت به خلق خدا، در فرهنگ قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام، ارزش فراوانی دارد. در قرآن کریم آمده است؛ «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» خداوند متعال کسانی را که کار خیر و نیک انجام می‌دهند، دوست می‌دارد و چقدر خوب است که انسان محبوب خدا باشد. پس با خدمت و کمک به همدیگر می‌توان به رضایت الهی رسید.

در اسلام برای عباداتی همچون طواف اثرات فراوانی در نظر گرفته شده، مثل اینکه یک طواف خانه خدا معادل هزاران اجر و موجب غفران هزاران گناه و

برآورده شدن هزاران حاجت است. این در حالی است که امام صادق علیه‌السلام پس از بیان این ثواب‌ها می‌فرماید: «فَصَاءُ حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ أَفْضَلُ مِنْ طَوَافٍ وَ طَوَافٍ حَتَّى عَدَّ عَشْرًا؛ گره‌گشایی از کار یک مؤمن، ۱۰ برابر این طواف فضیلت دارد!» (الکافی، ج ۲، ص ۱۹۴). مرتبه دوم از ولایت که در انقلاب بی‌نظیر ایران اسلامی متجلی شده و می‌شود در قالب حقیقت مفهومی متعالی به نام «خادم» است. جمعی به گونه‌های مختلف سعی می‌کنند به بهترین شکل و در قالب‌های مختلف شرایط مناسبی را برای خیل عظیم مردم انقلابی و البته محروم فراهم آورند. ایرانیان باغیرت به صورت سنتی خدمت به خلق الهی را برای خود افتخاری بزرگ می‌دانند و در مقاطع مختلف پس انقلاب ایران را به بزرگ‌ترین مرکز برای خدمت بی‌منت و درواقع به نمایشگاهی از ایثار و از خودگذشتگی در اواخر قرن ۲۰ و اوائل قرن ۲۱ میلادی تبدیل نمایند. از همان ابتدای انقلاب مردم در قالب گروه‌های جهادی به سوی مردم محروم و روستاها شتافتند و در هر قالبی سعی نمودند تا جلوه خدمت به مردم مؤمن را پیشه خود سازند. در هر برهه که انقلاب اسلامی مردم ایران با دسیسه دشمنان داخلی و خارجی با مشکلات مختلف و پیچیده مواجه شده‌اند، بوده‌اند ایثارگرانی که برای مرتفع شده سد راه مردم ولایت مدار مفهوم خدمت را در خود متبلور ساخته‌اند تا حرکت فی سبیل الله پیش گفته آنی متوقف نشود و از این رو این مفهوم یعنی خدمت مرتبه دوم از حقیقت ولایت الهی است و مفهوم سالک شدیداً و امداً آن است؛ زیرا اگر این خدمتگزاری خستگی‌ناپذیر نبود، امکان تجلی اول پیش‌گفته برای انسان ولایی امکان تحقق نداشت. سید ابراهیم رئیسی خود را خادم می‌دانست، چه زمانی که در سمت تولیت آستان قدس رضوی قرار داشت خود را خادم الرضا علیه‌السلام دانست و چه زمانی که کسوت ریاست جمهوری ایران بود، بارها بارها خود را خادم ملت ایران می‌دانست. شاید یکی از پرتکرارترین مفاهیم وی همین واژه خدمت و خادم است و نه تنها این مفهوم را استفاده می‌کرد، بلکه به ای حقیقت به خوبی آراسته بود. در طول سه سال ریاست جمهوری خود لحظه‌ای آرام تخلفات و مفهوم «خستگی‌ناپذیری» را به عینه متجلی

ساخت و به اقرار حتی بسیاری از مخالفان مصداقی بارز از خدمت به مردم بود. از این رو وی در مرتبه دوم تجلی ولایت نیز رسیده بود و می‌توان وی را از الگوهای مهم عصر حاضر در این مرتبه دانست.

اما مرتبه سوم در تجلی ولایت نیز در ایران اسلامی متحقق شد. در همین سال‌های پس از انقلاب اسلامی ایران مرتبه سومی هم برای تبلور ولایت در ایران به وجود آمده است و آن مفهوم «فدایی» است. در طول تاریخ اهل ولایت طاغوت همواره موانع بسیاری برای حرکت امت اسلامی به سوی تجلی اسماء الله در قالب الهیات اجتماعی به وجود آورده‌اند. در اواخر قرن بیستم و اوئل قرن بیست و یکم آمریکا یا همان شیطان بزرگ با همه ایادی داخلی و خارجی خود سعی نموده تا مانع بزرگی برای به وجود آمدن حرکت جهانی بیداری فراهم آورد و از این رو با تمام توان بزرگ‌ترین جنگ، گسترده‌ترین تحریم‌ها و پیچیده‌ترین جنگ اقتصادی و شناختی را برای مردم ایران به وجود آورده است. با تسلیح و حمایت صدام جنگی عظیم و خانمان‌سوز به ایران تحمیل نمود و در قالب حمایت از انواع گروه‌های تروریستی ده‌ها هزار نفر از مردم ایران را به شهادت رساند و با هر ابزاری سعی نموده تا مردم ایران را از ادامه راه الهی خود منصرف سازد؛ اما این بار نیز جریانی قوی به نام «فدایی» همه دسیسه‌ها را ناکام گذاشته و مردمانی ارزشمند به وجود آورده که در مرتبه سوم ولایت قرار گرفته‌اند.

فدائیان با خون‌های بسیاری در قالب حقیقت «فدایی» توانسته‌اند راه عظیم حرکت به سوی تحقق الهیات اجتماعی اسلامی یا همان ولایت اجتماعی مردم حق‌طلب را باز نگهدارند. فرد «فدایی» ولایت ادامه راه شهدا و جان‌برکفان صحرای کربلاست که برای حفاظت از پدیده بی‌نظیر انقلاب اسلامی ایران را خلق کردند. این جلوه از ولایت الهی بر دو مرتبه پیش برتری دارد؛ زیرا اگر نبودند فداییان عتبات و حرم‌های مقدس عراق و سوریه خلق مفاهیم «سالک» و «خادم» در این سال‌ها امکان‌پذیر نبود. سید ابراهیم رئیسی با طی همه مسیر دوم ولایت یعنی خدمت، به مرتبه سوم یعنی فدایی نیز نائل شد و در ۲۹ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۳ خورشیدی با فدا نمودن خود خون تازه‌ای شد در

تبلور مراتب «ولایت» در شخصیت رئیس جمهور شهید...؛ محسن حبیبی ۳۹

رگ‌های مردم ولایت مدار ایران تا بار دیگر تمام دسیسه‌های دشمنان را ناکام گذارد. سید ابراهیم رئیسی در گام آخر شهید شد تا مزد خدمت همه‌جانبه و بی‌مزد و منت خود را با نیل به مرتبه فنا یعنی رسیدن به افتخار «فدایی» شده بگیرد. ولایت در شخصیت رئیسی در سه مفهوم سالک، خادم و فدایی به مراتب مختلف جلوه گر شده و توانسته جاذبه‌های بی‌نظیری از دینداری واقعی را در دوران معاصر به وجود آورد.

شهید خدمت و عشق به مردم

قادر پرین

دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه علامه طباطبائی؛

pariz@atu.ac.ir

« مِنْ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا » (آیه ۲۳ سوره احزاب)

انسان‌های بزرگ و خدامحور پیوسته در اندیشه دیگران هستند و دل در گرو خدمت به مردم می‌نهند. از جمله این بزرگان که شهید خدمت هم نام گرفته است شهید رئیسی، رئیس‌جمهور فقید ایران اسلامی است که هم خویش را به این صفت آراسته و هم دیگران را با قول و فعل خود به این خیر بزرگ فراخوانده است. شهید خدمت علاوه بر سیر و سلوک معنوی که در اخلاق و رفتار او متجلی بود و رنگی از قدرت‌طلبی و تکبر در آن رخ نمی‌نمود برای خدمت به مردم، شبانه‌روز در حرکت و تلاش بود تا جایی که همراهانش بر جان او بی‌مناک شدند و او را به اندکی استراحت توصیه نمودند. سفر معنوی او سفر خدمت او را رنگ و بویی خدایی بخشید و خداوند متعال هم ثواب و اجر این خدمت را شهادت در راه خدمت مقدر فرمود و چه خوب سروده است مولوی که:

خدمت بی دوستی را قدر و قیمت هست، نیست

خدمت اندر دست هست و دوستی در دست نیست

دوستی در اندرون خود خدمتی پیوسته است

هیچ خدمت جز محبت در جهان پیوست نیست

او خدمت را با محبت و دوستی به خلق پیوند داد و با جسم خاکی و روحی بلند در راه این دوستی و محبت، بال گشود و به محبوب خود پیوست.

او در طول خدمت خود به سنگ‌ریزه‌هایی که از پشت سرش توسط دشمنان درونی و دوستان ظاهری مردم ایران پرتاب می‌شد تا اگر شده یک لحظه او را از خدمت به عیال الله بازدارد توجه نکرد و راست قامت و استوار رو به قله‌هایی گام برداشت که مردم ایران را سرشار از امید به آینده کرد و با یاد خدا، از زر و زور و تزویر خناسان عبور کرد و قله‌ها را فتح نمود تا به بزرگ‌ترین قله‌اش که شهادت در راه خدا بود نائل آمد.

بی‌شک، همان‌طور که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه و آله فرمودند، رابطه تنگاتنگی بین خدمت به مردم و محبوبیت نزد خداوند وجود دارد:

مردم، عیال و خانواده خدا هستند و محبوب‌ترین انسان‌ها نزد خدا، کسانی هستند که به خانواده خدا سود برسانند.

و نیز فرمود: به‌درستی که برای خداوند، بندگانی است که آن‌ها را برای برآوردن حوائج مردم برگزید که مردم برای رفع حوائج خویش، به آن‌ها پناه می‌برند، این بندگان فریادرس، از عذاب خداوند در امان خواهند بود.

اندیشمندی گفته است: از آغازی که در آرامش سرمدی، هستی می‌پذیرد تا پایانی که به جاودانگی می‌پیوندد، هیچ ندیدم که تلخی زندگی را در کام شیرین کند، مگر عشق‌ورزی به انسان‌ها و دیدن خنده و شادی آن‌ها.

خرم آن کس که در این محنت‌گاه خاطری را سبب تسکین است

او با تمام وجود خود برای شاد کردن دل کارگران و پرستاران، کارکنان و تولیدکنندگان و زدودن ناامیدی و کاشتن نهال امید در دل آحاد مردم کوشید و کارنامه درخشانی از خود به‌جا گذاشت که می‌تواند الگویی برای خدمت به بشر در کسوت یک رئیس‌جمهور باشد. شواهد و مستندات در این باب قابل‌ارائه است که مقدار متن و کلمات مجاز در این مرقومه توان بیان آن ندارد و آن را که عیان است چه حاجت به ذکر مستندات است.

او در دورانی که رشد روزافزون صنعت و تکنولوژی که ضمن همراه داشتن آسایش

مادی، آفت‌های مهمی نیز ایجاد کرده است که یکی از مهم‌ترین و خطرناک‌ترین آن به فراموشی سپردن «حس خدمت به خلق» است، کمر همت بست و صنعت و تکنولوژی به خواب‌رفته در دوران پیش را سامان داد و در راه خدمت به مردم به کار بست و آفت ناامیدی و افسردگی ناشی از میرایی حس و عاطفه خدمت به خلق را به امید و نشاط مبدل کرد.

این غزل مولوی را در انتهای این دلنوشته مناسب حال دیدم:

دو چشم اگر بگشادی به آفتاب وصال	بر آبه چرخ حقایق دگر مگوز خیال
ستاره‌ها بنگر از ورای ظلمت و نور	چو ذره رقص کنان در شعاع نور جلال
اگرچه ذره در آن آفتاب در نرسد	ولی ز تاب شعاعش شوند نور خصال
هر آن دلی که به خدمت خمید چون ابرو	گشاد از نظرش صد هزار چشم کمال
جراحی همه را از نمک بود فریاد	مرا فراق نمک‌هاش شد وبال وبال
چو ملک گشت وصال ز شمس تبریزی	نماند حیل‌ه حال و نه التفات به قال

روحش شاد و یادش گرامی

و آخر دعوانا؛ أن الحمد لله رب العالمین

دیپلمات مجاهد شهید در عرصه خدمت

عباسعلی رهبر

استاد تمام گروه علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی؛

aa.rahbar@atu.ac.ir

«وزیر خارجه پر کار، فعال، با ابتکار، مذاکره کننده قوی و باهوش و همچنین پایبند به مبانی و اصول» (توصیف رهبر معظم انقلاب از شهید امیر عبداللہیان).

امیر عبداللہیان در سال ۱۳۷۱ وارد وزارت امور خارجه شد. وی ابتدا به عنوان کارشناس سیاسی اداره اول خلیج فارس مشغول به کار شد. بعد از پنج سال وی اولین مأموریت بین المللی خود را دریافت کرد و در سال ۷۶ به عنوان معاون سفیر ایران در بغداد مشغول به کار شد.

او سال ۱۳۸۰ به تهران بازگشت و مسئولیت اداره یکم خلیج فارس را بر عهده گرفت و معاون اداره سیاسی خلیج فارس وزیر امور خارجه ایران شد. با توجه به سابقه کاری وی در عراق، سال ۸۲ به پست دستیاری ویژه وزیر امور خارجه وقت در امور عراق درآمد. این شهید دیپلمات سال ۸۶ بالاترین پست خود را در وزارت خارجه آن زمان دریافت کرد و سفیر ایران در بحرین شد. سپس در سال ۸۹ نیز به عنوان مدیر کل حوزه خلیج فارس وزارت امور خارجه برگزیده شد که پست حساسی نیز محسوب می شود.

شهید امیر عبداللہیان در سال ۱۳۹۰ توانست معاونت عربی و آفریقایی وزارت امور خارجه را در دست بگیرد، ولی در سال ۹۵ قدری از وزارت خارجه فاصله گرفت و دستیار ویژه رئیس مجلس وقت شد. همچنین هم زمان مدیر کلی امور بین الملل مجلس شورای

اسلامی را نیز بر عهده داشت. با روی کار آمدن دولت سیزدهم او در سال ۱۴۰۰ توسط شهید آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی به‌عنوان وزیر امور خارجه انتخاب شد. شهید امیر عبداللہیان در کاری که انجام می‌داد افق و چارچوبی داشت. به همین جهت هم دکتر امیر عبداللہیان هیچ‌گاه به حاشیه‌ها توجه نکرد و مستقیم به سمت تحقق اهداف حرکت کرد.

اعتماد شهید سلیمانی نسبت به شهید امیر عبداللہیان

زمانی که بنده وزیر خارجه بودم قرار بود ایران و آمریکا در عراق به‌صورت غیرمستقیم درباره یک موضوع بسیار مهم و راهبردی مذاکره کنند؛ ما از شهید حاج قاسم سلیمانی مشورت خواستیم که ایشان، شهید امیر عبداللہیان را پیشنهاد داد و آقای امیر عبداللہیان برای مذاکره با آمریکایی‌ها به‌عنوان رئیس هیئت ایرانی عازم عراق شد؛ بعد از مذاکرات مشخص شد که شهید امیر عبداللہیان به‌طور کامل از حقوق و منافع مردم و کشور دفاع کرده و درباره حضور نظامی آمریکا در منطقه به آن‌ها هشدارهای لازم را داده است. (به نقل از منوچهر متکی)

«فارن پالیسی» سپتامبر ۲۰۲۱ (شهریور ۱۴۰۰) گزارشی درباره «شهید حسین امیر عبداللہیان» منتشر کرد و این وزیر شهید را از حامیان سرسخت محور مقاومت دانست و نوشت: «امیر عبداللہیان، قاسم سلیمانی در عرصه دیپلماسی است.»
شهید امیر عبداللہیان به‌حق پیونددهنده دیپلماسی با میدان و همچنین پیونددهنده اخلاق با سیاست بود که در ادامه به آن‌ها خواهیم پرداخت.

پیوند دیپلماسی و میدان

جنگ غزه باوجود خسارات مادی و انسانی و دردهایی که به فلسطینی‌ها تحمیل کرد، اما منجر به اثبات یک واقعیت شد درحالی‌که اخیراً در سایه مواضع رژیم‌های خاص و تشکیلات خودگردان فلسطین امیدها برای احیای مسئله فلسطین از بین رفته بود- واقعیت‌های این جنگ نشان داد که همه فلسطینیان آماده هر فداکاری برای دفاع از آرمان

شهید خدمت و سبک زندگی سیاسی دیپلمات شهید دردپلماسی مقاومت؛ عباسعلی رهبر ۴۷

و سرزمینشان هستند و یک صدا پرچم‌های مقاومت را بالا بردند و از طرفی باعث انزوای اسرائیل از همسایگان خود شدند. فشار افکار عمومی علیه رژیم اشغالگر صهیونیستی، اعتراف جهانی به نقض وقیحانه هنجارهای بین‌المللی و حقوق بشر دوستانه از سوی فاشیسم صهیونیستی، لطمه غیرقابل‌ترمیم طوفان الاقصی به نظام سیاسی اسرائیل و رسوایی اطلاعاتی و امنیتی رژیم راست‌گرای افراطی اسرائیل همه حکایت از شکست مفتضحانه فاشیسم صهیونیستی و پیروزی قدرت اراده و انتخاب مردم صبور و مظلوم و شجاع فلسطین و آزادگان جهان دارد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی اشعار دارند که «امروز قدرت بازدارندگی رژیم صهیونیستی به پایان رسیده؛ همان چیزی که ده‌ها سال پیش، شاید حدود شصت سال قبل از این، بن‌گوریون - یکی از مؤسسان اصلی رژیم صهیونیستی و نخست‌وزیر این رژیم - هشدار داد. او گفت که هر وقتی قدرت بازدارندگی ما به پایان برسد، رژیم ما مضمحل خواهد شد. قدرت بازدارندگی الآن به پایان رسیده یا نزدیک به پایان است».

امیر عبداللہیان در جلسه رأی اعتماد مجلس در روز ۳۱ مرداد ۱۴۰۰، در ابتدای سخن خود با اشاره به منطق عاشورا و پیام کربلا گفت: «عاشورا به ما آموخت که دیپلماسی و میدان دو بازوی قدرتمند محقق‌کننده منافع ملی و امنیت ملی حداکثری کشور خواهد بود.» او با تأکید بر سخنان رهبری، قدرت میدانی را پشتوانه محکمی برای دیپلماسی می‌دانست و با مکمل دانستن حوزه دیپلماسی و میدان، بر این باور بود که میدان دست دیپلمات‌ها را در میز مذاکره به شدت باز کرد.

به باور او «سردار سلیمانی هیچ‌گاه دیپلماسی و میدان را جدا از هم نمی‌دید. سردار سلیمانی نه تنها هیچ‌گاه از دیپلماسی برای میدان هزینه نکرد بلکه از جیب مردم هم برای میدان هزینه نکرد...» امیر عبداللہیان معتقد بود دیپلماسی همیشه بر «میدان» متکی بوده است و اگر آمریکایی‌ها در یک دهه گذشته در مناسبت‌های مختلف با ایران درباره برنامه هسته‌ای و سایر موضوعات موافقت کردند، به دلیل توانایی‌های ایران در میدان و حوزه نفوذ ایران بود

شهید «حسین امیرعبداللهیان» وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران دستگاه دیپلماسی را هنگام تصدی وزارت امور خارجه در تمامی مأموریت‌های جبهه مقاومت، در راستای تأمین منافع ملی و مصالح جهان اسلام فعال کرد و موجب حذف گفتمان دوگانه‌سازی میان «دیپلماسی» و «میدان» شد. تقویت و ارتقای سطح جبهه مقاومت در یمن، سوریه، عراق و لبنان جزو دستاوردهای شهید امیرعبداللهیان است و امروز فلسطین کلید رمزآلود فتح دنیا و امری جهانی شده است... اقدامات مؤثر و انقلابی وی در طول جنگ غزه و طی بیش از هفت ماه گذشته، نشان داد که مقاومت در رأس دیپلماسی ایران است همیشه روحیه‌ی خودش را به‌عنوان یک عنصری که باید تمام ظرفیت و استعدادهای خودش را مصروف جمهوری اسلامی ایران بکند نگاه داشت. شهید امیرعبداللهیان در طول جنگ غزه به‌تنهایی چند برابر هم‌ه‌ی وزرای خارجه کشورهای اسلامی در خصوص مسئله فلسطین و جنگ غزه مسافرت کرد که پرکاری شهید روحیه و توجه او را به‌خوبی نشان می‌دهد.

شهید امیرعبداللهیان پیوند بین دیپلماسی و میدان را به تصویر کشیدند. ایشان بر اساس باور قلبی، فعالیت خستگی‌ناپذیری در زمینه دفاع از مقاومت و احقاق حقوق فلسطینیان داشتند. او موفق شد آن‌چنان آمیزه‌ای از دیپلماسی و مقاومت در عرصه سیاست خارجی از خود به یادگار بگذارد که دیگر نتوان دوگانه‌سازی‌های دیپلماسی یا مقاومت را واقعیتی گریزناپذیر تصور کرد».

یکی از تحلیل‌گران سیاست خارجی ایران به‌عنوان کسی که به اذعان خود در انتخابات ریاست جمهوری سیزدهم به آقای دکتر ابراهیم رئیسی رأی نداده، اذعان می‌کند وزارت خارجه دولت او در مدتی کوتاه از جمله موفق‌ترین کار کردها را داشته است. به نظر وی مهم‌ترین مؤلفه‌های کارنامه امیرعبداللهیان تلاش در حفظ اقتدار ایران، توازن در سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، هماهنگی با سیستم و استفاده بهینه از ظرفیت‌های موجود بود. او زمانی سکاندار وزارت خارجه شد که ایران هم به لحاظ منطقه‌ای و هم به لحاظ بین‌المللی منزوی بود و با برخی کشورها روابط قطع یا پرتش بود. تلاش‌های

شهید خدمت و سبک زندگی سیاسی دیپلمات شهید دردپلماسی مقاومت؛ عباسعلی رهبر ۴۹

امیرعبداللہیان برای تثبیت صلح و امنیت و ثبات در هماہنگی با متحدین در محور مقاومت قابل توجه است. از روز سوم طوفان الاقصی نخستین سفر منطقه آیش را آغاز کرد. اتناق فرمان مشترک محور مقاومت جهت هماہنگی دیپلماسی مقاومت بہ موازات میدان عمل می کرد. از محورهای اصلی عملیات دفاع از فلسطین و مردم غزه بود. (رک : دیپلماتی اخلاق مدار در چارچوب اقتدار و عزت ایران irdiplomacy.ir).

دکتر خالد القدومی نماینده جنبش حماس در ایران در مورد شهید امیرعبداللہیان می گوید طبعاً مقام وزارت خارجه بخش اساسی از تصمیم سازی سیاسی در جمهوری اسلامی ایران بہ شمار می رود و ماہیت این دیپلمات مقاوم نیز کاملاً در مسیر کمک بہ حق و مستضعفان و اہالی خود در غزه و فلسطین مشخص و ملموس بود. وی سخنان و ابزارهای دیپلماتیک خود را در تقابل با دشمن مشترک امت اسلام یعنی رژیم صہیونیستی قرار دادہ و انسجام عمیقی بین سطوح تصمیم سازی جمهوری اسلامی ایران شامل رہبران ایران و تصمیم سازان و اجراکنندگان این تصمیم ها ایجاد کرد. دیدگاہ های این شهید در سخنرانی ها و نظرات وی بہ ویژه در موضوع فلسطین و طوفان الاقصی کاملاً مشخص بود و او معتقد بود کہ مقاومت منطقه امیدوی برای عزت اسلام و آزادی مسلمانان از چنگال تجاوز صہیونیستی است.

«حسین الدیرانی» نویسنده و پژوهشگر لبنان بہ نقش این شهید دیپلمات در اقدامات جبهہ مقاومت پرداخت و افزود: «او اگر یک دیپلمات نبود، یک مبارز در عرصہ های جنگ نظیر فرمانده شهید قاسم سلیمانی می شد. او دیپلماتی مجاہد بود کہ تمامی محافل فرماندهی جبهہ های مقاومت از لبنان گرفته تا سوریه، عراق، یمن و فلسطین او را می شناختند. شهید امیرعبداللہیان همواره بین کشورہای مختلف اسلامی و بین المللی تردد داشت و هیچ خستگی بہ خود راه نمی داد و تمامی پتانسیل ها را برای توقف جنگ و تجاوز بہ غزه و نسل کشی مردم این کشور از سوی صہیونیست ها و تروریست های جهانی، بسیج می کرد

سفیر یمن در ایران در مورد شهید امیرعبداللہیان شہادت می دهد کہ آقای

۵۰ ویژه‌نامه شهید خدمت و اصحاب علوم انسانی

امیرعبداللهیان در رأس شهدایی هستند که در مقابله با جبهه کفر داشتیم. از زمانی که ایشان وزیر خارجه ایران شدند، نه فقط وزیر خارجه ایران بلکه سفیر سایر کشورهای اسلامی در جامعه بین‌المللی برای مبارزه با استکبار بود. ایشان در حوزه دیپلماسی یک دیپلمات شجاع بود.

عقل ایرانی-اسلامی در برابر عقل ابزاری

در زیست جهان ایرانی

حسین میرزائی

استادیار گروه مطالعات فرهنگی، دانشگاه علامه طباطبائی؛

Hossein.mirzaei@atu.ac.ir

حوادثی نظیر آنچه در مراسم تشییع رئیس جمهور شهید، حضرت آیت الله رئیسی و هیئت همراه ایشان رخ داد، از جمله امور مهمی است که هرچه از زمان آن دورتر می شویم، ابعاد بیشتری از ژرفای خود را به ما می نمایاند. به باور برخی چنین حوادثی این ظرفیت را برای ما ایجاد می کند مقداری از روزمرگی ها دور شده و نگاهی جدید به جامعه ایرانی در پرتو این حوادث بیندازیم.

در اندیشه های کلاسیک جامعه شناسی، ویلفردو پارتو¹، جامعه شناس ایتالیایی است که نظریات مختلفی درباره اقتصاد و جامعه داشته و به باور من، اندیشه های ایشان حاوی نکات بسیار مهمی است که کمک می کند به واسطه آن رخداد اخیر را توضیح دهیم. پارتو نگاهی فردگرایانه به جامعه شناسی داشته و شاید بحث فردگرایی روش شناختی نیز از همان جا آغاز شده باشد. او خیلی از کنش هایی را که واقعیت جمعی به نظر می رسند، همچون بازار، نهادها، واقعیت های زندگی اجتماعی و... که دارای تأثیراتی در جامعه

1. Vilfredo Pareto (1848-1923)

هستند، به‌عنوان یک کنش فردی یا شناختی مبتنی بر کنش می‌بیند. نکته مهم در نظریه پارتو این است که تمام کنش‌های انسان، منطقی و ناشی از تناسب هدف و وسیله نیست. البته هنگامی که سخن از کنش منطقی می‌شود عقل ابزاری مدنظر قرار دارد. چیزی که بیشتر در مکتب پوزیتیویسم طی قرون ۱۹ و ۲۰ در اروپا می‌بینیم. به همین دلیل پارتو علم جامعه‌شناسی را علم مطالعه کنش‌های منطقی و به‌ویژه غیرمنطقی انسان می‌داند. ما در این چارچوب، یعنی عقل ابزاری غربی، خودبه‌خود تمام کنش‌هایی که به مذهب و معنویت مرتبط می‌شود، در حوزه کنش‌های غیرمنطقی می‌گنجد، یعنی همان کنش‌هایی که با عقل «این جهانی» قابل تشخیص نیست. درباره این تشیع‌های باشکوه در تبریز، تهران، مشهد و... عقل ابزاری پاسخگویی تحلیل آن نیست. در شرایطی که طی ۳ سال گذشته، مدام شبکه‌های معاند خارجی با بمباران تبلیغاتی خود، وضعیت داخلی را نابسامان‌تر از آن چیزی که هست نشان می‌دهند و اعتماد اجتماعی به حکومت را در مرز بحران نمایش می‌دهند، ناگهان در مراسم تشیع رئیس‌جمهور شهید، جمعیت میلیونی از قشرهای مختلف مردم حاضر می‌شوند! این رویداد را چگونه باید تبیین کنیم؟ آیا این یک رخداد معمولی است؟ به نظر می‌رسد می‌توان این‌طور تبیین کرد که این حرکت مردمی نوعی مشروعیت‌بخشی به نظام حاکم است. چرا این سخن را طرح می‌کنم؟ به این دلیل که در هیچ جای دنیا یا حداقل در آن کشورهایی که از عقل ابزاری استفاده می‌کنند، برای مرگ یک سیاستمدار این‌گونه به صحنه نمی‌آیند؛ یعنی سیاستمدارها به‌صورت بسیار محدود با تشریفات خاص دفن می‌شوند اما در کشور ما این رخداد با رویکرد پارتو قابل تبیین است. ما مردمی داریم که همه چیز را با «عقل ابزاری» اندازه‌گیری نمی‌کنند، بنابراین این مردم را نمی‌شود با عقل ابزاری یا با عددها به نحو عمیق شناخت. به نظر من، مردم ما بعد حسی قوی‌ای دارند، از این جهت که متوجه هستند کسانی که برای آن‌ها کار می‌کنند، بسیار مجاهدانه فعالیت می‌کنند.

سه سال از عمر این دولت گذشت اما شما داده‌ای به دست نیاوردید مبنی بر آنکه این دولت دنبال قدرت‌گرایی، حزب‌گرایی و منفعت‌طلبی است. این به نحو واضح در برخی

دولت‌ها وجود داشت. دولت شهید رئیسی به نوعی فراجناحی بود، لذا در موارد مختلف اعم از سیاست داخلی و خارجی صادقانه مسائل را تبلیغ و تبیین می‌کرد. اگر ایشان در قید حیات بودند، به نظرم سال آخر دولت ثمرات خیلی از کارهای ایشان برای همه عیان می‌شد. به نظرم این نگاه غیر تبلیغاتی و غیرنمایشی منجر به محبوبیت بیشتر آنان در میان مردم شد. دولت، تمرکز خود را بر تبلیغات نمایشی نگذاشت و امیدوار بود اهدافی که پیش می‌برد، خودبه‌خود در زندگی مردم اثراتش را عیان کند، لذا همین تبلیغات اندک نیز کافی بود تا مردم بفهمند چه کسی برای آن‌ها کار کرده و چه کسی برای آن‌ها کار نمی‌کند. در روز تشیع شهید رئیسی در تهران، از خیابان جمال‌زاده که وارد خیابان انقلاب شدم، تعداد زیادی از کارگران هپکو شعارهای احساسی در فقدان رئیس‌جمهور سر می‌دادند. رئیس‌جمهوری که بتواند دل کارگر و قشر محروم جامعه را به دست آورد، کار بزرگی انجام داده است؛ موضوعی که مدت‌ها بود در کشور، ما شاهدش نبودیم. به تعبیر رهبر انقلاب که فرمودند دولت آقای رئیسی یک دولت انقلابی است، انقلابی یعنی همین که توده‌های ضعیف جامعه را در اولویت قرار داد. وقتی این صحنه کارگران هپکو را دیدم، متوجه شدم قشر ضعیف و حتی طبقه متوسط جامعه درک می‌کند نگاه دولت به قشر ضعیف چقدر درست و منطقی است.

عقل ابزاری و تحلیل محاسبه‌ای

این عقل ابزاری که می‌گویم دقیقاً چیزی است که ما نه در فرهنگ و نه در دین خود آن را قبول نداریم. این عقل ابزاری یا کنش منطقی یک عقل اثبات‌گرای دنیایی و حسابگر است که غرب مدت‌هاست مبنای خود را بر آن قرار داده است. به همین دلیل اگر یک جامعه‌شناس غربی بخواهد این تشیع جنازه را تحلیل کند، هیچ امکانی برای تحلیل ندارد، لذا در همه اوقات این عبارت آشنا را می‌بینیم که غربی‌ها درباره اتفاقات درون ایران می‌گویند ما شگفت‌زده شدیم. این شگفت‌زدگی به دلیل آن است که غربی‌ها می‌خواهند با عقل ابزاری خود جامعه ایران را تحلیل کنند، درحالی که مبنای تحلیل جامعه ایران عقل ابزاری نیست. همان‌گونه که در فقه ما نیز وجود دارد، عقل ابزاری تنها یک مورد از منابع

عقلانیت دینی و منابع شناخت ما است.

آن عقلی که در علوم اجتماعی اثباتی مطرح می‌شود، عقلی است که مبتنی بر تناسب هدف و وسیله کار می‌کند. شما هدفی را تعیین کرده و برای رسیدن به این هدف نیز وسایلی را تدارک می‌بینید، لذا این عقل مبتنی بر تضمین یک وضعیت مطلوب در این دنیا خواهد بود. چیزی که ما به عنوان عقل عملی از آن یاد می‌کنیم، همان چیزی است که در غرب به آن عقل ابزاری می‌گویند. لذا سخن من به معنای این نیست که آیین تشیع شهدای خدمت خالی از عقلانیت است. ما در کی از پدیده‌ها داریم که توضیح آن درک، با عقل منطقی و ابزاری چندان میسر نیست. برای مثال عرض می‌کنم؛ وقتی مردم ما متوجه می‌شوند دولتی که برای آن‌ها کار می‌کند به‌دوراز تبلیغات برای رفاه آنان کار می‌کند، به‌رغم تبلیغات منفی که می‌شود و حتی ممکن بود بسیاری تا پیش از رخداد شهادت به این تبلیغات تن دهند، پس از این حادثه به یک بازاندیشی می‌رسند. خود این اتفاق نیز مهم است. اینکه این اتفاق در کجا پیش آمده تأمل برانگیز است. رئیس‌جمهور در نقطه صفر مرزی و در یک مکان صعب‌العبور چه می‌کردند؟ رئیس‌جمهور چرا باید به یک نقطه مرزی بروند تا این سد را افتتاح کنند؟ این در واقع با خیلی از فاکتورهای عقل ابزاری قابل تبیین نیست. با عقل ابزاری اگر نگاه کنید، رئیس‌جمهور می‌توانست سد را از طریق ویدئو کنفرانس افتتاح کند، همان‌گونه که در دولت‌های پیش شاهد آن بودیم.

مردم ما مردم قدرشناسی هستند. قدرشناسی ممکن است در کنش عقل ابزاری منطقی نباشد اما برای ما عین عقلانیت است. به همین دلیل می‌گویم کنش مردم در مراسم تشیع عقلی است اما نه عقل غربی، بلکه عقلی که در فرهنگ و جامعه خود ما ریشه دارد. بازشناسی و قدرشناسی از یک وضعیت که ما همه در آن قرار داریم، مسئله بسیار مهمی است. آن عقل و منطقی که من از آن با عنوان ایرانی - اسلامی سخن می‌گویم، این را نمی‌پذیرد که شخصیت دارای قدرت برای کار مردم هر هفته و بیش از تعداد ماه‌ها سفر استانی داشته باشد و مردم اثر این حضور را ببیند اما از این موضوع صرف‌نظر کرده، خیلی راحت از کنار آن بگذرند و بگویند این نیز کار خود را انجام می‌داده است. اگر من برای

عقل ابزاری بخواهم مثال بزنم، کارمندی را مثال می‌زنم که دقیقاً رأس ساعت سه و نیم کارت زده و کار را تعطیل می‌کند. اگر یک ارباب‌رجوع ۵ دقیقه بعد به او برسد، کار او را انجام نمی‌دهد. این عقل ابزاری و غربی است، در حالی که عقل ایرانی و اسلامی ساعت را ملاک قرار نمی‌دهد. مسئله، فردی است که به ما رجوع کرده است. شیوه کار رئیس‌جمهور و دولت نیز همین‌گونه بود، لذا مردم نیز با عقل ابزاری با حادثه تشیع ایشان مواجه نشدند.

شکاف در برابر انسجام اجتماعی

من معتقدم آن خط فکری که در جامعه ما عنوان می‌کند کشور دچار گسست شده و شکافی وجود دارد، دقیقاً کسانی هستند که شکاف را ایجاد می‌کنند. این‌ها با این طرح بحث‌ها بر آتش مسئله بیشتر می‌دمند. آن‌قدر که تبلیغات و رسانه در جامعه ما عمل کرده و می‌خواهد مسئله شکاف را جا بیندازد، واقعیت چنین مطالبی را نشان نمی‌دهد. دلیل این موضوع نیز آن است که ما در کنش‌های اجتماعی خود - نه در کنش‌های سیاسی - هنوز آن پیوستگی و سرمایه اجتماعی را مشاهده می‌کنیم. البته کاهش بخشی از سرمایه اجتماعی دولت در میان جامعه تحت تأثیر دولت‌های غرب‌گرا و فعالیت رسانه‌های معاند بوده است. اینکه عرض کردم ما در امر اجتماعی شاهد یک نوع انسجام هستیم، به این دلیل است که هنوز هم در روابط ما اعتماد حرف اول را می‌زند. خیلی از روابط اجتماعی بر اساس اعتماد پیش می‌رود، این در حالی است که در نظرسنجی‌ها سطح سرمایه اجتماعی کم دانسته می‌شود. باین حال جامعه نشان می‌دهد چنین نظرسنجی‌هایی الزاماً درست نیست.

سطح اعتماد به دولت یکی از ابعاد همین اعتماد اجتماعی است. الآن رئیس‌یک دولت شهید شده است، آیا این تشیع برای جامعه‌ای است که سرمایه اجتماعی خود را از دست داده است؟ این همان عقل ابزاری است که خود را در پژوهش‌های ما نیز نشان داده است. در رسانه‌های معاند نیز وجود دارد، یعنی می‌خواهد با عقل ابزاری نشان دهد کشور سرمایه اجتماعی ندارد، در حالی که حضور بی‌سابقه مردم در خیابان نشان‌دهنده سطح اعتماد مردم به حاکمیت است. این حضور حتی از انتخابات نیز به باور من مهم‌تر است. این حضور

بی سابقه خودجوش بسیار مهم بود. کسی نمی‌تواند بگوید این حضور برای مردم نفع این دنیایی داشته است، یعنی کسی برای کسب منفعت شخصی به مراسم نرفته است. من مطمئنم اگر پیکر رئیس‌جمهور به تک‌تک شهرها می‌رفت، باز شاهد همین حضور بودیم. این یک رأی عملی به مرام و مسلک کسی است که خود را در چارچوب انقلاب تعریف کرد.

حرف آخر

من ۲ نکته را در انتها طرح می‌کنم؛ نخست آنکه به باور من ما در عقل ایرانی - اسلامی خود مفاهیمی داریم که در جاهای دیگر دنیا این گونه فهم نمی‌شود. یکی از این مفاهیم «شهادت» است. چرا باید یک انسان از آرامش، امنیت و آسایش خود بگذرد برای رفاه و امنیت دیگران؟ این موضوع را با عقل ابزاری نمی‌توان توضیح داد، چراکه شما همه تلاش خود را باید کنید برای زندگی در این دنیا، از همین جهت ایشار و شهادت امور غیرقابل توضیحی هستند.

نکته دوم، اینکه الآن که این اتفاق بزرگ رخ داده است، بخش زیادی از کسانی که همواره در صحنه سیاسی و اجتماعی کشور ما برای هر رخدادی سخن می‌گویند، در برابر این امر مهم سکوت کرده‌اند. بخشی از این سکوت بدین جهت است که با نظریه‌های برساختی آن‌ها این تشییع قابل تحلیل نیست. عقل ابزاری نمی‌تواند همه واقعیت را توضیح دهد.

شهید جمهور و خدمت خالصانه

زهره قربانی مادوانی

دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه علامه طباطبائی؛

zghorbani@atu.ac.ir

«مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا» (احزاب/۲۳)

مدت زمان زیادی از شهادت آیت الله رئیسی رئیس جمهور فقید کشورمان و هیئت همراه نمی گذرد. رویدادی که با بازتاب های گسترده جهانی نیز همراه شد و مردم کشورمان را در غم و اندوه فرو برد، صحنه های قابل توجه وداع میلیون ها نفر از مردم کشورمان در شهرهای مختلف و به طور خاص رئیس جمهور فقید کشورمان، جلوه های معناداری از پیوند قلبی و عاطفی مردم با انقلاب اسلامی و شهدای خدمت را به نمایش گذاشت. زن و مردم، پیر و جوان در گوشه گوشه کشور نشان دادند که قدردان زحمات خالصانه مسئولین کشور هستند و به فرموده رهبر انقلاب: «مردم قدردان خدمتگزاران خودشان هستند؛ این را مسئولین ما بدانند، توجه کنند. مسئولین خیال نکنند اگر خدمتی کردند، این از یاد مردم خواهد رفت؛ نه، مردم می شناسند، می فهمند، قدردانند؛ این مشوق خدمت است.»

آنچه در شخصیت آیت الله رئیسی از اهمیت زیادی برخوردار بود این است که فعالیت ها و اقدامات ایشان ماهیت نمایشی نداشت. میان مواضع کلامی و رفتارهای شهید رئیسی تفاوتی نبود یکی از ویژگی های مهم و محوری ایشان این بود که وقتی مشکلی را جایی می دیدند سعی داشتند به هر نحو ممکن آن را رفع کرده و به نتیجه برسانند. ایشان

کار را رها نمی‌کردند. کار شبانه‌روزی و شجاعت در عمل و البته بی‌توجهی ایشان به نقدهای غیرمنصفانه و برخی عملیات‌های تبلیغاتی که علیه ایشان و دولتشان انجام می‌شد، بسیار مهم و ارزشمند بود. ایشان ذهنیت حل‌المسائلی را داشتند و درگیر بازی‌های سیاسی و یا منازعات سیاسی با دیگران نمی‌شدند. مسائلی که از آیت‌الله رئیسی یک شخصیت متمایز و شاخص در انقلاب اسلامی ایران ساخت.

پاداش خدمت خالصانه چیزی جز شهادت نخواهد بود. ایشان مزد خدمت بی‌وقفه و مخلصانه خود به مردم و آرمان‌های انقلاب کبیر اسلامی را گرفتند. إن شاء الله که شفیع همه ما در پیشگاه خداوند متعال نیز باشند.

امید و انگیزش، محتوای شناختی کلام

رئیس جمهور شهید

کامبیز بنی‌هاشمی

دانشیار گروه حرکات اصلاحی و آسیب‌شناسی ورزشی، دانشگاه علامه طباطبائی؛

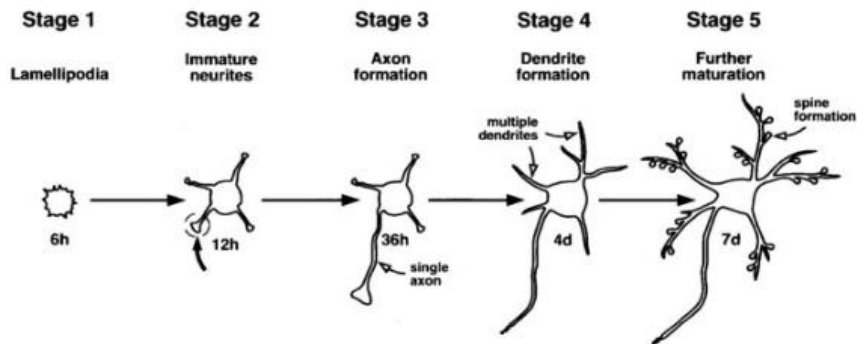
kambiz.banihashemi@atu.ac.ir

انگیزش و امید در بستر ذهن انسان از منظر علوم شناختی بر اساس سلسله‌ای از رویدادها شکل می‌گیرد که از سطوح مولکولی تا پدیده‌های بالینی روی می‌دهند و هر یک در تداوم دیگری است. این فرایند در هر مرحله‌ای از تثبیت در ذهن انسان، نیازمند پیش‌زمینه‌ای خاص است و شکل‌گیری آن در نخستین مرحله، ورود محرک بدوی است که با بیان ژنی مرتبط همراه می‌گردد و در پس آن پدیده‌ای با عنوان تکرار پنهان شده است که می‌تواند به شکل‌گیری اتصالات نوین در میان یاخته‌های عصبی و به تعبیری شکل‌گیری یک صفت منتهی شود.

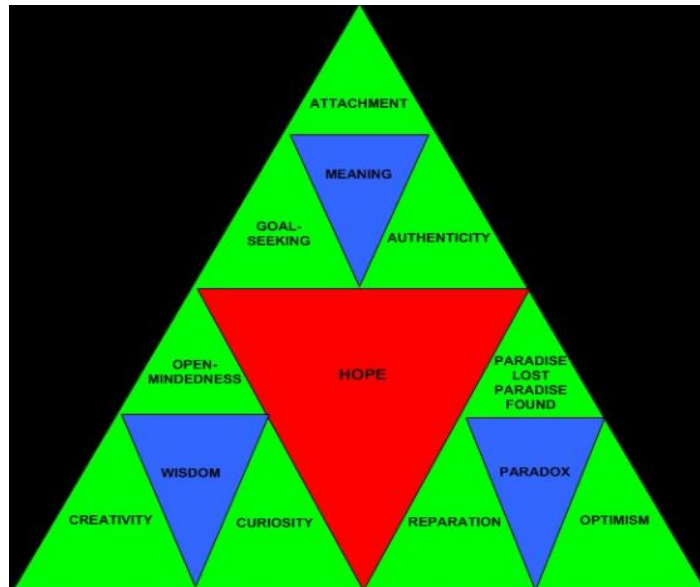
تحلیل این فرآیند در قالب تناظر رویدادهای علوم اعصاب شناختی و صفات و ویژگی‌های افراد امکان درک رفتاری آنان را فراهم می‌سازد و در شناخت و پیش‌بینی رفتارشناسی انسانی (Human Ethology) بسیار کمک‌کننده است. در حقیقت ارزیابی رفتار و منش انسان در سطوح مختلف به‌ویژه به‌عنوان الگوهای مقبول و پذیرفته‌شده اجتماعی یا همان فضایل (Virtues) در این مرحله قابل‌شناسایی و حتی تقویت است. در این کوله نوشتار عناصری دال بر مفاهیم امید و انگیزش در رفتارشناسی رئیس‌جمهور شهید ارزیابی شده است.

امید و عصب‌شناختی ژنومی

در فرایند شکل‌گیری و تثبیت یک صفت یا ویژگی در افراد، ساختار زیر شامل محرک ورودی، تحریک رشد و تکوین یاخته و شکل‌گیری اجزای آن، فعالیت نورونال، شکل‌گیری پاسخ و نمود ظاهری (به‌ویژه کلامی) آن، طی رویدادهای تکرارپذیر منجر به ظهور و سپس تثبیت صفاتی در فرد خواهد شد که می‌تواند به‌عنوان شناسه وی در نظر گرفته شود. به دیگر تعبیر، صفات و ویژگی‌های اخلاقی و هنجارهای رفتاری افراد حاصل به نتیجه و انتها رسیدن همین فرایند است.



باید توجه داشت یکی از این صفات بسیار مهم و ممیز در انسان، ویژگی خلاقیت و نگرش مثبت و امید به تغییر است. این ویژگی در همه انسان‌ها به‌عنوان قالب مینا مشاهده می‌شود اما بروز و ظهور آن نیازمند برخی مقدمات شناختی است. از جمله آن‌که بر برخی اختصاصات منفی مانند افسردگی و اضطراب و عصبانیت غلبه وجود داشته باشد و برخی اختصاصات مثبت مانند امید و انگیزش به‌صورت روزافزون رشد کند. مطالعات دانشمندان بیانگر آن است که عناصر شکل‌دهنده امید و انگیزش در افراد در قالب مدلی دینامیک کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و شامل تدبیر، پشتکار، معناجویی، اندیشه باز و پذیرا، آمادگی برای مواجهه با تناقضات و نیز خلاقیت هستند.

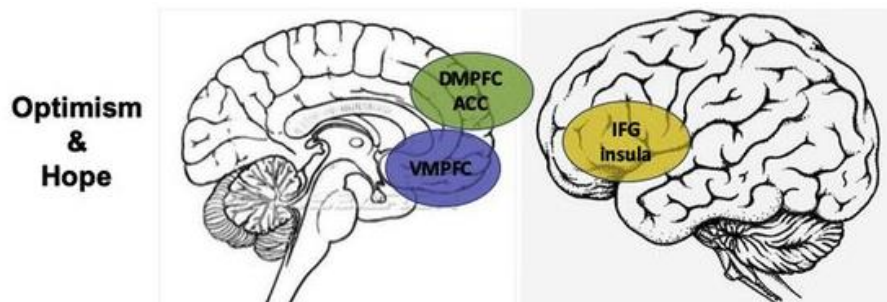


برای فردی در سطح رئیس‌جمهور یک کشور وزین، وجود چنین اختصاصاتی یک مزیت بسیار برتری بخش نسبت به سایرین است و می‌تواند در بسیاری از وجوه تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی موجب ارتقای کیفی برون دادها شود.

امید و محتوای کلامی

برای ارزیابی وجود این عناصر در رئیس‌جمهور شهید شاید بتوان از تکنیک بررسی محتوای کلامی افراد در مواجهه با دنیای بیرون بهره گرفت. این روش می‌تواند به‌عنوان شاخصی از چگونگی اندیشیدن وی و سائق‌های موجود در افکار و باورهای وی باشد. بر این اساس و به‌منظور تحلیل ذهن رئیس‌جمهور شهید، سخنرانی ۲۹ شهریور ۱۴۰۲ ایشان در سازمان ملل به‌عنوان نمونه بارز فحوای اندیشه وی در قالبی رسمی برگزیده شد و مورد تحلیل محتوا قرار گرفت در طول ۳۵ دقیقه این سخنرانی می‌توان دریافت که حداقل ۸۶ مفهوم و کانسپت کلان طی جملات مختلف مورد اشاره قرار گرفته است که از آن میان ۲۹ کانسپت پروموتیو در سطوح مختلف از پدیده‌های فردی و صفات برتر انسانی مانند کرامت، عقلانیت، اخلاق، وفای به عهد، راست‌گویی، صداقت تا پدیده‌های فاضل

اجتماعی مانند خدمت به محرومان، ارزش‌های خانواده، توسعه، دوستی و مودت و سایر موارد را می‌توان دریافت و این به معنای ۳۴ درصد مفاهیم و کانسپت‌های پروموتیو است. در عین حال همین سبک بررسی نشان می‌دهد سایر عناصر مرتبط با امید مانند درک تناقضات بین‌المللی و تبیین آن‌ها (در حداقل نه مورد) و مواردی از این دست در کلام رئیس‌جمهور شهید طی سی و پنج دقیقه سخنرانی وجود دارد. از منظر پدیدارشناسی تنه‌های عصبی مغزی، پراکنش ظهور سیگنال‌های مرتبط با این مفاهیم را می‌توان در نقشه‌های مغزی دریافت.



از آنچه رفت احتمالاً می‌توان به چند نکته ذیل اشاره نمود:

- ساختار ذهن رئیس‌جمهور شهید، واجد انعطاف لازم در ادراک گستره‌ای از مفاهیم شامل مفاهیم هم سو و هم‌راستا تا مفاهیم متناقض بود. این عنصر لازمه شکل‌گیری مدل دینامیک امید در اندیشه وی بوده است.
- اختصاص بیش از یک سوم مفاهیم ارائه‌شده در یک سخنرانی سی و پنج دقیقه‌ای به مفاهیم و کانسپت‌های پروموتیو و انگیزاننده می‌تواند شاخصی دال بر شکل‌گیری مدل پویای امید در ذهن وی بوده باشد.
- کونکتومیکس شناختی رئیس‌جمهور شهید ممکن است با توجه به این یافته‌ها واجد پراکنش سیگنال‌های اساسی در مناطقی مانند پره فرونتال کورتکس، هسته آکومبنس، سینگولا و استریاتوتالامیک بیش از سایر نقاط باشد که احتمالاً نمایانگر صفت امیدواری در وی بوده است.

منابع

- Govek EE, Newey SE, Van Aelst L. (2005). The role of the Rho GTPases in neuronal development. *Genes Dev.* 1;19(1):1-49.
- Roshin M. S. Sujatha. R Sujatha. R, (2013). A study on father's knowledge and attitude towards their role in child care in selected areas of Mangalore with a view to develop an informational booklet, *Journal of Health and Allied Sciences*, 03(02):063-068.
- Henning Sanchen, Hope as a positive psychology outcome of an educational tourism program for youth on Robben Island, (2015), *African Journal of Hospitality, Tourism and Leisure* Vol. 4 (2).
- Han, H. Can virtue be measured using neuroimaging methods? (2014) *Jubilee Centre Conference* 'Can virtue be measured.
- Conceptual Framework – Meaning, Importance and How to Write it. (2020). Retrieved 27 April 2021, from <https://afribary.com/knowledge/conceptual-framework>.
- Schiller, D.; Alessandra, N.C.; Alia-Klein, N.; Becker, S.; Cromwell, H.C.; Dolcos, F.; Soreq, H. (2023). *The human affectome. Neurosci.Biobehav. Rev.* 2023, 105450.
- Freezing Effect and Bystander Effect: Overlaps and Differences. Available from: https://www.researchgate.net/publication/378488007_Freezing_Effect_and_Bystander_Effect_Overlaps_and_Differences [accessed Jun 12 2024]

شهید خدمت و سرمایه اجتماعی

سیدعلی مزینانی

استادیار گروه تاریخ، دانشگاه علامه طباطبائی؛

s.a.mazinani@atu.ac.ir

یکی از مهم‌ترین عناصری که میان مردم و حاکمان خط تمایز می‌کشد اتکا گروه اول بر «منطق وجدان» و اتکای گروه دوم بر «منطق قدرت» است. در این بین حاکمانی که معمولاً باورمندان منطق قدرت هستند دچار سه ویژگی می‌شوند

الف: زمان‌گریزی: حاکمان می‌کوشند همیشه زمانه به شکل همان روزگاری که در آن کسب قدرت کرده‌اند منجمد نموده و جلوی هرگونه تغییر را سد کنند و یا آنقدر آن را بی‌خاصیت سازند که دیگر نتوان اصلاً نام تغییر بر آن نهاد.

ب: خرفت‌شدگی: حاکمان عمدتاً استدلال و تبیین را تا نقطه کسب قدرت مفید می‌دانند و به محض فرا رسیدن این لحظه دیگر با اتکا به قدرت اداره خود را بر کرسی می‌نشانند و به استدلال‌ها و تبیین‌هایی که تا قبل از کسب قدرت عرضه می‌کردند چنان یک یادگاری روزهای معصومیت ارجاع می‌دهند.

ج: همگون‌سازی: حاکمان عمدتاً با کسب قدرت تمایز و تفاوتی را که با اتکا بر دانش میان فرهنگ‌ها، زبان‌ها، اقوام، اقشار، طبقات و غیره قائل می‌شدند را کنار می‌گذارند و آن‌ها را چنان توده‌هایی بی‌شکل در نظر می‌آورند که دست بالا اعدادی روی کاغذ هستند و باید اعدادی را به آن‌ها اختصاص داد.

در نقطه مقابل اغلب مردم با اتکا بر منطق وجدان به مسائل ورود می‌کنند. به این

واسطه مبانی منطق آن‌ها اساساً نفی مبانی منطق قدرت است به این شکل که

الف: نمی‌کوشند زمانه و تغییرات آن را منجمد سازند

ب: خرفت نمی‌شوند و می‌کوشند در مورد ابعاد مختلف یک پدیده اطلاع کسب کنند

د: به همگون سازی همه فرهنگ‌ها، زبان‌ها و تفاوت‌ها دست نمی‌زنند

می‌توان گفت که دو گانه «منطق وجدان» و «منطق قدرت» را می‌توان در همه تاریخ بشری چه در عصر «گردآوری خوراک و شکارگری»، چه در عصر «کشاورزی» و چه در «عصر صنعت» و حتی اعصار پیش رو شناسایی کرد.^۱ نقطه عطف تاریخی در مورد این دو گانه این است که به نظر تا قرن ۱۶ میلادی دست بالا از آن منطق وجدان بود اما از آن عهد به این سو این منطق قدرت است که به قطب‌نمای اصلی تبدیل شده است. این دگرگونی بزرگ برآمده از چند رویداد توأمان و در هم‌شونده و درهم‌تنیده است. پیدایش رنسانس با شعار برتری عقل بر فطرت، پیدایش اصلاح مذهبی با شعار برتری ایمان قلبی بر ایمان سازمانی کلیسا زمینه را برای رشد انفجاری پدیده‌های قدرت‌پایه مثل دولت مطلقه، هنر جنگ، علم تجربی، اکتشافات و استعمار فراهم آورد. اینجا یک نظریه پرداز نیاز بود که این نقطه عطف انتقال از «منطق وجدان» به «منطق قدرت» مدون و مکتوب اعلام نماید این نظریه‌پرداز کسی نبود جز نیکولو ماکیاولی و کتاب مشهور «شهریار». مشهور است که ماکیاولی با انتشار شهریار پایه سیاست را از آسمان به زمین آورد و به این ترتیب علم سیاست متولد شد.^۲ اما نگاهی دقیق‌تر به ما می‌گوید که در تمام تاریخ بشر هنر

۱. برای بررسی این دسته بندی از تاریخ بشریت نک: گرهارد لسنکی، سیر جوامع بشری، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶.

۲. برای بحث فشرده در مورد نظریه‌های قدرت نک: آنتونی گیدنز، ساخت جامعه، ترجمه اکبر احمدی، تهران: علم، ۱۳۹۶.

برای بحث دولت مطلقه نک: پری اندرسون، تبارهای دولت استبدادی، ترجمه حسن مرتضوی، تهران: ثالث، ۱۳۹۰.
برای تقدم یافتن بازار در زندگی انسان اروپایی نک: کارل پولانی، دگرگونی بزرگ، ترجمه محمد مالجو، تهران: پردیس دانش، ۱۳۹۱.

سیاست‌ورزی و زندگی بر اساس منطق قدرت وجود داشته و تنها در قرن شانزدهم از یک «امکان» به یک «اصل» تبدیل شد. اگر روزگاری ۱٪ مردم از منطق قدرت فرمان می‌بردند و ۹۹٪ دیگر به منطق وجدان باور داشتند در حال حاضر روزه‌روز که از حیات جامعه بشری ما می‌گذرد افراد بیشتر و بیشتر از اقلیم منطق وجدان کوچ می‌کنند و در اقلیم منطق قدرت سکنی می‌گزینند چراکه می‌پندارند در غیر این صورت سر آن‌ها کلاه خواهد رفت! مهاجرتی در حوزه آگاهی که پیدایش انقلاب صنعتی انگلستان و انقلاب سیاسی فرانسه با خلق انسان صنعتی و پس زدن انسان ابراهیمی و انسان گردآور خوراک و شکارگر به شدت به آن دامن زده است.

این پیشگامی پر عوارض تمدن غرب موجب شده از آن زمان به این سو «شرافت» و «صداقت» روزه‌روز بیشتر دچار کمیابی شده و در نتیجه بیشتر و بیشتر قدر و منزلت پیدا کنند. از آن زمان به این سو مردم با حسرتی فزاینده به دنبال آخرین ذرات «شرافت» و «صداقت» برآمده از منطق وجدان می‌گردند. اصلاً امروزه بخش مهمی از سرمایه اجتماعی به عبارت ساده همین «شرافت» و «صداقت» است. از همین رو سیاستمدارانی که منطق وجدان را با خود به قلمرو منطق قدرت می‌برند چون کاری سیاوشانه از آن‌ها سرزده به سرعت تا حد اسطوره‌های که از فراسوی باور ما می‌آیند فراکشیده می‌شوند. با یک نگاه ساده به تاریخ معاصر بشر می‌توان نمونه‌هایی از این دست را در قامت گاندی، نلسون ماندلا، محمد مصدق، پاتریس لومومبا و حضرت امام (ره) مشاهده کرد.

در طول تاریخ ۴۲ ساله جمهوری اسلامی ایران سیاست‌پیشگان وجدان‌مدار کم نبوده‌اند که شناسنامه اغلب آن‌ها در برگ پایانی با واژه شهادت مهر خورده است. جدیدترین و نه آخرین عضو این حلقه شهید سید ابراهیم رئیسی بود. مبانی فکری او برآمده از مهم‌ترین بیانیه سیاست‌وجدان‌مدار یعنی «نهج‌البلاغه» بود و بر همین اساس:

الف: حضورش برای مردم از هیبت خالی بود

ب: شخصاً به مراجعات مردم توجه می‌کرد

ج: از خودپسندی و تکیه بر نقاط قوت خود و اغراق درباره آن‌ها خالی بود^۱
این مبانی در طول تمام مسئولیت‌های شهید رئیسی (دادستانی تهران، ریاست سازمان بازرسی کل کشور، تولیت آستان قدس رضوی، ریاست قوه قضاییه، ریاست جمهوری) با او همراه بود. بر اساس همین مبانی او از سه ضایعه اساسی قدرت یعنی زمان‌گریزی، خرافت‌شدگی و همگون‌سازی بری بود. او با مردم از نزدیک تماس داشت. به همین واسطه هم در انتخابات ۱۳۹۶ با وجود سابقه حضور رسانه‌ای ناچیز توانست ۳۹٪ آرا را از آن خود کند. بعد از آن نیز در مقام ریاست قوه قضاییه با ۲۴ سفر استانی و در مقام ریاست جمهوری در مدت سه سال با ۴۶ سفر استانی همچنان در سمت مردم و منطق وجدان ایستاد. آنچه در مراسم شهادت او رقم خورد ناشی از همین برداشت مردم بود چرا که مردم او را سیاست‌پیشه وجدان‌مداری دیدند که با خود متاعی به قلمرو منطق قدرت برده که سرانجام آن مهر شهادت است.

شهادت شهید سید ابراهیم رئیسی قطعاً افزوده‌ای ارزشمند بر سرمایه اجتماعی جمهوری اسلامی است. امروزه چشم همه مردم به مسئولان نظام دوخته شده است تا ببینند از این سرمایه اجتماعی در جهت تزریق بیشتر وجدان به قدرت بهره برده خواهد شد یا به آن چون رویدادی نگریسته خواهد شد که نباید رویه سیاست را مخدوش کند همان رویه‌ای که انباشت روزافزون قدرت را فی‌نفسه ارزش می‌داند و کار سیاست را دور پوچ تأمین منافع جناحی می‌شناساند.

۱. نک: علی ابن ابی طالب، نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸، صص

عشق به مردم سرمایه اجتماعی است

ابوالقاسم عیسی مراد

دانشیار گروه روان‌شناسی بالینی، دانشگاه علامه طباطبائی؛

isamorad@atu.ac.ir

عشق و دوست داشتن ویژگی و شاخص شخصیت‌هایی است که از لاک انحصار «من» خارج می‌شوند و انگیزه‌های تمرکز و توجه دگرخواهانه در آنان رشد می‌کند. دوست داشتن خلق خدا برای خدا یک نماد تحول‌زایی درونی انسانی است که در رفتارها و منش‌های اجتماعی حمایتی تبلور پیدا می‌کند. اگر قدری عمیق‌تر به این واژه‌ها بنگریم، بی‌شک توجه ما را استحکام می‌دهد که انسان‌ها در مراتب خودشناسی و فراشناخت بهنجار چگونه به این جایگاه توجه می‌کنند.

همه ما به واژه‌هایی با عنوان «پاک باش و خدمتگزار» که شهید ابوترابی مبدع آن بود و بدان تأکید داشت و شعار و شعور و عملش به آن جدی بود، آشنا هستیم و شاید می‌توان گفت رویکردی که کلام و عمل را به هم متصل کرده است و بر آن مقیم مقام بوده‌اند. دو واژه پاک باش، یعنی رویکرد فرهنگی، دینی، معنوی، تقوی محور و از طرفی خدمتگزار یعنی خروج از انحصار «تن و من» و حضور در عرصه منش دگرخواهانه انسان‌ها و ارتقاء یافتن در آن است. نگاه روان‌شناختی و جامعه‌شناختی در علوم مدرن بر آن تأکید دارد که رفتارهای اجتماعی که اگر بر نگرش الهی مستمر شود به انسان معنا می‌دهد و سختی‌ها قیمت پیدا می‌کند و تعالی معانی انسان در سرمایه اجتماعی تبلور پیدا می‌کند.

انسان‌های خدمتگزار از انعطاف، عواطف، شایستگی، محبت، تواضع، حمایت، انسان‌دوستی، پاکی و زلالی و امثال آن برخوردار هستند. سبک زندگی کریمانه، اخلاق محوری، خستگی‌ناپذیری، بی‌تکلفی، صبوری و شکوری و وفق و مدارا و دلدادگی برای جامعه و صفاتی مشابه آن در جلوات فکری و عملی انسان‌های بزرگ مانند شهید رئیسی یافت می‌شود که البته التقاط بخشی آن با جریانات سیاسی چندان شایسته نیست. شایان ذکر است او از نظر شخصیتی تحول‌یافته و دارای کمالاتی بود که می‌توان به‌عنوان الگو در خدمتگزاری معرفی کرد.

بی‌تردید در وانفسای دوری از اخلاق و جوامع بشری که دوری از انسان‌محوری الهی گونه‌گانه انسان‌ها را دچار اشکال کرده است. بنابراین زوایای سیاسی و سیاست‌زدگی جامعه را بیشتر جایگزین مقوله‌های انسانی و معنویت و دین و اخلاق می‌کنند که باز شایسته نیست.

سؤالاتی مطرح است که آیا نمی‌شود سیاسی بود و سیاست زده نشد؟ آیا نمی‌شود از تکنیک‌های دین‌داری و اخلاق محوری استفاده کرد و شخصیت انسانی را که مورد توجه سنت و سیره نبوی و علوی است بر نفسانیات دور از مشی انسانی غلبه داد و حبّ به خلق خدا برای خدا را بر حبّ غیر خدا برتری داد و بدان عمل کرد؟ مگر نه این است که شرف المکان بالمکین ما را بر بلندای معارف معنایی و اخلاق عملی سکنی می‌دهد؟ مگر نه این است که پاکی و زلالی باید در مشی انسان‌های سیاستمدار و مدیر و نخبگان جامعه مورد توجه باشد؟ مگر نه آن است که از مراتب کمال آدمی به درد مردم دردمند و به حال مردم واقف و بر زندگی مردم همدلی و همدردی را میسور مسیر راه قرار داد؟ اگر که مرام بندگی خلق در جلوات معنایی کمال آدمی، خدمت به خلق خدا به قصد قرب است، پس چه باید کرد تا برای چنان شدن، راهی جز این نباشد که بر مشی دین‌محوری و اخلاق‌مداری و مدارا و وفق و رفتار دگرخواهانه حمایتی تمرکز کنیم.

بی‌تردید توجه برمدار خدمت‌رسانی می‌تواند نگاه متعالی دین‌مداری را جلوه دهد و شهید رئیسی با تمرکز برمدار عشق به مردم - فارغ از نقدهای سازنده عالمان و دلسوزان

عشق به مردم سرمایه اجتماعی است؛ ابوالقاسم عیسی مراد ۷۱

جامعه ایرانی اسلامی که کارساز و معنادار است - به نوعی سرمایه اجتماعی محسوب شده و از اسوه بودن در خدمت با نگاه رضوی که خود خادمش بوده است و با توجه به شعار «پاک باش و خدمتگزار» از شهید ابوترابی، رویکرد حاضر را بیش از پیش جلوه گر نموده و تجلی الگوهای بومی ایران اسلامی را متذکر می شود و بر مدیران جامعه ایرانی پیام می دهد که می شود بر اساس رویکردهای علمی و معنوی بر خدمت صادقانه تلاش کرد و به زندگی انسانها معنا داد و قلوب را تسخیر کرد.

ذیلاً چند بیت شعری که برای شهید رئیسی توسط نگارنده سروده شد به شرح ذیل

تقدیم می گردد:

الفتش با آسمان دیرینه بود	با زمینی‌ها دلش بی کینه بود
خستگی را خسته اش می کرد او	عشق خدمت دائماً در سینه بود
با زلال چشمه‌ها مأنوس او	در صداقت قلب او آینه بود
خادم موسی الرضا او را لقب	کسوت دلدادگی پیشینه بود
با غم مردم غمی در سینه داشت	مهر ایزد بر دلش تابیده بود
جنس باران بود و با اشک دلش	شهد شیرین ادب نوشیده بود
حب مولا را طلب می کرد او	بهر ملت او بحق گنجینه بود
چهره‌ی او مهربانی بهر خلق	سائل از او جز وفا نشنیده بود

الهی در تجسم معنادار بندگی با وساطت خدمت به انسانها الگوهای عملی؛

در سبک‌های زندگی ما معمول و ما را در هر قول و عملی معانی قرب را نهادینه

فرماید.

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم.

شهید خدمت و سبک زندگی

مریم برهمن

دانشیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی؛

brahman@atu.ac.ir

سبک زندگی به عنوان نرم افزار جامعه سازی و تمدن اسلامی از توجه و اهمیت خاصی برخوردار می باشد. سبک زندگی به عنوان بخش اساسی، محتوایی و نرم افزار تمدن اسلامی اهمیت و اهتمام جدی را می طلبد.

«هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است؛ این محاسبه درستی است. این تمدن نوین دو بخش دارد: یک بخش، بخش ابزاری است، یک بخش دیگر، بخش متنی و اصلی و اساسی است. به هر دو بخش باید رسید. ...بخش ابزاری عبارت است از همین ارزش هایی که ما امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح می کنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ، این ها همه بخش ابزاری تمدن است؛ وسیله است... اما بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می دهد؛ که همان سبک زندگی است. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است؛ مثل مسئله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله خط، مسئله زبان، مسئله کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزند، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مرئوس، رفتار

ما با پلیس، رفتار ما با مأمور دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه؛ این‌ها آن بخش‌های اصلی تمدن است که متن زندگی انسان است. تمدن نوین اسلامی_ آن چیزهایی که می‌خواهیم عرضه کنیم_ در بخش اصلی، از این چیزها تشکیل می‌شود؛ این‌ها متن زندگی است؛ می‌شود این بخش را به‌منزله بخش نرم‌افزاری تمدن به حساب آورد» (Khamenei.ir).

هویت انسانی ماهیتی چندلایه دارد. باورها و اعتقادات لایه زیرین و ارزش‌ها لایه میانی به شمار می‌روند؛ سبک زندگی لایه رویین و بیرونی آن است. به یک معنا سبک زندگی نماد بیرونی هویت انسانی است. سبک زندگی همه‌ی شئون حیاتی انسان را در بر می‌گیرد. نظام‌های معرفتی، نظام عواطف و گرایش‌ها لایه‌های بنیادی‌تر سبک زندگی را تشکیل می‌دهد.

در تعاریف سبک زندگی، رویکردهای جامعه‌شناسانه بیشتر نگاه توصیفی داشته و رکن اصلی آن، توجه به رفتارها و نمودهای رفتاری است. در رویکردهای روان‌شناختی به ارزش‌ها، هنجارها، ریشه‌ها و منشأ رفتارها توجه ویژه‌تری می‌شود. بر اساس رویکرد دین‌شناسانه می‌توان سبک زندگی را به این صورت تعریف کرد: «مجموعه‌ای از رفتارهای سازمان‌یافته که متأثر از باورها، ارزش‌ها و نگرش‌های پذیرفته‌شده و همچنین متناسب با امیال و خواسته‌های فردی و وضعیت محیطی، وجهه غالب رفتاری یک فرد یا گروهی از افراد شده‌اند» (شریفی، ۱۳۹۴). با تعریف فوق، رفتارهایی را می‌توان به‌عنوان سبک زندگی در نظر گرفت که وجهه غالب رفتاری یک فرد یا گروهی از افراد باشد؛ به‌گونه‌ای که همچون ملکات نفسانی در اخلاق، تقریباً بدون ترویج رفتارهای نهادینه‌شده، سبک زندگی محسوب می‌شود نه رفتارهای موقتی و موردی؛

سبک زندگی نشان‌دهنده میزان و کیفیت باورها و ارزش‌های فرد بوده و نشان می‌دهد که آن باورها و ارزش‌ها تا چه میزان در جان فرد رسوخ کرده‌اند. لذا سبک زندگی می‌تواند به‌عنوان یک معیار برای آزمون کیفیت دین‌داری فرد و جامعه تلقی شود. همه روابط چهارگانه انسان یعنی رابطه انسان با خدا، خود، دیگران (خلق) و محیط‌زیست

(خلقت) می‌تواند زیرمجموعه سبک زندگی به شمار آید.

از منظر اسلام، سبک‌ها به اعتبار معانی و محتوا ارزیابی می‌شوند؛ صورت و سبک که نیروی خلاق و توان آفرینندگی انسان را در ایجاد صور زندگی نشان می‌دهد با وجود ارزشمندی، موضوعیت ویژه‌ای ندارند. اسلام هرگز به شکل و صورت و ظاهر زندگی نپرداخته است. تعلیمات اسلامی همه متوجه روح و معنی و راهی است که بشر را به هدف‌ها و معانی می‌رساند. آلام هدف‌ها و معانی و ارائه طریقه‌ی رسیدن به آن هدف‌ها و معانی را در قلمرو خود گرفته و بشر را در غیر این امر آزاد گذاشته است (مطهری، ۱۳۸۷، ۱۹۱).

از آنجا که هیچ‌گاه نمی‌توان روینایی را بدون زیربنای خارجی در نظر گرفت و روینای تنها، لرزان و متلاشی است از این رو اسلام ساختمان محتوای باطنی را در مسیر صحیحش جهاد اکبر نامیده و روینای آن را که در مسیر صحیحش به حرکت درآید جهاد اصغر نام نهاده است؛ و در رابطه‌ی میان جهاد اکبر و جهاد اصغر نیز می‌گوید: هرگاه جهاد اصغر از جهاد اکبر جدا شد اصالت و محتوای خود را از دست می‌دهد و به همین دلیل قدرت نخواهد داشت تغییر حقیقی در صحنه‌های تاریخی و اجتماعی به وجود آورد. (صدر، ۱۳۸۱، ۱۴۷) ظاهر، عنوان و نمایشگر باطن است (بحارالانوار، ج ۶۶، ص ۳۶۵).

شاخصه‌ها و اصول سبک زندگی مفروضات معرفتی و ارزشی هنجاری‌اند که از منظر تفکر اسلامی، حیات انسانی را تعیین می‌بخشند. این اصول به دو دسته صوری و محتوایی انقسام می‌یابند. منظور از اصول محتوایی معیارهای عام معرفتی و گرایشی‌اند که اهداف اصلی انسان را از زیستن تشکیل می‌دهند. اصول محتوایی، غایات فی‌نفسه و مضمون‌های اصیل زندگی و زیستن به شمار می‌روند و درون‌مایه‌ها و مقاصد اصلی زندگی را مشخص می‌کنند. شاخصه‌های حق محوری، عبودیت، آزادی معنوی، خلیفه‌اللهی بودن، هدفمندی انسان به سوی قرب الهی و باورمندی به معاد (برهن، ۱۳۹۹) مهم‌ترین شاخصه‌های محتوایی سبک زندگی معنا محور می‌باشد. در کنار شاخصه‌های محتوایی، اصول صوری نیز وجود دارد که ناظر بر قواعد و معیارهایی است که به نحوه‌ی تحقق بایسته یا

مکانیسم‌های صحیح عینیت یافتن اصول محتوایی در حیات انسانی می‌پردازند. اصول اعتدال، زیبایی و تحول و نوآوری اصول صوری کلان سبک زندگی اسلامی می‌باشند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴). همچنین باید توجه داشت که با وجود اینکه هر کنشی در مرحله‌ی نخست بر نظام شناختی و معرفتی مبتنی است؛ لیکن شناخت‌ها به‌تنهایی از محرکیت لازم و کافی برای برانگیختن و واداشتن انسان به عمل و کنش برخوردار نیستند. واسطه میان نظام شناختی و رفتار بیرونی، نظام عاطفی است. برای نظام عاطفی سبک زندگی اسلامی، شاخصه‌های تقدم ترجیحات عقلانی بر ترجیحات احساسی و جهت‌گیری عواطف به سمت خداوند احصا می‌گردد. همه شاخصه‌های یادشده اعم از صوری، محتوایی و عاطفی، زیرمجموعه‌هایی دارند که در جای خود قابل احصا و بررسی است.

مقام معظم رهبری سبک زندگی شهدا را الگویی برای جامعه اسلامی می‌دانند.

«قهرمان‌های کشور ما شهدا هستند؛ بالاتر از شهدا ما هیچ قهرمانی نداریم؛ این‌ها هستند که در دشوارترین میدان‌ها مبارزه کردند و توانستند به عالی‌ترین درجات برسند و توانستند دشمن را شکست بدهند؛ این‌ها قهرمان‌اند. یاد قهرمان‌ها را همه‌ی ملت‌ها گرامی می‌دارند، مخصوص ما نیست؛ گاهی در یک ملتی یک نفر به‌عنوان قهرمان شناخته می‌شود، خاطرات او، جزئیات او، زندگی او برای مردم اهمیت پیدا می‌کند. شهدای ما همه قهرمان‌اند؛ یاد این‌ها اهمیت دارد. رفتار شهیدان چگونه بوده؟ ... برجستگی‌های اخلاقی شهدا چگونه بوده؟ چه برجستگی‌های اخلاقی‌ای این‌ها داشتند؟ سبک زندگی این شهدا چگونه بوده؟ این کتاب‌های شرح حال شهدا را که انسان می‌خواند، مثل اینکه وارد یک باغی شده با زیباترین و معطرترین گل‌های متنوع؛ انواع و اقسام خلیقات نیکو، برجسته و زیبا را انسان در این کتاب‌ها می‌بیند که مال این شهیدان است. همه‌ی آنچه در خاطره‌ی شماها از شهیدانتان وجود دارد، درس است؛ این‌ها باید گفته بشود، این‌ها باید منتشر بشود، این‌ها باید مورد استفاده‌ی نسل جوان کشور قرار بگیرد (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار خانواده‌های شهدا، ۱۴۰۲/۴/۴).

شاخصه‌های محتوایی، صوری و عاطفی یادشده در سبک زندگی شهید رئیسی کاملاً

مشهود و کراراً در سیره ایشان وجود دارد.

«مردمی بودن مقوله‌ی گسترده‌ای است و جلوه‌هایی دارد. یک جلوه همین رفتن میان مردم و شنیدن بی‌واسطه از مردم است. این حرکت بسیار خوب و مستحسنی که دیروز جناب آقای رئیسی انجام دادند که رفتند خوزستان در میان مردم، با مردم، از آن‌ها شنیدند، با آن‌ها حرف زدند، این یک جلوه‌ی از مردمی بودن است که بسیار کار خوبی است. یک جلوه‌ی دیگر، مسئله‌ی اتخاذ سبک زندگی مردمی است؛ بی‌تکلف بودن در مثنی و منش، دوری کردن از منش‌های اشرافی‌گری و از موضع بالا به مردم نگاه کردن و مانند این‌ها؛ این هم یک جلوه‌ی دیگری است از مردمی بودن که از این منش‌های اشرافی‌گری که معمول است در دنیا و همه‌ی دولت‌ها و مسئولیت‌ها و مسئولین مبتلا هستند به این جور نگاه به مردم، به این جور روش زندگی، باید اجتناب کرد» (بیانات مقام معظم رهبری در نخستین دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت سیزدهم، ۱۴۰۰/۶/۶).

در ذیل شاخصه‌های یادشده در سه قسمت محتوایی، صوری و عاطفی می‌توان به شاخصه‌های وی اشاره نمود:

شاخصه‌های نظام محتوایی: زهد و ساده زیستی و تقوا، تکبر نداشتن، مردم‌دوستی، اخلاص، تکلیف‌گرایی، قانون‌مداری، ولایت‌پذیری.

شاخصه‌های نظام صوری: تحول‌گرایی، مردم‌داری و غمخوار مردم، حمایت از محرومان، خستگی‌ناپذیری، پرکاری، تکاپوی حداکثری و بالا بردن سرعت رفت‌وآمد مسئولان در کشور، پیگیری امور تا حصول نتیجه مطلوب نهایی، عمل‌گرا بودن، گذشت و سعه‌صدر در برابر بداخلاقی، انتقادپذیری، توجه به جزییات در عین مسئولیت و دغدغه کلان،

شاخصه‌های نظام عاطفی: بهره‌گیری از خرد جمعی، فراجناحی بودن، عقلانیت و تخصص‌گرایی، عدم ملاحظه‌محبوبیت، جوان‌گرایی و اعتماد به نسل سوم انقلاب.

و بسیاری از شاخص‌های دیگر که به اذعان و اعتراف حامیان و منتقدان (جمعی از نویسندگان، ۱۴۰۳) در سبک زندگی ایشان وجود داشت و جهت رعایت اختصار از ذکر و

توضیح آن‌ها پرهیز شده است.

این نوشتار به سبک زندگی در شاخصه‌های یادشده داخلی پرداخته و مسلماً معیارهای یادشده در تراز بین‌المللی در سبک زندگی سیاسی ایشان نیز نمود و ظهور دارد که خود در وقت مقتضی، شایسته مذاقه و پیگیری است.

شهید جمهور و ندای هویت‌سازی

حریت‌بخش و امیدمدار

سودابه شکراله‌زاده

استادیار گروه آموزش و پرورش، دانشگاه علامه طباطبائی؛

shokrollahzadeh.sue@atu.ac.ir

در سالنامه تاریخ ملت ما، فصلی درخشان به پایان غم‌انگیزی رسیده است. رئیس‌جمهور عزیز ما، چراغ راه امید و نگهبان پایدار رؤیاهای ما به شهادت رسید. زندگی او، گواهی بر فداکاری بی‌دریغ و عشق بی‌حد و حصر به ایران است. در خاک حاصلخیز تاریخ ایران، شخصیت‌هایی بروز می‌کنند که زندگی و کردارشان بذره‌های امید و اعتماد را می‌کارد و این بذرها بسیار فراتر از دوران تصدی آن‌ها جوانه می‌زنند. رئیس‌جمهور ما که اکنون شهید شده است، چنین شخصیتی بود - فردی که منشش چراغ راه و الهام‌بخش بود، ستاره‌ای هدایتگر در میان دریا‌های پرتلاطم زمان ما. میراث او که در تاروپود ملت ما تنیده شده است، گواهی بر قدرت پایدار خدمت‌فداکارانه، فداکاری تزلزل‌ناپذیر و همدلی عمیق ایشان است. امروز در غم و اندوه و تکریم ایشان یکپارچه ایستاده‌ایم و یک شهید واقعی زمان خود را گرامی می‌داریم، شهید جمهوری که با بینشی عمیق به هویت ایرانی و اسلامی دمید. او بیش از یک رئیس‌جمهور بود. او مظهر حریت بود، جوهر آزادی و انسانیت که می‌خواست طنین هویت ایرانی و اسلامی حریت‌مدارانه و امیدباورانه را ترویج

دهد. او با دلی شعله‌ور از عشق به ملت و ایمانش، در برابر موج‌های استثمار فرهنگی و اجتماعی قد علم کرد. بینش او به فراسوی افقی می‌نگریست که در آن روح ایران می‌تواند آزاد از قید و بندهای تحمیل‌های خارجی اوج گیرد. او در پی آن بود که میراث کهن ایرانی ما را که با اصول جاودان اسلام درهم آمیخته شعله‌ورتر سازد. او در دوران تصدی خود چراغ امیدی بود و راه آینده‌ای را ترسیم می‌کرد که مردم بتوانند هویت اصیل ایرانی و اسلامی خود را با سربلندی در آغوش گیرند. او از رنسانس فکر و روح دفاع کرد و ما را به بازگشت به ارزش‌های اصیلی که تعریف‌کننده ما هستند، یعنی شرافت، صداقت و انعطاف‌پذیری تشویق می‌کرد. زندگی او گواهی بر قدرت آزادی و آزادگی بود - آزادی فرهنگ و آزادی روح. او بر آن بود که رهایی واقعی زمانی حاصل می‌شود که از انقیاد کسانی که در پی به اسارت گرفتن هویت فرهنگی و دینی ما هستند رهایی یابیم. با هر قدمی که برمی‌داشت، زنجیر ظلم را می‌شکست و ما را به افقی هدایت می‌کرد که می‌توانستیم عزت‌مندانه در آن بایستیم. هدایت‌گری او فراخوانی روشن برای بیدار کردن پتانسیل نهفته در هر یک از ما بود تا سمفونی غنی میراث فرهنگی و مذهبی خود را به آغوش گیریم. دفاع ایشان از آزادی و آزادگی معطوف به سپهر داخلی نبود، بلکه تعهدشان به آرمان فلسطین و ایستادگی در جبهه مقاومت، این حریت و آزاده‌خواهی را بیش از پیش طنین‌انداز کرد. رئیس‌جمهور عزیز ما بر آن بود که ایستادن در کنار فلسطین، ایستادن کنار انسانیت و دفاع از حرمت و کرامت انسانی است. ایشان می‌خواست فلسطین جایی برای رویش درختان زیتون در صلح باشد، نه اینکه درختان صلح زیتون توسط دستان بی‌رحمانه رژیم غاصب صهیونیستی ریشه‌کن شوند. ایشان از آرمان فلسطینی دفاع می‌کرد که آسمانش با خنده‌های شادی‌بخش کودکان طنین‌انداز شود، کودکانی که آزادانه بازی کنند و صدای قهقهه‌شان آسمان را پر کند. ایشان سودای تحقق روزی را داشت که هوای فلسطین آکنده شود از آهنگ معصومیت و شادی، نه آوار شدن بمب‌هایی که صدای دهشتناک ویرانی را فریاد می‌کشند. در این مجاهدت شریف، دوست و هم‌رزم وفادارش، وزیر امور خارجه، جناب دکتر حسین امیرعبداللهیان در دفاع از این آرمان‌ها و شکل‌دهی

به صحنه پرافتخار ایران در سیاست خارجی، به‌عنوان ستون صلابت و عزم ایرانی در کنار ایشان ایستاد. آن‌ها با یکدیگر و دست در دست شهید سلیمانی چراغ همبستگی با راه مقاومت و امید را بیش‌ازپیش برافروختند. آن‌ها با هر حرکت دیپلماتیک، فضایی برای عدالت ایجاد کردند و مواضع تزلزل‌ناپذیر ایران را در صحنه بین‌المللی به نمایش گذاشتند. رئیس‌جمهور ما و وزیر امور خارجه باب دوستی را به چشم‌اندازی جهانی گشودند که در آن فریاد مظلومان شنیده و پاسخ داده شود. آن‌ها به‌طور خستگی‌ناپذیر مبارزه کردند تا سیاست خارجی ایران گواهی بر ارزش عدالت و انسانیت باشد. تلاش‌های آن‌ها پیامی روشن برای جامعه بین‌المللی داشت: یادآوری این نکته که صلح‌جویی و دفاع از حقوق بشر همیشه در خط مقدم رویکردهای جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی است.

سخنان او فقط کلام نبود، بلکه رگ حیات یک جنبش بود، سمفونی امیدی که در قلب میلیون‌ها نفر طنین‌انداز شد. رئیس‌جمهور شهید ما بذر احیای اندیشه و فرهنگی را کاشت که با خرد و شجاعت آمیخته بود. افقی را ترسیم کرد که ما از آن بستر شروع به دیدن جهان از دریچه میراث غنی فرهنگی و مذهبی خود کنیم و دیگر به دنبال اعتباریابی از بیرون نباشیم. میراث او نخ زرینی است که با الیاف فداکاری و بینش بافته شده است. شهادت او را پایانی نیست، آغازی است، ندایی است به همه کسانی که حریت و اصالت را گرامی می‌دارند. زندگی او شعری بود که ایاتش بر وزن تعهد ایمان‌مداران و امیدوارانه او به آرمان آزادی و حقیقت سروده شده بود. او شهید شده است، اما میراثش ماندگار است؛ شعله‌ای فروزان که همچنان راه ما را روشن خواهد کرد. او از همان ابتدای ریاست جمهوری خود، سفری را آغاز کرد که با هر قدمی، بذرهای امید را در دل مردم می‌کاشت و آن‌ها را با چشم‌انداز خود از آینده‌ای روشن‌تر و فراگیرتر پرورش می‌داد. رویکرد او صرفاً یک رویکرد حاکمیتی نبود، بلکه باغبانی بود که با مراقبت و دلسوزی به نیازها و آرزوهای مردم خود رسیدگی می‌کرد. او در طول دوران تصدی خود، پیوندی ناگسستنی بین مردم و بالاترین مقام کشور ایجاد کرد. ما به حقانیت و حقایق او ایمان آوردیم، زیرا آن‌ها از جنس خود ما بودند. ما به راه او اعتماد کردیم، زیرا با آجرهای امیدهای مشترک

ما بنا شده بود. دوران ریاست جمهوری او صرفاً دوران حکومت‌داری نبود، بلکه تجلی پیشرفت بود که هر نت با هماهنگی وحدت و ریتم تلاش جمعی طنین‌انداز بود.

بینش او در همه ساحت‌های کشور پرتو افکنده بود. او در ساحت آموزش و پرورش در کلاس‌های درس مدارس ما، معماران آینده ایران را می‌دید. خادم‌الرضای ما با شور و شوق در تعلیم و تربیت معنوی سرمایه‌گذاری کرد و تلاش داشت با فراهم ساختن دسترسی به آموزش با کیفیت برای همه، بذره‌های دانش را به درختان تنومند و برومندی تبدیل سازد که با شاخه‌های خرد، معنویت و پیشرفت، سایه‌بان ملت شوند. در راه فربگی دانشمندان و اندیش‌ورزانه علمی کشور بود که رئیس‌جمهور عزیز ما از نخبگان حمایت می‌کرد و باور داشت که خرد و نوآوری نخبگان می‌تواند ملت ما را به تعالی بی‌نظیری در صحنه بین‌المللی سوق دهد. در واقع باور داشت که مشارکت نخبگان شریان حیاتی سازنده هویت ملی ما است. ایشان با هر گام که به جلو می‌نهاد متوجه بود که مترادف شدن نام ایران با تعالی و سرآمدی جهانی مستلزم پویایی و تحرک نخبگان است. از این رو نه تنها می‌توان نام شهید راه خدمت را بر او نهاد، بلکه سزاوار است که به ایشان صفت قهرمان عقلانیت، حامی مستعدان و شهید راه پیشرفت را نسبت داد. چشم‌انداز ایشان از ملتی که با درخشش مردمش پرچمشان بالا باشد، الهام‌بخش ما خواهد بود و ما را به سوی آینده‌ای رهنمون می‌سازد که در آن کشورمان در صحنه جهانی سربلند و مورد احترام باشد.

شهید جمهور در راهروهای بیمارستان‌ها نیز پناهگاه‌هایی از شفا را متصور می‌شد. تلاش او در زمینه بهداشت این بود که هر ایرانی به مراقبت‌های مورد نیاز خود دسترسی داشته باشد. این ابتکارات فراتر از سیاست بود. آن‌ها انعکاسی از اعتقاد عمیق او به تقدس زندگی و کرامت ذاتی انسان بودند. او از نظر اقتصادی، کشوری با پتانسیل را می‌دید که سرشار از منابع و استعداد برای پیشرفت در صحنه جهانی است. سیاست‌های اقتصادی او برای تقویت کارآفرینی، نوآوری و رشد پایدار طراحی شده بود. او با توانمندسازی صنایع بومی و حمایت از کسب و کارها، بذره‌های شکوفایی را کاشت که برای نسل‌های آینده ثمر خواهد داد؛ اما شاید ماندگارترین میراث او در اعتمادی باشد که بین دولت و مردم ایجاد

شهید جمهور و ندای هویت‌سازی حریت‌بخش و امیدمدار؛ سوادبه شکراله‌زاده ۸۳

کرد. ایشان به‌عنوان الگویی از صداقت، ایمان و شفافیت ایستاد. مدیریت شهید جمهور الگویی از ارتباط باز و پاسخگویی بود. ایشان متوجه بود که اعتماد، ساختنی است و با عمل، با تعهد استوار به اصول و با احترام عمیق و پایدار به مردم حاصل می‌شود. اقدامات او مظهر اعتقادش به توانایی هر ایرانی بود. شهید جمهور در هر شهروند منبعی از قدرت بکر، مخزنی از خلاقیت و عزم را می‌دید. او راضی به کشورداری از راه دور و بافاصله از مردم نبود، بلکه در میدان عمل حضور داشت و در همین حضور به شهادت رسید. او در میان مردم قدم می‌زد، به داستان‌های آن‌ها گوش فرا می‌داد و در داستان‌های آن‌ها شریک می‌شد. حضور او یک اطمینان خاطر بود، یادآوری این موضوع که صدای مردم اهمیت دارد و نگرانی‌هایشان شنیده می‌شود. این امانت بستری بود که ایشان شیوه کشورداری خود را بر آن بنا ساخت. بنیانی استوار و پایدار به استواری دماوند. هرچند این مرد عمل، اسطوره بزرگ شهید شد، اما باغ‌های ایران از رنگ‌های پر جنب‌وجوش امید که او کاشت شکوفا می‌شود. روح او در این باغ‌ها زنده است و از لابه‌لای برگ‌ها زمزمه می‌کند و قدرت اتحاد، قدرت اجتماع و تأثیر پایدار زندگی وقف‌شده برای خدمت را به ما یادآوری می‌کند. همان‌طور که در میان این باغ‌ها ایستاده‌ایم، درس‌هایی را که او به ما آموخت به یاد بیاوریم. بیاییم به بذره‌های امید و اعتمادی که او کاشته است بنگریم و با ادامه دادن مثنی خدمت، آن‌ها را پرورش دهیم. بیاییم اطمینان حاصل کنیم که میراث او همچنان شکوفا می‌شود، باغ ایران سرزنده‌تر، زیباتر و سرسبزتر می‌شود. شهادت او اگرچه ضایعه‌ای عمیق بود، اما تنها ریشه‌های امید و اعتمادی را که او پرورش داد عمیق‌تر کرد. این شهادت، میراث او را از دستاوردهای سیاسی صرف خارج ساخته و آن را به منبعی از الهام و چراغ راه بدل ساخته است. بذرهایی که او کاشته است به رشد خود ادامه می‌دهند و با عزم جمعی ملتی که مصمم است با پیشرفت، یادش را گرامی دارند، پرورش می‌یابند. او به ما آموخت که پیشرفت واقعی یک دستاورد زودگذر نیست، بلکه یک سفر مستمر است. بیایم مشعل‌دار بینش او باشیم و مسیر را برای نسل‌های آینده روشن سازیم. بیایم نام او را با مرکب عمل و شور عزم خود در تاریخ ثبت کنیم؛ زیرا ما در گرامیداشت او روح جاودانه

ایران و اسلام را ارج می‌نهیم و متعهد می‌شویم که از آرمان‌هایی که ایشان شجاعانه از آن-ها دفاع می‌کرد دفاع کنیم. در سکوت قلبمان، صدای ایشان را بشنویم که ما را به شجاعت، آزادگی و وفاداری به ریشه‌ها ترغیب می‌کند. امید که روح پرفتوح او شجاعت را به ما الهام بخشد و میراث او سنگ‌بنای ساختن آینده‌ای شایسته یاد او باشد. رئیس‌جمهور ما، شهید خدمت ما، شاید دیگر در میان ما راه نرود، اما روح او در تاروپود ملت ما تنیده شده است. میراث او باغ امید و اعتماد است، الهامی برای نسل‌های آینده. بیاییم با مراقبت از این باغ، با ادامه کاشت بذر امید، با پرورش اعتماد و پرورش آینده‌ای شایسته، نام او را گرامی بداریم.

شهید رئیسی الگوی مردم‌داری و عدالت‌گرایی

شیرین رشیدی

استادیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی؛

rashidi66@atu.ac.ir

سخن گفتن درباره شهدا، مقام و منزلت و سیره آن‌ها کار ساده‌ای نیست. آیت‌الله شهید رئیسی شخصیتشان دارای ابعاد مختلفی است که برای نسل امروز و آینده‌الگویی جاویدان شد.

مطالعه تاریخ انقلاب اسلامی و مکتب امام خمینی (ره) و غور در زندگی‌نامه‌های شهدای انقلاب و جنگ تحمیلی آدمی را به فکر فرومی‌برد که چگونه این بزرگواران با تزکیه نفس و کنار نهادن حب‌الدنیا بهترین انتخاب‌ها را نموده و به منزلگاه سعادت راه یافتند. این ویژگی مکتب انسان‌ساز اسلام است. از صدر اسلام تاکنون شاهد شجاعت، ایثار، فداکاری و حق‌طلبی افراد شاخصی بودیم که هر کدام به منزله ستون این خیمه تلقی می‌شوند و عمر بابرکت خویش را در راه اهداف متعالی دین مبین اسلام صرف نموده و با خدا معامله نمودند و فقط رضای خداوند سبحان آن‌ها را به حرکت وامی‌داشت و تمام زندگی خویش را وقف خدا نموده و بدین جهت در تاریخ نامشان باقی مانده است؛ زیرا به دنیای فانی دل نیستند و تنها باهدف عبودیت خالصانه زیستند.

انسان‌های با فطرت بیدار، متوجه و مجذوب نفوس پاک اولیای الهی می‌شوند به

ارواح پاک آنان توسل جسته تا به واسطه آنها راه را از بی‌راه پیدا نموده و در کوره‌راه امتحان‌های دنیوی دچار خودباختگی نشوند. اساساً پیوند و مؤانست با انسان‌های پاک منجر به خودشناسی و سپس خداشناسی می‌شود؛ بنابراین تفکر در زندگی و سلوک شهدا به‌عنوان الگوهای عملی زیست خداپسندانه برای انسان معاصر ضروری است.

یکی از شخصیت‌های ارزشمند تاریخ انقلاب اسلامی ایران حضرت آیت‌الله شهید رئیسی است که در طول عمر با برکت خویش با تمام وجود و با اعتقاد کامل و روحی مزین به بهترین فضایل اخلاقی نظیر ساده زیستی، تواضع و غیره، در نهایت مسئولیت‌پذیری، تعهد، جدیت و قاطعیت در مقام تصمیم‌گیری همواره در حال خدمت‌رسانی خالصانه به همه مردم بود. ایشان مظهر مؤمن واقعی تلقی می‌شود که به عهد و پیمان خویش با خدای متعال وفادار و متعهد بود. خداوند متعال در وصف مؤمنان حقیقی می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ، کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند و نماز را برپا داشتند و زکات را پرداختند، اجرشان نزد پروردگارشان است؛ و نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین می‌شوند» (سوره بقره: آیه ۲۷۷).

لازم است تا در قلمرو اندیشه از روحیه ظلم‌ستیزی و عدالت‌پروری و دفاع از مظلوم آن شهید و الامقام نگاهی هرچند گذرا داشته باشیم و رفتارها و دیدگاه‌های ایشان را در جامعه یادآور شویم. به‌طور مثال ایشان با تأسی به مولای متقیان علی علیه‌السلام دارای روحیه حقیقت‌جویی، عدالت‌پروری و مدافع حقوق زیردستان بود؛ زیرا هدف ایشان ریشه‌کن نمودن فساد، تبعیض و تحقق عدالت در جامعه بود. برای همین همیشه بر رعایت اصول اخلاقی و عدالت تأکید می‌نمود. عدالت از اهداف اساسی بعثت پیامبران بوده است^۱

۱. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُتَمَرَّكُوا بِالنُّصُوحِ بِالْإِنْسَانِ»، ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند» (سوره حدید: آیه ۲۵)

و در آیات و روایات و سیره عملی ائمه معصومین علیه‌السلام نیز اجرای عدالت^۱ به صورت اصلی بنیادین مطرح گشته است. خداوند عادل است^۲. عدالت الهی زیربنای عدالت اجتماعی است؛ و پیروان راستین مکتب اسلام نظیر شهید رئیسی که پیش‌تر به مقام خادم‌الرضا نائل شده بود با همین جهان‌بینی زندگی خویش را جهت داد و خدمتش صرفاً لله بود و خداوند نیز جزای خیر روزی‌شان نمود و شهد شیرین شهادت را در شب میلاد امام رضا علیه‌السلام به ایشان نشاناند تا در جوار رحمت الهی قرار گیرد^۳.

حضرت علی علیه‌السلام در نامه به مالک اشتر نخعی این مسئله را یادآور می‌شوند و به او سفارش می‌کنند: «وَأَجْعَلْ لِدَوَى الْحَاجَاتِ مِنْكَ قِسْمًا تُفَرِّغُ لَهُمْ فِيهِ شَخْصَكَ، وَتَجْلِسُ لَهُمْ مَجْلِسًا عَامًّا فَتَتَوَاضَعُ فِيهِ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَكَ، وَتُقْعَدُ عَنْهُمْ جُنْدَكَ وَأَعْوَانَكَ مِنْ أَحْرَاسِكَ وَشُرَطِكَ؛ حَتَّى يَكَلِّمَكَ مَتَكَلِّمُهُمْ غَيْرَ مُتَتَعِّعٍ، فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ فِي غَيْرِ مَوْطِنٍ، «لَنْ تُقَدَّسَ أُمَّةٌ لَا يُؤْخَذُ لِلضَّعِيفِ فِيهَا حَقُّهُ مِنَ الْقَوِيِّ غَيْرَ مُتَتَعِّعٍ». ثُمَّ أَحْتَمِلُ الْخُرْقَ مِنْهُمْ وَالْعِيَّ، وَنَحَّ عَنْهُمْ الضِّيْقَ وَالْأَنْفَ يَبْسُطُ اللَّهُ عَلَيْكَ بِذَلِكَ أَكْنَافَ رَحْمَتِهِ، وَيُوجِبُ لَكَ ثَوَابَ طَاعَتِهِ. وَأَعْطَى مَا أُعْطِيَ هَيْئًا، وَأَمْنَعُ فِي إِجْمَالٍ وَإِعْدَارٍ»؛ پس بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص ده که به تو نیاز دارند تا شخصاً به امور آنان رسیدگی کنی و در مجلس عمومی با آنان بنشین و در برابر خدایی که تو را آفریده فروتن باش و سربازان و یاران و نگهبانان خود را از سر راهشان دور کن تا سخنگوی آنان بدون اضطراب در سخن گفتن با تو گفتگو کند، من از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بارها شنیدم که می‌فرمود: «ملت‌ی که حق ناتوانان را از زورمندان،

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ آلَا تَعْدَلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»، ای اهل ایمان! همواره [در همه امور] قیام کننده برای خدا و گواهان به عدل و داد باشید؛ و نباید دشمنی با گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نورزید؛ عدالت کنید که آن به پرهیزکاری نزدیک‌تر است؛ و از خدا پروا کنید؛ زیرا خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است» (سوره مائده: آیه ۸).

۲. «إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ، خَدَّوْنَد (حَتَّى) بِه اَنْدَاذَه سَنَكِينِي ذَرَه‌ای سَتَم نَمِي كَنَد» (سوره نساء: آیه ۴۰).

۳. «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ، هَر كَز مِپَنْدَا رِيد كَسَانِي كِه دَر رَاه خَدَا كَشْتَه مِي شُونَد مَرْدَه‌اند، بَلَكِه اَن هَا زَنْدَه‌اند وَ نَزْد پُرورد گَارَشَان رُوزِي مِي گِيرِنَد» (سوره آل عمران: آیه ۱۶۹).

بی‌اضطراب و بهانه‌ای بازنستاند، رستگار نخواهد شد». پس درستی و سخنان ناهموار آنان را بر خود هموار کن و تنگ‌خویی و خودبزرگ‌بینی را از خود دور ساز تا خدا درهای رحمت خود را به روی تو بگشاید و تو را پاداش اطاعت ببخشد، آنچه به مردم می‌بخشی بر تو گوارا باشد و اگر چیزی را از کسی بازمی‌داری با مهربانی و پوزش خواهی همراه باشد (نهج‌البلاغه: نامه ۵۳). رسیدگی به مشکلات مردم دغدغه همیشگی شهید رئیسی بود؛ و می‌دیدیم که با کمال تواضع در دورترین نقاط کشور (در روستاها) حضور پیدا می‌کرد و پای درد و دل مردم می‌نشست. دنیا و مادیات و تکلف در قاموس فکری ایشان رنگی نداشت. در دوران کرونا برای حفظ جان مردم بسیار تلاش کرد. شخصاً به داروخانه‌ها سر می‌زد و نظارت مستقیم بر پخش و توزیع واکسن داشت. شهادت جانسوز ایشان دل‌های مردمی که شاهد تلاش‌های شبانه‌روزی و خستگی‌ناپذیرشان بودند را به درد آورد. رفتار ایشان با مردم، الگوی عدل اسلامی بود؛ زیرا در کمال وقار، متانت و صبوری به صحبت‌های تک‌تک افراد با روی گشاده گوش فرا می‌داد و آنگاه برای رسیدگی به مشکلات آن‌ها وارد میدان می‌شد.

خدمت اعداد به ساحت خدمت: بودن یا

نبودن؟

زری سعیدی طلب

دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه علامه طباطبائی؛

saeedi.za@atu.ac.ir

هدف دل‌نوشته حاضر طرح یک سؤال است که پاسخ آن را باید در نگاه مخاطب عزیزی که متن حاضر را مطالعه می‌نماید، جستجو نمود. در فرایند نگاشت متن دل‌نوشته، به زمینه کلی بحث و بستر تاریخی آن اشاره خواهد شد و در این مسیر در قالب یک بارش فکری، خواننده را به داشتن نگاهی متفاوت به ساختارهای معمول نگارشی، دعوت می‌کند و هدف آن القاء درستی یا نادرستی یک ایده ریشه‌دار اما ثابت نشده، نیست بلکه چنانچه اشاره شد هدف، ایجاد بستری خلاقانه‌تر جهت نگاهی فراساختاری به پدیده‌های محیط اطرافمان است. برای شروع، بهتر است به ابعاد زندگی اجتماعی و فرهنگی بشر و راهکارهای وی برای تحلیل حوادث اطرافش و عمق بخشیدن به ابعاد ظاهری رخدادها، جامعه، نگاهی هرچند اجمالی داشته باشیم. در طول دوره‌های مختلف تاریخ، یکی از سرگرمی‌های بشر آن بوده است که تلاش نمایند در میان پدیده‌ها و روابط آن‌ها جستجو کرده و رمز و رازهای نهایی احتمالی را بیابند. گرچه ممکن است اسرار و روابط اشیاء، حوادث و هر آنچه در خلقت، نمود می‌یابد، به‌طور کامل و جامع با معیارهای علمی دنیای امروز منطبق نباشد، اما می‌تواند مبنایی جدید برای تفکری متفاوت و بارش فکری دیگری در حوزه

ناشناخته‌های دنیای کنونی و احتمالاً شکل‌دهی فرضیه‌هایی نو در حوزه شناسایی عوامل فیزیکی و حتی متافیزیکی عالم باشد. یکی از این فرضیه‌ها، فرضیه نیومرالوجی^۱ است که قبل از قرن بیستم به‌عنوان آریتمنسی^۲ شناخته می‌شد و ایده اصلی آن احتمال وجود روابطی رمزآلود بین اعداد و حوادث و پدیده‌های عالم بود و اینکه از طریق شناخت این روابط امکان پیشگویی در حیطه رخدادهای جهان و یا شناسایی روابط آن‌ها که ممکن است از جنس غیرمادی باشد، وجود دارد. در واقع تفکر بنیادی در پس این فرضیه آن است که عالم متافیزیک از طریق ارتباط اعداد و پدیده‌ها با انسان‌ها و دنیای کنونی ارتباط برقرار می‌کند و علائمی را سر راه بشر قرار می‌دهد تا پیامی را به وی ارسال نماید. در فرهنگ پیشین ایران نیز، برخی علما و صاحب‌نظران به ارتباط حروف و اعداد در قالب ساختار ابجد معتقد بودند و هنوز هم تعدادی به این ارتباط به‌عنوان بخشی از یک علم وسیع در حیطه شناخت مفهوم زمان، علم نجوم «فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ»، (آیه ۷۵ سوره واقعه) و ماهیت آن‌ها و پدیده اعداد که مبنای محاسبات زمان هستند، معتقدند و زمان را یکی از عوامل شکل‌دهنده بعد وجودی انسان و همه پدیده‌های عالم می‌دانند. علم اعداد و علم حروف را { که حروف ابجد یک نمونه عینی آن است و برای مثال عدد ابجد نام حضرت علی علیه‌السلام را ۱۱۰ می‌داند } در کنار علم نجوم قرار داده است. ابن خلدون نیز یکی از افرادی بود که علم حروف را بخشی از علم سیمیا معرفی می‌نمود (به نقل از دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، برگرفته از مقاله علم حروف شماره ۶۰۴۱) که در واقع از طریق یک نظام الفبائی-حروفی^۳ به ارزش عددی حروف در کلمات و نام‌ها اشاره دارد. در این رابطه، یک سؤال اساسی ذهن بشر را درگیر خود می‌کند که آیا ممکن است شاخه‌های دیگری از علم در عالم وجود داشته باشد که بتوان آن‌ها را در درون دایره چنین فرضیه-هائی قرار داد در حالی که انسان‌ها هنوز نتوانسته‌اند به اندازه کافی و وافی به ماهیت آن پی

1. Numerology
2. Arithmancy
3. Alphanumeric

ببرند؟ و یا آنکه فرضیه‌هایی از این دست، همه شبه‌علم هستند و به دلیل عدم اثبات آن‌ها، قابل استناد یا توجه ویژه نیستند و صرفاً در قالب همان انگیزه‌های سرگرم‌کننده بشری، باید به آن‌ها نگریست؟ برای روشن شدن بحث می‌توان به حدیثی از امام صادق علیه‌السلام اشاره نمود که: علم و دانش بیست و هفت حرف است و همه آنچه پیامبران آورده‌اند، تنها دو حرف آن است و مردم تاکنون جز با آن دو حرف، با حرف‌های دیگر آشنایی ندارند و هنگامی که قائم ما قیام کند، بیست و پنج حرف دیگر را بیرون آورده، آن را بین مردم نشر و گسترش می‌دهد. آیا فرضیه اعداد و فرضیه حروف و ابعاد علم نجوم آن‌چنان که باید مورد توجه بشر قرار گرفته‌اند؟ و یا افرادی که بیش از حد غرق در افکار پوزیتیویستی هستند و هر آنچه نادیدنی است را از حیطه علم خارج دانسته و آن را با خرافه‌گرایی افراطی که در واقع مطرود هر فرد عاقلی است، پیوند می‌زنند تلاش دارند بشر را از تفکر در حیطه روابط متافیزیکی رخدادهای عالم، دور نگه دارند؟ از دیدگاه فرضیه‌های اشاره‌شده، روابط بین اعداد و حوادث ممکن است در رخدادهای عادی زندگی مردم نیز مشاهده شود و به گونه‌ای مشابه علائم موریس، پیام‌هایی گاه‌ها ساده اما قابل تأمل را به بشر برساند. فرضیه اعجاز عددی قرآن که به صورت مشخص توسط رشاد خلیفه قرآن پژوه مصری مطرح شد نیز یکی از مواردی است که در چارچوب فرضیه نیومرالوجی یا آریتمنسی قرار می‌گیرد. این قرآن پژوه تا جایی به ارتباط عمیق اعداد و پدیده‌ها معتقد بود که مدعی شد تاریخ قیامت را می‌توان از اعجاز اعداد در قرآن مشخص نمود. در فرضیه اعجاز عددی قرآن کریم اشاره‌هایی به ارتباط اعداد با محتوای کلمات و عبارات قرآنی شده است. برای مثال واژه «سجده» ۳۴ بار در قرآن به کار رفته است که با تعداد سجده‌های نمازهای واجب برابر است. واژه ماه (شهر)، ۱۲ بار و به تعداد ماه‌های سال بکار رفته است و از واژه ساعت به تعداد ساعات شبانه‌روز، یعنی ۲۴ بار استفاده شده است و مثال‌های دیگری که در پژوهش‌های قرآن‌مدار مرتبط، قابل مشاهده است. سؤال دیگری که در ذهن متبادر می‌شود آن است که آیا نظم و با هم آیی برخی اعداد در رویدادها و حوادث عالم صرفاً تصادفی است و یا پیام و نکته‌ای در این باهم آیی‌ها نهفته است که بشر اعتقادی به اتفاقی نبودن

آن‌ها ندارد؟ به‌عنوان یک نمونه از حوادث غم‌بار اخیر در ایران، به رویداد حادثه سقوط هلیکوپتر باید اشاره نمود که در آن، هشت نفر از مسولین و خدمت‌گزاران عزیز را در ایام تولد امام رضا علیه‌السلام و از جمله، هشتمین رئیس‌جمهور کشورمان که به اذعان آحاد جامعه در حیطه خدمت خالصانه بسیار کوشا و از خُدام عاشق امام هشتم بودند را در هشتمین سال مسولیت دغدغه‌مندانه خود (در آستان قدس، قوه قضائیه و قوه مجریه) از دست دادیم. در این بخش از این نگاشت و با یاد آفریدگار عالم که جان را فکرت آموخت، ساحت تفکر در عرصه ارتباط پدیده‌ها را به ذهن خلاق و پویای مخاطبان این دل‌نوشته می‌سپاریم.

مرگ آگاهی و ثمرات آن با نگرش حکمت متعالیه

حوران اکبرزاده

استادیار گروه فلسفه، دانشگاه علامه طباطبائی؛

h_akbarzadeh@atu.ac.ir

مرگ عزیزان و وابستگان و سایر انسان‌ها فرصت مغتنمی است برای تفکر دربارهٔ مرگ. «ألا فی آیام دهر کم نفحاتٌ ألا فتعرضوا لها». وقتی می‌فهمید که قرار است بمیرید، اما هنوز وقت برای اندیشه در مورد معنای زندگی خود دارید، چیزهایی برایتان پررنگ‌تر و پراهمیت‌تر می‌شود که قبلاً به آن‌ها توجهی نداشتید.

باور اینکه اولاً: «مرگ» یک واقعیت مسلم زندگی ماست و ما نامیرا نیستیم؛ و ثانیاً: «مرگ»، هر لحظه بدون هیچ تضمینی می‌تواند رخ دهد، این پدیده را برای ما جزو مهم‌ترین واقعهٔ زندگی مان قرار می‌دهد.

حفظ جان، یکی از قوانین هستی و یکی از فطریات هر موجودی است (جامدات، گیاهان، حیوانات و انسان). البته هر چه آن موجود از بهرهٔ هوشی بالاتری برخوردار باشد، تلاش بیشتری برای حفظ جان خویش در شرایط تهدیدآمیز عالم خواهد داشت.

آگاهی پیرامون مرگ که می‌توان آن را «مرگ آگاهی» نامید، در انسان بسیار پررنگ است هر چند که در برخی حیوانات هم به نحو ویژه‌ای دیده می‌شود. حس مرگ با انسان است اما همیشه از آن می‌گریزد و با این توجیه که مرگ از آن همسایه است، خود را می‌فریبد. در برخی نگرش‌های فلسفی مانند نگرش صدرایی که با محتوای آیات و روایات

هم بسیار هم ساز است، در این عالم ماده، «موجود بما هو موجود» یک نقطه آغاز، یک نقطه پایان و یک دوره بین این دو نقطه را دارد. انسان و سایر موجودات هستی، نه تنها در نقطه پایان زندگی، بلکه در سراسر زندگی از آغاز تا پایان، فانی و میرا و در حال تطور و تغییر از لحظه قبلی و تولد بعدی می‌باشند. این نگرش، برداشت از مرگ را توسعه می‌دهد و پیام‌ها و پیامدهای شگفت و معناداری را در زندگی بشر به همراه می‌آورد.

با بیان مقدمه فوق، به‌عنوان یک معلم فلسفه، حادثه شهادت شهدای عزیز خدمت و در رأس آن رئیس‌جمهور محترم جناب آقای رئیسی مرا تکان داد. با خود حدیث نفس کردم که این حادثه، ابعاد گوناگونی دارد: به لحاظ عاطفی، جامعه ما چندین انسان مؤمن را از دست داد و همه را بسیار متأثر کرد؛ و به لحاظ سیاسی با از دست دادن انسان‌های برجسته کشوری، ضربه بزرگی به نظام مقدس اسلامی وارد آورد؛ اما به لحاظ اعتقادی و فلسفی، پدیده «مرگ» را برایم بیشتر پررنگ کرد. با خود حدیث نفس کردم که مرگ در یک قدمی است، چقدر آماده‌ای؟ آیا با وجود اینکه سر کلاس‌های درس می‌گویی: «مرگ، نقطه پایان مطلق نیست بلکه پایان سفر دنیاست و نقطه آغاز سفر به سوی حیات حقیقی است»، به حرف‌هایت باور داری؟ ...

به بهانه این مناسبت می‌خواهم پیام‌های مرگ را با گوش شنواتری بشنویم و اندکی نتایج و پیام‌های مرگ را بلند بلند با شما در میان بگذارم. این دل‌نوشته را به خانواده‌های معظم شهدای این حادثه تقدیم می‌کنم.

نکات مهم مرگ آگاهی:

اول: چشم‌هایمان را نسبت به پدیده «مرگ» بشویم و طور دیگر بدان بنگریم. پیام قرآن این است: مرگ فنا و نابودی نیست زیرا از آن با واژه خَلَقَ یاد می‌کند: «خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَلْوَكُمَ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» قرآن واژه خلق و آفرینش را برای هر دو نقطه زندگی و مرگ برمی‌گزیند. گوئی حاوی این پیام است که مرگ، نوع جدید و بلکه متعالی‌تر زندگی پس از این زندگی است. مرگ تجربه دوباره تولد به دنیا پس از زندگی جنینی در رحم مادر است.

مرگ آگاهی و ثمرات آن با نگرش حکمت متعالیه؛ حوران اکبرزاده ۹۵

دوم: هم زندگی (با تمام فراز و نشیب‌هایش) و هم مرگ، هر دو برای ابتلا و امتحان بندگان است. طبق آیه شریفه ۱۵۵ بقره، ابتلا گاهی به ترس، یا گرسنگی است و گاهی به نقص در اموال و ثمرات و نعمت‌های دنیوی است و گاهی نقص در آنفس و جان‌هاست، اقتضای عالم طبیعت تراحم و ابتلاست اما بشارت خدا بر صابرين است یعنی کسانی که همه آمدن و شدن و رفتن خود را در مسیر و جهت او می‌بینند و می‌خواهند. صابرينی که وقتی به آن‌ها بلا می‌رسد اعلام می‌کنند که «أنا لله و أنا اليه راجعون» چیزی از خود ندارند لذا اهل جزع و فزع نیستند. صبوری مقام بسیار والا و فوز عظیم است. اصلاً برای رسیدن به این مقام، باید نوح هزاران سال، تمسخر قوم را بشنود؛ یوسف نبی به چاه رود؛ ابراهیم خلیل عزیزش را ذبح کند؛ و حسین به عنوان ذبح عظیم، فدایی گردد. صبوری، یعنی در همه حال شاکر بودن، یعنی در اوج و حضيض، بندگی کردن.

سوم: ما مال اینجا نیستیم. شهر و وطن ما اینجا نیست. ما از نیستان بریده شده‌ایم تا در کلاس و مدرسه دنیا دوره‌های کارآموزی و گاهی دانش‌افزایی را بگذرانیم. به مقدار تلاشمان، نمره می‌گیریم. «ليس للإنسان إلا ما سعى و أن سعيه سوف يُرى» (۳۹-۴۰ نجم) سپس دوباره به ولایتمان برمی‌گردیم، همان شهر خدا.

مرگ آگاهی به ما این فرصت را می‌دهد که در لحظه لحظه‌هایمان، به این فکر کنیم که اگر این لحظه‌ها را از دست بدهیم، چگونه می‌توانیم آن‌ها را جبران کنیم؟ آیا جز علم نافع، عمل صالح، اخلاص، خُلق خوش، رفتار شایسته با دیگران و افکار نیک و ظن زیبا می‌تواند از دست رفتن عمر را جبران کند؟

مرگ آگاهی یعنی: حواست باشد که وقت تنگ است و زود دیر می‌شود. چهارم: مرگ آگاهی، نوعی «خودآگاهی» هدفمند و «زندگی آگاهی» هدفمند را به ما القا می‌کند. باور فلسفی این موضوع که رابطه دنیا و آخرت، رابطه عمل و عکس‌العمل است. برزخ و قیامت ما در طول حیات دنیوی ما با کنش‌ها و حرکات و سکانات؛ و منش و روش و سلوک ما؛ و اندیشه و انگاره‌های ذهنی ما از افراد و حوادث ساخته می‌شود. ما در دنیا یک شاکله وجودی داریم که در طول زندگی‌مان، توأمان هم تحت تأثیر عوامل

درونی و ژنتیکی و مزاجی قرار گرفته؛ و هم عوامل بیرونی همچون محیط و تربیت و فرهنگ و مذهب و ... بر آن تاثیرگذار است و از همه مهم‌تر نحوه اختیار و انتخاب ما در فراز و نشیب‌های زمانه، این شاکله وجودی را به تدریج طی حرکت جوهری می‌سازد اما مرگ آگاهی به ما این بصیرت را می‌دهد که هرچه شاکله‌مان را ساختیم و هر چه کاشتیم، در زندگی پس از مرگ درو می‌کنیم. حقیقت تجسم اعمال در آیات و روایات و فلسفه صدرای همین است. ما در دنیا همچون مار، پوست روئین خود را فربه می‌کنیم غافل از آنکه پوستی زیرین در حال نشو و نماست که به زودی پوست روئین می‌افتد و در حیات ابدی، پوست زیرین ما آشکار می‌گردد.

مرگ آگاهی یعنی بازنگری به اعمال و رفتار و نیت خود، یعنی هنوز فرصت بازگشت و توبه به سوی خداوند هست و خدا بهترین منتظر است، منتظر بازگشت ما به اصل خود.

مرگ آگاهی یعنی طبق سفارش معصوم (ع)، بمیریم قبل از اینکه بمیریم (موتوا قبل أن تموتوا)، یعنی تهدیدها را به فرصت تبدیل کنیم و در سبک زندگی مان بازنگری کنیم. پنجم: راه رسیدن به مرگ خوب و زیبا، زیستن خوب و زیباست. هرکسی همان‌گونه می‌میرد که زندگی می‌کند. انسان‌های بزرگ و وارسته در طول حیات خویش و سر بزنگاه‌های انتخاب بین درستی و نادرستی؛ خودمحوری و خدامحوری، زیبا زندگی کردند و علیرغم سختی‌های مسیر، پابرجا و مستقیم قدم برداشتند. طلحه و زبیر و مالک اشتر شروع خوبی داشتند اما پایان یکسانی نداشتند. شهدایی همچون حاج قاسم سلیمانی و شهید رئیسی و شهدای طول تاریخ به ما آموختند که نحوه زندگی ما، نحوه مرگ ما را تعیین می‌کند.

این واقعه به من آموخت که اگر تکیه‌ات بر دنیا و غیر خدا باشد، باختی چون چنان کمتر از لحظه غافلگیر می‌شوی که فرصت هیچ تصمیم‌گیری نخواهی داشت. گوئی مرگ، دنیا را به سُخره می‌گیرد. خوشا به حال شهدا که به دنیا خندیدند و برای خدا و خدمت به سایر هموعانشان، مرگ را نقطه پایان ندیدند. نوعاً شهدا برنامه‌ریزی زندگی‌شان برای رسیدن به آخرت بوده لذا تکلیف کارشان در دنیا مشخص بود و می‌دانستند که می‌خواهند

مرگ آگاهی و ثمرات آن با نگرش حکمت متعالیه؛ حوران اکبرزاده ۹۷

چه بکنند و به کجا برسند؟ اصولاً انسان بر سر یک دوراهی است: به زندگی موقت دنیا (عاجله) با همه فریبندگی‌اش بسنده کند یا روی حیات اخروی و برای جاودانگی تلاش کند؟ انسان‌های بزرگ، چون برای جاودانگی زندگی می‌کنند، جاودانه می‌شوند.

مراقب باشیم که پیام این گونه حوادث را با دیده بینا و گوش شنوا درک کنیم. ما در لحظه مرگ، فراری از شاکله وجودی خود که به دست خود ساخته‌ایم، نداریم.

مرگ آگاهی، فرصت بازنگری در اهداف و غایات و فرصت برنامه‌ریزی‌های جدید برای جلوگیری از فرصت سوزی را قبل از فوت وقت، برایمان فراهم می‌کند. فرصت مراقبه، مشارطه و محاسبه.

این باب همچنان باز است.....

